

سال هشتم، شماره ۹۴، دی ۱۴۰۲

**صاحب امتیاز:** مؤسسه مطالعات ملی

**مدیر مسئول و سردبیر:** دکتر شقایق حیدری

**مشاوران علمی:** دکتر کاوه امیرخانی، دکتر حبیب‌الله فاضلی،

دکتر علی کریمی، دکتر مجتبی مقصودی، دکتر داود

میرمحمدی

**همکاران این شماره:** دکتر محمدجواد بهمن‌آبادی، دکتر

سالار سیف‌الدینی، دکتر رمضان شعبانی سارویی،

دکتر فائزه قاسمی، دکتر داوود میرمحمدی، دکتر حمید

هوشنگی، مریم یاری

**مدیر اجرایی:** فاطمه تکلو

**گروه اجرایی:** فاطمه تکلو، محمد خان‌بیگی

**صفحه‌آرا:** فریبا خانعلی

**امور مشترکین:** فاطمه تکلو

**ویراستار:** فریبا خانعلی

**چاپ:** تهران، خیابان مطهری، نرسیده به چهارراه

سهروردی، خیابان سندانج، پلاک ۶، مجتمع ایران کهن

**نشانی:** تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان

شهادی ژاندارمری، پلاک ۴۲

**صندوق پستی:** ۹۱۹-۱۳۱۴۵

**تلفکس:** ۶۶۴۱۵۴۸۸-۶۶۴۱۵۴۶۷

**تارنما:** [www.rinsweb.ir](http://www.rinsweb.ir)

**رایانامه:** [Name.hoviat@gmail.com](mailto:Name.hoviat@gmail.com)

**قیمت:** ۶۰۰۰۰ ریال

۲ سخن سردبیر

۳ الگوی سوم؛ نگاهی به هویت زنانه در اندیشه رهبر معظم انقلاب

**گروه مطالعات ایران**

۱۱ مکتب شهید سلیمانی؛ مکتب خادمی برای سعادت مردم

**دکتر رمضان شعبانی سارویی**

۱۵ شب یلدا؛ کارکردهای هویتی و اجتماعی

**مریم یاری**

۱۹ بایسته‌های هویتی تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی

**دکتر حمید هوشنگی**

۲۶ گام‌های مؤثر امیرکبیر در تأمین منافع ملی ایران

**دکتر سالار سیف‌الدینی**

۲۸ جایگاه زبان فارسی در وب جهانی

**دکتر فائزه قاسمی**

۳۳ ایثار اجتماعی؛ به‌مثابه مبانی تولید انرژی عاطفی، سرمایه اجتماعی

**دکتر داوود میرمحمدی**

و انسجام جمعی

۳۷ تأثیر تحولات منطقه‌ای بر سیاست‌های کردی ترکیه

**دکتر فائزه قاسمی**

۴۳ وضعیت حاکمیت هوش مصنوعی در سطح جهانی

**دکتر محمدجواد بهمن‌آبادی**

پروانه انتشار ماهنامه «نامه هویت» توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی؛ طی نامه‌ای به شماره ثبت ۷۶۹۷۶ در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۶ تأیید و صادر شده است.

## سخن سر دیر

سطح یک مکتب درخشید. شهید سلیمانی الگوی انسان مجاهد برای میداین گوناگون زندگی است، مهم‌ترین ویژگی حاج قاسم این بود که همه مردم با هر فکر و گرایش دوستدار او بودند و مورد احترام همه بود؛ چون او خود را سرباز واقعی وطن می‌دانست. مکتب شهید سلیمانی الگوی مناسبی برای راهبری نسل جدید جوامع اسلامی است که دچار چالش‌ها و بحران‌های هویتی اند تا پاسخ‌های روشن و شفاف در تمسک به هویت اسلامی و زیست‌بوم خود داشته و با اتکا به مؤلفه‌های هویتی اسلامی، راه ترقی و پیشرفت و عبور از عقب‌ماندگی و وابستگی به قدرت‌های جهانی را با افتخار سربازی و خادمی برای مردم نشان می‌دهد.

مقاله بعدی به موضوع «شب یلدا؛ کارکردهای هویتی و اجتماعی» پرداخته است. سنت‌ها، آیین‌ها، عزاداری‌ها، بزرگداشت‌ها، مناسبات و اعیاد همواره نقش مهمی در تقویت هویت و همبستگی ملی در میان ایرانیان داشته‌اند. این آیین‌ها و مناسبات ریشه در فرهنگ اسلامی ایرانی دارد؛ فرهنگی که تلفیقی زیبا و منحصر به فرد از سنت‌های اسلامی ایرانی به وجود آورده است؛ به طوری که مناسبات اسلامی و ایرانی در هم تنیده شده و از هم رنگ و نقش گرفته‌اند، قرن‌ها در کنار هم زیسته‌اند و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خود را به هم وام داده‌اند. یکی از سنت‌های ایرانی که تمامی این ویژگی‌ها را در خود به صورت پیدا و پنهان دارد شب یلداست. ایرانیان از دیرباز بلندترین شب سال را برای پاسداشت صلح‌رحم که در دین اسلام بسیار توصیه شده انتخاب کرده‌اند. در دوره‌ای که بسیاری از بدخواهان ملت ایران تلاش دارند بین مناسبات اسلامی و ایرانی تمایز و جدایی قائل شوند، پاسداشت مناسب شب یلدا توسط مسئولان ذی‌ربط باعث شکست نقشه دشمنان در راستای جدایی بین مناسبات و اعیاد مذهبی و ملی و مصادره مناسبات ملی توسط بیگانگان می‌شود. از این رو، در این مقاله ابتدا به تبارشناسی این آیین دیرینه و سپس به راز ماندگاری این جشن کهن و کارکردهای جامعه‌شناسانه‌ی آن پرداخته شده است.

«بایسته‌های هویتی تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی»، عنوان مقاله بعدی این شماره است. انتخابات به دلیل مشارکت سیاسی مردم می‌تواند منجر به تقویت همبستگی ملی گردد. برای نیل به همبستگی ملی از مسیر انتخابات، باید پیش‌شرط‌های مختلفی مورد توجه قرار گیرد. یکی از اساسی‌ترین پیش‌شرط‌های انتخابات همبستگی ساز تبلیغات انتخاباتی همسو

با نام و یاد خداوند بزرگ و مهربان سخن را آغاز می‌کنیم. در ابتدا، میلاد با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س)، اسوه و الگوی بانوان جهان، روز زن و روز مادر را به همه بانوان عزیز، فرهیخته و بزرگوار این سرزمین و همچنین، به همه دستداران اهل بیت علیهم السلام تبریک و تهنیت عرض می‌کنیم. ولادت امام محمدباقر (ع) را نیز تبریک می‌گوییم. شب یلدا، یکی از قدیمی‌ترین آیین‌ها و رسوم ایرانیان برای دورهم‌نشینی و تقویت انسجام خانواده‌رانی‌گرایی می‌داریم. همچنین، میلاد حضرت مسیح (ع) و آغاز سال نو میلادی را به هم‌وطنان عزیز مسیحی شادباش می‌گوییم. سیزدهم دی‌ماه، سالروز شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، در تقویم ایرانیان روز جهانی مقاومت نام گرفته، یاد و خاطره این شهید بزرگوار، دلاوری‌ها و رشادت‌های ایشان برای این مرز و بوم را گرمی می‌داریم و برای آنان که راه مقدس این شهید عزیز را ادامه می‌دهند آرزوی توفیق داریم. شهادت امام علی‌النقی الهادی (ع) را نیز تسلیت عرض می‌کنیم. دی‌ماه مصادف با شهادت امیرکبیر و همچنین، نواب صفوی و همراهان ایشان است که همگی برای عزت و سربلندی ایران کوشیدند؛ یاد و خاطره ایشان گرمی و راهشان پر رهرو باد.

نخستین مطلب ماهنامه دی‌ماه به موضوع «الگوی سوم؛ نگاهی به هویت زنانه در اندیشه رهبر معظم انقلاب» اختصاص یافته است. رهبر معظم انقلاب در الگوی سوم، نگاه اسلامی به هویت زنانه ارائه نموده‌اند. برای فهم چیستی، اجزا و عناصر الگوی سوم ابتدا لازم است الگوهای شرقی و غربی به عنوان دیگر هویتی الگوی سوم نقد گردد؛ در واقع، الگوی سوم با این نگاه که «طرح‌های کهنه و نو ضدزن به نتیجه نخواهد رسید» شکل گرفته و معتقد است هر دو الگوی موجود در حوزه زنان، ضدزن است و ستم‌های مختلفی را به زنان تحمیل می‌کند؛ بنابراین، در این مقاله تلاش شده است ضمن نقد الگوی غربی و شرقی، چیستی، اجزا و عناصر الگوی زن از منظر رهبر معظم انقلاب مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه نیز الزامات تحقق این الگو مورد توجه قرار گرفته است.

در مقاله «مکتب شهید سلیمانی؛ مکتب خادمی برای سعادت مردم» نیز آمده است که ایثار، جهاد و شهادت، نقطه‌ی کانونی مکتب شهید سلیمانی است که از محورهای اساسی در فرهنگ اسلامی و عامل بقای اسلام و نظام اسلامی است. سردار شهید نماد هویت اسلامی ایرانی است، او تنها شخصیت بزرگ نظامی ایران بود که در

با ارزش‌های دینی و هویت ملی ایرانیان است. در واقع، از یکسو باید قواعدی بر فضای تبلیغات انتخابات حاکم باشد که همبستگی ملی از آن حاصل شود و از سوی دیگر، باید فضای تبلیغات منجر به آگاهی‌بخشی به جامعه برای انتخاب دقیق و درست شود. از همین جهت است که رهبر معظم انقلاب بیان داشته‌اند که «فضای انتخابات باید فضای سالمی باشد؛ فضای تبلیغات باید با فضای پروپاگانداهای معمول دنیا تفاوت داشته باشد». تبلیغات انتخابات دارای ابعاد و زوایای متعددی است که می‌توان برای هر یک از آن‌ها بایسته‌هایی را مطرح نمود؛ اما در این مقاله تلاش شده است بایسته‌های هویتی تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

در مقاله «گام‌های مؤثر امیرکبیر در تأمین منافع ملی ایران» نیز آمده است که امیرکبیر با ویژگی‌هایی همچون ضداستعماری بودن، قانون‌گرایی، تلاش در عرصه علم و دانش با حفظ هویت ملی جزء مهم‌ترین رجال ملی ایران بود که در عصر قاجار و در تعطیلی منافع ملی که در نتیجه انحراف نهاد سلطنت از وظایف حاکمیتی حاصل شده بود، توانست پایه‌های تجدد بومی را مبتنی بر هویت ایرانی - اسلامی و با تأکید بر استقلال کشور از قدرت‌های سلطه‌جویی زمان پایه‌ریزی کند. هر چند اندیشه‌ها و طرح‌های امیرکبیر در زمینه مشروطه‌خواهی با شهادت وی نیمه‌کاره ماند؛ اما این تأملات در دوره‌های بعدی اثر خود را بر محدود کردن قدرت شاه به‌جا گذاشت و بسیاری از این آمال در انقلاب مشروطه به تحقق پیوست. خط‌مشی مهم وی در زمینه سیاست خارجی که عبارت بود از موازنه منفی یعنی امتیاز ندادن به هیچ یک از قدرت‌های زمان نیز در تحولات فکری بعدی به‌ویژه نهضت ملی شدن صنعت نفت تأثیر گذار بود. تأسیس دارالفنون به‌عنوان نخستین دانشگاه جدید در ایران، ریشه بسیاری از تحولات علمی بعدی شد و موجب پرورش نسل جدیدی از نخبگان گردید.

مقاله بعدی به موضوع «جایگاه زبان فارسی در وب جهانی» اختصاص یافته است. ماندگاری و پویایی یک زبان را استفاده‌ی آن از راهبردهای به‌روز، تنومندی فرهنگی که آن زبان را حمل می‌کند و حتی قدرت سیاسی که پشت آن قرار دارد مشخص می‌کند. در جهان امروز که رقابتی ناگفته میان فرهنگ‌ها و زبان‌ها برای به دست آوردن نفوذ بیشینه و توان و قدرت نرم در جریان است، هر زبانی برای پابندگی خود نیازمند سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی کارآمد است. در این نوشتار، افزون بر کاوش در سیاست‌های زبانی برخی کشورهای قدرتمند به‌ویژه در رقابت درون وب، به جایگاه زبان فارسی در وب جهانی و شرایط پیش روی آن پرداخته شده است.

«ایثار اجتماعی؛ به‌مثابه مبانی تولید انرژی عاطفی، سرمایه اجتماعی و انسجام جمعی»، عنوان مقاله بعدی این شماره است. فرهنگ ایثار اجتماعی و از خودگذشتگی یکی از ارزش‌هایی است

که در تمام جوامع دارای جایگاه ویژه و مرتبه خاص و به‌عنوان یک فرهنگ رشد یافته و مترقی، جزء برترین مفاهیم و والاترین ارزش‌هایی است که یک فرد متعهد و پایبند به ملاک‌های انسانی و اخلاقی می‌تواند به آن مقام دست یابد. ایثارگر اجتماعی منافع جمعی را بر منافع شخصی برتری می‌دهد و نسبت به مشکل هم‌نوع احساس مسئولیت می‌کند. بنابراین، در این مقاله تلاش شده ضمن بررسی و تحلیل مقوله‌ی ایثار اجتماعی از دریچه‌های مختلف مفهومی و نظری، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ایثار اجتماعی استخراج شده و کارکرد و تأثیر آن در تولید سرمایه اجتماعی و انسجام جمعی تبیین شود. سؤال مقاله نیز این است که چه نسبت و رابطه‌ای میان ایثار اجتماعی، تقویت روابط عاطفی، سرمایه اجتماعی و انسجام ملی وجود دارد؟

در مقاله «تأثیر تحولات منطقه‌ای بر سیاست‌های کردی ترکیه» نیز آمده است که مسئله کردها در کردستان سوریه توجه و دخالت بازیگران مختلف بین‌المللی را به خود جلب کرده است. این منطقه که پس از آغاز بحران داخلی سوریه در ۲۰۱۱ گام به گام به سمت خودمدیریتی رفت، بیشتر توسط حزب دموکرات سوریه که از نظر ایدئولوژیک به پ.ک.ک. نزدیک است اداره می‌شود. اداره خودمدیریتی این گروه، با توجه به موج‌های پیاپی حمله دولت ترکیه، به شدت دچار ضعف شده و در حال از دست دادن هم‌پیمانان خود در سطح جهانی، منطقه‌ای و حتی محلی است. کردهای سوریه اکنون هم‌پیمانی در منطقه ندارند. همه این عوامل نشان می‌دهد کردها در شمال سوریه به‌طور کلی و حزب دموکراتیک سوریه و گروه‌های شبه‌نظامی نزدیک به آن دچار ضعف شده‌اند و احتمالاً به دشواری بتوانند بقای خود را در برابر موج گسترده حملات مستمر ترکیه حفظ کنند.

آخرین مقاله شماره دی‌ماه نیز به موضوع «وضعیت حاکمیت هوش مصنوعی در سطح جهانی» اختصاص یافته است. در این مقاله، نقش حاکمیت در حوزه هوش مصنوعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بر اهمیت حاکمیت مؤثر در برطرف کردن نگرانی‌های اخلاقی مرتبط با هوش مصنوعی پرداخته می‌شود. در این متن، نمونه‌های قابل توجهی از فعالیت‌های حاکمیتی در حوزه هوش مصنوعی در بخش خصوصی، بخش عمومی، سازمان‌های تحقیقاتی و سازمان‌های چندملیتی مانند سازمان ملل مطرح شده است. به برخی چهارچوب‌ها اشاره می‌شود که ممکن است به‌عنوان راهنمایی برای توسعه مفید فناوری‌های هوش مصنوعی و کاهش مخاطرات مرتبط با آن‌ها مورد استفاده قرار گیرند. حکمرانی مؤثر می‌تواند به حل مشکلات ایجادشده توسط هوش مصنوعی کمک کند. این مقاله در راستای ارائه یک مرور از وضعیت حکمرانی هوش مصنوعی به‌صورت جهانی، با تمرکز بر آنچه در حال حاضر توسط نهادهای مختلف انجام می‌شود، به بررسی قوانین و مسیرهای پیش رو می‌پردازد.



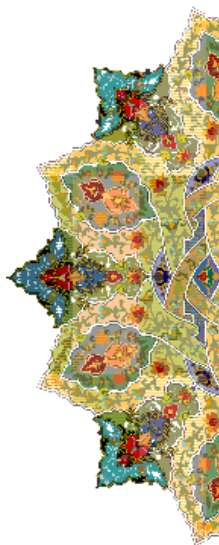
# الگوی سوم؛ نگاهی به هویت زنانه در اندیشه رهبر معظم انقلاب

■ گروه مطالعات ایران

## ● درآمد

با آغاز انقلاب صنعتی در غرب و مسئله نحوه ورود زنان به عرصه اقتصادی و اجتماعی برای افزایش منافع نظام سرمایه‌داری، پرداختن به مسئله زنان در دستور کار جریان‌ها و رویکردهای فکری و نظری قرار گرفت. در این بین، رویکرد لیبرالیستی به زن، دیگر هویتی خود را رویکرد سنتی تعریف کرده و با هجمه به آن به نوعی خود را بازنمایی کرده است. از منظر رویکرد لیبرالیستی (مدرن)، رویکرد اسلامی نیز در قالب رویکرد سنتی قابل جایابی بود؛ بنابراین، در فضای گفتگویی، دو رویکرد کلی، مدرن و سنتی با یکدیگر در حال رقابت بودند. این در حالی است که خوانش از رویکرد اسلامی با آنچه در واقعیت دین اسلام مطرح بود همخوانی نداشت و نظریه پردازان رویکرد مدرن با هوشمندی تمام، با قرار دادن رویکرد اسلامی در کنار رویکرد سنتی، مجال بروز رویکرد اسلامی را ندادند. هر چند برخی خوانش‌های سنتی و ناقص از اسلام در شکل‌گیری از دسته‌بندی نیز مؤثر بودند. با وجود این، همان‌طور که انقلاب اسلامی در عرصه سیاست بین‌الملل، سیاست نه شرقی - نه غربی را به‌عنوان مبنا پذیرفته است، در عرصه اجتماعی و فرهنگی نیز تلاش کرده است الگوی متمایز از الگوهای شرقی و غربی را ارائه نماید. در همین راستا، در حوزه زنان، ضمن نقد ورد الگوهای شرقی و غربی، نسبت به ارائه الگوی سوم اقدام نموده است، به نحوی که الگوی سوم را می‌توان «زن نه شرقی، نه غربی» (پیام رهبر انقلاب به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶) معرفی نمود. شایان ذکر است که این رویکرد خوانش جدید از اسلام نیست، بلکه احیای خوانشی است که به دلایل مختلف، اعم از هجمه مخالفان و ضعف موافقان در تبیین، به حاشیه رفته است. به‌طور نمونه می‌توان به نقش زنان در میدان جنگ در صدر اسلام اشاره نمود که «زن در میدان جنگ، علاوه بر بستن زخم مجروحان - که این کار بیشتر بر عهده زنان بود - حتی گاهی با نقاب، در میدان جنگ

و رزم‌های دشوار آن روز، شمشیر هم می‌زد! در عین حال، در داخل خانه، فرزندان خود را هم در آغوش می‌گرفت، تربیت اسلامی هم می‌کرد، حجاب خود را هم حفظ می‌کرد» (بیانات رهبر انقلاب در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). هر چند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله زنان حول حقوق و حجاب در فضای سیاسی و اجتماعی مطرح شد؛ اما این مسئله تا چند سال اخیر، امری حاد و محل چالش نبود. افزایش چالش‌ها پیرامون مسئله حجاب به‌ویژه بروز حوادث و آشوب‌های سال ۱۴۰۱ نشان داد این مقوله ظرفیت ایجاد چالش سیاسی و اجتماعی را دارد. همان‌طور که اشاره شد، این چالش از یکسو محصول برنامه‌ریزی هدفمند جریان معارض برای تبدیل نمودن حجاب و مسئله زنان به‌عنوان ابزاری جهت تعارض با جمهوری اسلامی ایران بوده و از سوی دیگر، نتیجه سیاست‌های نادقیق در حوزه فرهنگی به‌ویژه حجاب و عدم تبیین مناسب از نگاه دینی در حوزه زنان است؛ در حالی که با توجه به رویکرد همه‌جانبه و مترقی اسلام به حوزه زنان، هویت زنانه نه تنها چالش و تهدیدی برای جامعه تلقی نمی‌گردد، بلکه فرصتی برای ساخت اجتماعی مستحکم است. رهبر معظم انقلاب نیز با طرح الگوی سوم برای زن ایرانی مسلمان، نگاه اسلامی به هویت زنانه ارائه نموده‌اند. برای فهم چستی، اجزا و عناصر الگوی سوم ابتدا لازم است الگوهای شرقی و غربی به‌عنوان دیگر هویتی الگوی سوم نقد گردد؛ در واقع الگوی سوم با این نگاه که «طرح‌های کهنه و نو ضد زن به نتیجه نخواهد رسید» شکل گرفته و معتقد است هر دو الگوی موجود در حوزه زنان، ضد زن است و ستم‌های مختلفی را به زنان تحمیل می‌کند (پیام رهبر انقلاب به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶)؛ بنابراین، در این مقاله تلاش شده است ضمن نقد الگوی غربی و شرقی، چستی، اجزا و عناصر الگوی زن از منظر رهبر معظم انقلاب مورد بررسی قرار دهد. در ادامه نیز الزامات تحقق این الگو مورد توجه قرار گرفته است.





### ● نقد الگوی زن غربی

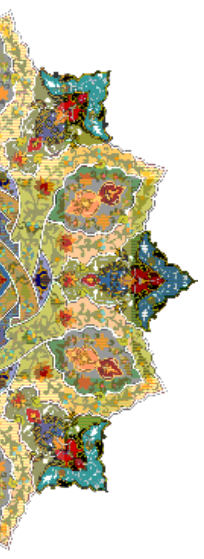
مهم‌ترین نقد به الگوی غرب برای زنان، افراط و تفریط در شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن است. برای فهم این افراط و تفریط و عدم تعادل در مواجهه با مسئله زن باید به گذشته بازگشت. مروری به وضعیت زنان در قرون گذشته گویای این است که «در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه‌ی دوم بوده است!». این رویکرد را می‌توان در ادبیات غرب، در بازه‌های زمانی به‌خوبی ملاحظه نمود؛ مثلاً «شما به نمایشنامه‌های معروف شکسپیر انگلیسی نگاه کنید، ببینید با چه نفسی و با چه زبانی و با چه دیدی در این

در دیدگاه اسلام، زن و مرد از نظر بعد انسانی تفاوتی ندارند و از لحاظ ارزش‌های انسانی برابرند.

نمایشنامه‌ها و سایر ادبیات غربی به زن نگاه می‌شود! مرد در ادبیات غربی، سرور و ارباب زن و اختیاردار اوست». «بعضی از نمونه‌های این فرهنگ و آثار آن امروز هم باقی است. امروز هم وقتی زنی با مردی ازدواج می‌کند و به خانه‌ی شوهر می‌رود، حتی نام خانوادگی او عوض می‌شود و نام خانوادگی مرد را بر خود می‌گذارد. زن تا وقتی نام خانوادگی خود را دارد که شوهر نکرده است؛ وقتی شوهر کرد، نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد تبدیل می‌شود». این مسئله در حوزه مالکیت اموال نیز وجود داشته است؛ به نحوی که «در فرهنگ اروپایی، وقتی زن با همه موجودی و املاک خود ازدواج می‌کرد و به خانه شوهر می‌رفت، نه فقط جسم او در اختیار شوهر قرار می‌گرفت، بلکه تمام اموال و املاک و دارایی‌های او هم که از پدر و خانواده‌اش به او رسیده بود، متعلق به شوهر می‌شد!». حتی «در فرهنگ غربی، زن وقتی به خانه شوهر می‌رفت، شوهر در واقع اختیار جان او را هم داشت! لذا شما در داستان‌های غربی و در اشعار اروپایی بسیار می‌بینید که شوهر به خاطر یک اختلاف اخلاقی، همسر خود را می‌کشد و کسی هم او را ملامت نمی‌کند! دختر در خانه‌ی پدر هم حق هیچ‌گونه گزینشی را نداشت» (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۷/۳۰).

این نگاه افراطی نسبت به جایگاه و حقوق زن در جامعه تا اواخر قرن نوزدهم و آغاز جنبش‌های موسوم به آزادی زنان ادامه داشت. البته دلیل آن هم نیاز جامعه تازه صنعتی‌شده اروپا به کارگر ارزان بود. اعطای حق مالکیت به زنان در همین راستا بود. بر همین مبناست که ویل دورانت در کتاب لذات فلسفه بیان می‌دارد: «زن اروپایی برای آزادی و حق مالکیت خود از

ماشین باید تشکر کند نه از آدم، و در مقابل چرخ‌های عظیم ماشین باید سر تعظیم فرود آورد نه در مقابل مردان اروپایی. آزمندی و حرص صاحبان کارخانه بود که برای اینکه سود بیشتری ببرند و مزد کمتری بدهند قانون استقلال اقتصادی را در مجلس انگلستان گذراند»؛ در واقع، «در اوایل قرن بیستم بود که اروپاییان حق مالکیت را به زن دادند» (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۷/۳۰). این رویکرد افراطی به زن که عملاً انسانیت زن را نادیده می‌گرفت با تفریط مواجه گردید و هویت زنانه زن را مورد بی‌مهری قرار داد. در رویکرد جدید غرب به زن، با شعار برابری جنسیتی، «حق کرامت الهی زن» به‌عنوان بالاترین حقوق زن مورد غفلت قرار گرفت. البته این موضوع در حوزه اجتماعی به برابری نسبی زن و مرد در حوزه‌های مختلف منجر گردید؛ اما در عمل، به دلیل عدم توجه به تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد، مشکلات عدیده‌ای را برای زنان به همراه آورد. یکی از مشکلات این بود که با وجود برابری جنسیتی، «نگاه به زن در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد» (پیام رهبر انقلاب به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶). بر این اساس، نگاه ابزاری و کالایی به زن به نگاه رایج و غالب در غرب تبدیل شد. این رویکرد به زن در جامعه غربی باعث شده است «حرمت زن در منطق غربی و روش غربی و سبک زندگی غربی در هم شکسته... حتی زنانی که به رتبه‌های بالای اداری و اجتماعی و سیاسی می‌رسند، از آسیب منطق غربی در مورد زن در امان نیستند و بر کنار نمی‌مانند» (بیانات رهبر انقلاب در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵). رواج فساد و بی‌بندوباری در غرب در قالب آزادی زنان در حدی است که عملاً منجر به متلاشی شدن بنیان خانواده شده و متفکران، دلسوزان، مصلحان غربی را دچار وحشت کرده است. شایان ذکر است این ظلم محدود به محیط اجتماعی نیست و «بیشترین ستم و تعرض و تعدی نسبت به زنان و همسران و خواهران و یا حتی دخترانشان - طبق آمارهایی که در دنیا هست - از سوی مردانی است که در نظام‌های غربی زندگی می‌کنند» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). در مجموع، «همه این‌ها بلایی است که با کارهای غلط، با حرکت افراطی از آن طرف که در مقابل افراط‌های قبلی انجام گرفت، بر جامعه‌ی بشری نازل شد و بیشتر از همه بر سر زن غربی آمد» (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۷/۳۰). با وجود این، غرب





دیگری را طی نموده‌اند

و در متن تاریخ نقش آفرینی کرده‌اند: «زینب کبری یک نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته می‌شود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد» (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۲/۱). ایشان با وجود مصیبت‌های وارد شده در روز عاشورا و پس از آن، آن‌قدر با استحکام و قدرت در مجلس ابن‌زیاد و یزید سخنرانی می‌نماید که اعجاب‌برانگیز است؛ بنابراین، می‌توان گفت: «او زن تاریخ است؛ این زن دیگر ضعیفه نیست. نمی‌شود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه‌ی مؤمن، این جور خودش را در شرایط دشوار نشان می‌دهد» (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۲/۱).

#### ● چستی، اجزا و عناصر الگوی سوم

برای شناخت الگوی سوم زن لازم است هویت زنانه از سه زاویه مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ بعد انسانی، بعد اجتماعی و بعد خانوادگی. در دیدگاه اسلام، زن و مرد از نظر بعد انسانی تفاوتی ندارند و از لحاظ ارزش‌های انسانی برابرند (بیانات در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵)؛ بنابراین، در عرصه تکامل و رشد معنوی هیچ تفاوتی وجود ندارد، «یعنی مرد می‌تواند به عالی‌ترین مقامات از لحاظ معنوی برسد؛ زن هم می‌تواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد می‌تواند

در بعد خانوادگی، با وجود اینکه خانواده متشکل از زن

و مرد است؛ اما زن اصلی‌ترین عضو آن به شمار می‌رود.

به حد علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام برسد و زن می‌تواند به حد فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها برسد» (بیانات در اجتماع خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). این جایگاه انسانی و معنوی در حدی است که قرآن کریم از زنانی برجسته و بزرگ یاد می‌کند که نه تنها الگوی زنان، بلکه الگوی اهل ایمان اعم از زن و مرد هستند:

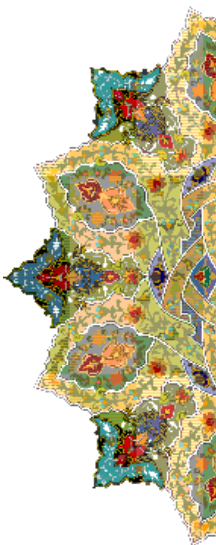
به‌طور وقیحانه «با این همه ضربه‌ای که به زن و به حیثیت زن و به کرامت زن وارد آورده‌اند، خودشان را پرچم‌دار حقوق زن وانمود می‌کنند!» (بیانات در دیدار اقدار مختلف بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴) و این الگو را در جهان با زور وارد ذهن‌ها و سبک زندگی جوامع نموده و جلوه‌گری زن را به ارزش تبدیل می‌کنند (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه

در نگاه دینی، تا جایی که توان جسمی و روحی و نیازها و ضرورت‌های زنان اجازه می‌دهد، منعی برای فعالیت‌های اجتماعی زنان وجود ندارد.

کشور، ۱۳۸۹/۲/۱). بر این اساس، «غربی‌ها درباره‌ی جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آن‌ها به زن خیانت کردند... فرهنگ غربی در مورد زنان باید در موضع مدافع قرار گیرد؛ باید از خودش دفاع کند؛ باید توضیح بدهد؛ اما غلبه و سلطه‌ی سرمایه‌داری و رسانه‌های مستکبر جبار غربی قضیه را به عکس می‌کنند؛ آن‌ها می‌شوند طلبکار؛ آن‌ها می‌شوند مدافع حقوق زن به قول خودشان و به اصطلاح خودشان! در حالی که چنین چیزی نیست» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۶/۳۰).

#### ● نقد الگوی زن شرقی

با توجه به اینکه الگوی زن شرقی (سنتی) جایگاه جدی در جامعه ایرانی ندارد و عملاً رقیب جدی برای الگوی زن ایرانی محسوب نمی‌شود، رهبر انقلاب نقد کمتری به این الگو دارند. مهم‌ترین نقد رهبر انقلاب به الگوی زن شرقی، در حاشیه بودن و بی‌نقشی آن در تاریخ‌سازی است (پیام رهبر انقلاب به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶). این در حاشیه بودن خود به ظلم و ستم به زنان منجر شده است؛ زیرا استعداد و توانایی آن‌ها نادیده انگاشته شده است. به‌طور نمونه می‌توان به روایت امیرالمؤمنین اشاره نمود که بیان داشته‌اند: «إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُطُوطِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ». رهبر انقلاب در تفسیر این روایت معتقدند این مسئله مربوط «به طبیعت زن نیست، بلکه به زنی است که تحت تأثیر فرهنگ ستم‌آلود تمام طول تاریخ که نسبت به زنان این فرهنگ، همیشه توأم با ظلم و ستم بوده، ناقص بار آمده. در زمان امیرالمؤمنین زن در همه جوامع بشری، نه فقط در میان عرب‌ها، مظلوم بود. نه می‌گذاشتند درس بخواند، نه می‌گذاشتند در اجتماع وارد بشود و در مسائل سیاسی تبحر پیدا کند» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ در مسجد ابودر تهران، ۱۳۶۰/۴/۶). این در حالی است که زنانی در طول تاریخ بوده‌اند که مسیر





«در قرآن به عنوان نمونه ایمان دو زن را مثال می‌زند: «و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأت فرعون» و «مریم بنت عمران»؛ یکی زن فرعون است، دومی هم حضرت مریم است» (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۲/۱). در واقع، «این بتِ مردگرایی را که در جاهلیت‌ها همیشه به وسیله مردان و حتی به وسیله زنان پرستیده می‌شد، اسلام در این آیات می‌شکند» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۶/۳۰)؛ پس از نظر اسلام، زن جنس دوم نیست.

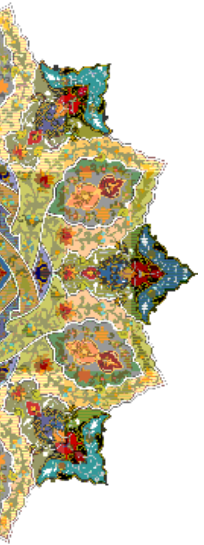
در بعد اجتماعی نیز نه تنها «میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان کاملاً باز است»، بلکه در «عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه‌ی میدان‌های زندگی در صحن جامعه»؛ در این موارد میان مرد و زن هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). البته برخی از مذهبی‌ها با استفاده برخی از تفاسیر از آیات، روایات و سیره معصومین، بر گوشه‌نشینی و عزلت‌گزینی زنان حکم می‌نمایند. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب به صراحت بیان می‌دارند: «اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است» (بیانات در جمع زنان شهر ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸). ریشه این نگاه اسلامی به نقش‌آفرینی اجتماعی زنان به برابری آن‌ها در مسئولیت و تکالیف اجتماعی بازمی‌گردد: «شاهد بر این معنا، همه‌ی آثار اسلامی است که در این زمینه‌ها وجود دارد و همه‌ی تکالیف اسلامی است که زن و مرد را به‌طور یکسان، از مسئولیت اجتماعی برخوردار می‌کند. اینکه می‌فرماید: من اصبح لا یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی و امور جهان اسلام و همه‌ی مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسئولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه‌ی اسلامی است» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). در واقع، در نگاه دینی، تا جایی که توان جسمی و روحی و نیازها و ضرورت‌های زنان اجازه می‌دهد، منعی برای فعالیت‌های اجتماعی زنان وجود ندارد. «البته چون از لحاظ جسمانی زن ظریف‌تر از مرد است، لذا ضرورت‌هایی دارد. تحمیل کار سنگین بر زن، ظلم به زن است. اسلام این را توصیه نمی‌کند؛ چنان‌که منع هم نمی‌کند.

البته از امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام نقل است که فرمود: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانه»، یعنی زن گل است، قهرمان نیست. «قهرمان» یعنی پیشکار و خدمتگزار آبرومند. خطاب به مردان می‌گوید که زنان در خانه‌های شما مثل گلی لطیف‌اند که باید نسبت به آن‌ها با کمال ظرافت و دقت رفتار کرد. زن، پیشکار شما و خدمتگزار شما نیست که خیال می‌کنید کارهای سنگین را باید به او محول کرد» (بیانات در جمع زنان شهر ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸). شایان ذکر است که این نوع ضرورت هم برای مردان وجود دارد؛ به نحوی که «بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آن‌ها تطبیق نمی‌کند»؛ بنابراین، ضرورت‌های گفته‌شده بر مبنای تقسیم کار بر حسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای کار است. از سوی دیگر، «اینکه او را مجبور کنند و بگویند باید حتماً شغلی بپذیری، روزی فلان قدر کار کنی تا با درآمد آن بتوانی در تأمین هزینه‌ی خانوار، سهمی به عهده بگیری، نه. این را هم

**الگوی سوم و نقشه‌ی جامع هویت زن در منطق اسلام این است؛ مادر خوب، همسر خوب، مجاهد فی سبیل الله، درعین حال کدبانو، مدیر خانه، و درعین حال، عابد و بنده‌ی خدای متعال.**

اسلام از زن نخواست است» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). البته اسلام برای فعالیت در عرصه اجتماعی حدودی را تعیین کرده است که به اصل فعالیت بازمی‌گردد، بلکه به نحوه فعالیت و قواعد حاکم بر آن مترتب است. «اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه‌جا - در خیابان، در اداره، در تجارتخانه - داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان، حجاب و مرزی معین شده است. اختلاط و امتزاج زن و مرد، مثل اختلاط و امتزاج مردان با هم و زنان با هم نیست. این را باید رعایت کنند. هم مرد باید رعایت کند و هم زن باید رعایت کند». وضع حجاب در عرصه اجتماعی نیز بر همین مبنا بوده است. حجاب زنان از یکسو و کنترل نگاه مردان از سوی دیگر، زمینه اختلاط را به حداقل می‌رساند؛ بنابراین، می‌توان گفت: «برای اینکه محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است» (بیانات در جمع زنان شهر ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸).

در بعد خانوادگی، با وجود اینکه خانواده متشکل از زن و مرد است؛ اما زن اصلی‌ترین عضو آن به شمار می‌رود: «زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید؛





مادر خوب و همسر خوبی

باشد، یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های

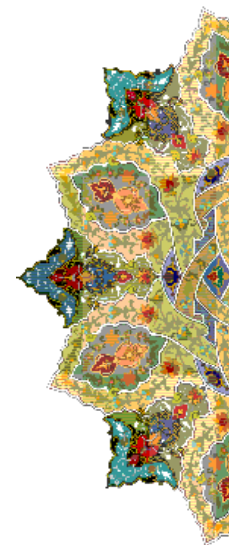
اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این طوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند» (بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۵/۵).

بر این اساس، می‌توان گفت چون زن منبع عواطف و احساسات است و این امر برای وی کمال محسوب می‌گردد، «شغل اول زن تربیت فرزند است»، حتی «اگر رئیس‌جمهور هم بشود، اهمیتش به قدر اهمیت مادری نیست» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ در مسجد ابوذر تهران، ۱۳۶۰/۴/۶). نمونه تربیت فرزند میزان تعلق آن به هویت ملی است. رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «مادرها مایه‌ی انتقال عناصر هویت ملی‌اند؛ هویت ملی یک چیز مهمی است؛ یعنی هویت یک ملت، شخصیت یک ملت در درجه‌ی اول به وسیله‌ی مادرها منتقل می‌شوند؛ زبان، عادات، آداب، سنت‌ها، اخلاق‌های خوب، عادت‌های خوب، این‌ها همه در درجه‌ی اول به وسیله‌ی مادر منتقل می‌شود. پدر هم مؤثر است؛ اما خیلی کمتر از مادر؛ مادر بیشترین تأثیر را دارد» (بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴). با توجه به اهمیت و جایگاه خانواده، در صورت بی‌توجهی به نقش زن در خانواده، «پایه‌های تربیت مردم می‌لنگد و فضای اخلاقی و معنوی جامعه هم دچار مشکل می‌شود» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۳/۲۵). با این نگاه، رهبر معظم انقلاب استنکاف از فرزندآوری به بهانه فعالیت خارج از خانواده را برخلاف طبیعت بشری و زنانه و مشکلات و فلاکت‌های جوامع غربی را ناشی از بی‌توجهی به نقش مادری می‌دانند (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). بر این اساس، رهبر انقلاب خانه‌داری را فطری‌ترین و مطلوب‌ترین کار برای زنان می‌داند: «اینکه گفته می‌شود وجود زن برای کار در خانه لازم است، معنایش این نیست که در میدان‌های علمی و عملی و فعالیت‌ها، توانایی ندارد. ... هرچند البته، طبیعی‌ترین و فطری‌ترین و مطلوب‌ترین کار برای زنان، کار در خانه است؛ یعنی مسئله‌ی اداره کردن همسر و فرزندان طبیعی‌ترین کار است» (بیانات در دیدار جمعی از خواهران متخصص رشته‌ی پزشکی و مامایی، ۱۳۷۲/۹/۸). البته مجدد باید تأکید کرد که «خانم‌ها اگر گفته می‌شود که مسئولیت‌های خانوادگی دارند، یعنی مسئولیت امور داخلی خانه، به این معنا نیست که مسئولیت اجتماعی از دوش این‌ها برداشته شده است. بایستی این مسئولیت را هم حفظ کنند و هر مقداری که باوجود حفظ این مسئولیت توانایی دارند، آن توانایی را

که خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است» (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۹/۲۵)؛ در واقع، «بدون مرد ممکن است خانواده‌ای باشد؛ یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، یا از دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و باتدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)؛ از سوی دیگر، رهبر انقلاب حضور زن در محیط خانواده را به فضای تنفس تشبیه می‌نمایند که بدون آن زیست ممکن نیست: «من با توجه به مجموعه‌ی معارفی که در آیات و روایات و مانند این‌ها هست، در ذهن خودم این جور تصویر می‌کنم که زن، هوایی است که فضای خانواده را انباشته؛ یعنی همچنان که شما در فضا تنفس می‌کنید، اگر هوا نباشد، تنفس ممکن نیست،

### زن ایرانی در همه‌ی میدان‌ها با موفقیت و سربلندی و با حجاب اسلامی ظاهر شده است.

زن این جور است؛ زن خانواده به منزله‌ی تنفس در این فضا است» (بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴)؛ بنابراین، می‌توان گفت نقش زن در تشکیل و اداره خانواده به‌ویژه تربیت فرزندان بی‌بدیل و غیرقابل جایگزینی است. مسئله مهمی که در اینجا قابل طرح است، نسبت و رابطه بعد اجتماعی و بعد خانوادگی زن است؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان به قاعده اولویت مبتنی بر کار کرد تکیه نمود. بر اساس قاعده اولویت مبتنی بر کار کرد، با رویکرد کار کردی لازم است اموری که فقط از عهده زنان برمی‌آید، در صورت تزامم با سایر ابعاد و فعالیت‌ها از سوی آن‌ها در اولویت قرار گیرد. بر این اساس، با وجود عدم ممنوعیت فعالیت اجتماعی زنان، نباید این نوع فعالیت‌ها منجر به تحت‌الشعاع قرار گرفتن فعالیت درون خانواده گردد. رهبر معظم انقلاب در این زمینه تأکید دارند: «...اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می‌کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه می‌کند، به‌هیچ‌وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده‌ای بد و یا کج فهمیدن؛ یک عده‌ی مغرض هم از این کج‌فهمی استفاده کردند؛ کانه یا باید زن،







به مسئولیت‌های اجتماعی و

سیاسی هم ضرب کنند» (۱۳۶۳/۱۲/۴).

در مجموع، «الگوی سوم و نقشه‌ی جامع هویت زن در منطق اسلام این است؛ مادر خوب، همسر خوب، مجاهد فی سبیل‌الله، درعین حال کدبانو، مدیر خانه، و درعین حال، عابد و بنده‌ی خدای متعال» (بیانات در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵) و «موجودی که دارای ایمان است، دارای عفاف است، متصدی مهم‌ترین بخش تربیت انسان است، اثرگذار در اجتماع است، دارای رشد علمی و معنوی است، مدیر کانون بسیار مهم خانواده است، مایه‌ی آرامش جنس مرد است» (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷). این الگو به سایر الگوها به‌ویژه الگوی غربی ضربه جدی وارد ساخته است: «غیر از مجموع حرکت جمهوری اسلامی، به‌خصوص زن ایرانی یکی از مهم‌ترین ضربه‌ها را به داعیه‌های غربی و دروغ‌های غربی وارد کرده. چطور؟ این‌ها سال‌ها است - دو‌یست سال است - که می‌گویند زن اگر چنانچه از قیود اخلاقی و شرعی و مانند این چیزها رها نشود نمی‌تواند پیشرفت کند، نمی‌تواند به مقامات عالی علمی و سیاسی و اجتماعی و غیره برسد؛ این جوری دارند می‌گویند. شرط رسیدن زن به رتبه‌های بالای اجتماعی و سیاسی و غیره این است که این قیود اخلاقی را رها کند. زن ایرانی این را در عمل تکذیب کرده؛ زن ایرانی در همه‌ی میدان‌ها با موفقیت و سربلندی و با حجاب اسلامی ظاهر شده است» (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۴۰۱/۵/۵).

### ● الزامات تحقق الگوی سوم

رهر انقلاب علاوه بر تبیین چیستی الگوی سوم، الزامات و بایسته‌های تحقق الگوی سوم را نیز مطرح نموده‌اند.

۱- رعایت حقوق زن در محیط خانواده و حمایت قانونی از آن  
از نظر ایشان، برای تحقق الگوی سوم باید از خانواده شروع نمود و حقوق زن را در محیط خانواده رعایت کرد. «زن و مرد، ناگزیر اجتماع کوچکی به نام خانواده دارند که اگر در جامعه‌ای ارزش‌گذاری درست صورت نگیرد، اولین نقطه‌ای که به زن ستم می‌شود، داخل خانواده است» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۶/۳۰). برای رعایت حقوق زنان در محیط خانه «هم خود بانوان کشور باید نسبت به موضوع زن از نظر اسلام، دارای آگاهی کافی و لازم باشند، تا بتوانند با اتکا به نظر والای دین مقدس اسلام، از حقوق خود به‌طور کامل دفاع کنند و هم همه‌ی افراد جامعه و مردان در کشور

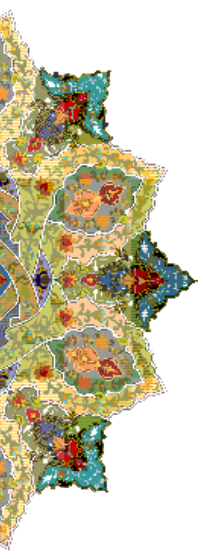
اسلامی باید بدانند که نظر اسلام در مورد زن، حضور زن در عرصه‌های زندگی، فعالیت زنان، تحصیل زنان، کار و تلاش اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و علمی زنان، نقش زن در خانواده و نقش زن در بیرون از خانواده چیست» (بیانات

هدف از حضور و نقش‌آفرینی زنان در سطح جامعه، علاوه بر رشد استعداد آن‌ها، اثرگذاری و بهره‌مندی جامعه از توانمندی آن‌هاست. حال اگر این حضور بدون رعایت چهارچوب‌های شرعی و دینی باشد، این هدف نه تنها محقق نمی‌گردد، بلکه زمینه ظلم به زنان همانند جوامع غربی فراهم می‌گردد.

در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). بررسی وضعیت زنان در جامعه نشان می‌دهد نقش زنان در شناخت حقوق انسانی و الهی خود بسیار مهم است؛ به‌ویژه اینکه در اکثر موارد زنان زمینه‌ساز ظلم و ستم بر خود می‌شوند. به‌طور مثال، ترویج «تجمل و مصرف‌گرایی و آرایش‌های بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف» ستم بزرگی است که به‌واسطه دور ساختن زنان از مسیر آرمان‌ها و اهداف تکاملی آن‌ها روا داشته می‌شود. البته این بدان معنا نیست که نباید در محیط خانه و بیرون از آن از زنان حمایت قانونی صورت نگیرد. «اگر قانون از زن دفاع نکند، ممکن است مرد نسبت به او تعرض کند. لذا، قانون، در حمایت از بانوانی که خانواده تشکیل داده‌اند و درون محیط خانوادگی خودشان هستند، وظایف بسیار سنگینی دارد. مطلبی که ما در کشورمان باید با جدیت دنبال کنیم، حمایت اخلاقی و قانونی از زن است؛ تا مرد در محیط خانواده نتواند زورگویی کند. گرچه پس از انقلاب، اصلاحات زیادی در قوانین ازدواج و حمایت از خانواده شده است؛ اما کافی به نظر نمی‌رسد؛ لذا، توصیه‌ی ما به همه‌ی دست‌اندرکاران - چه آن‌هایی که در مجلس‌اند، چه آن‌هایی که در دستگاه دولتی هستند و چه آن‌هایی که بر منابر خطابه و وعظ هستند - و به خود زنان، این است که چنین مطلبی را مجدانه دنبال کنند» (بیانات در جمع زنان شهر ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸)؛ همه این حمایت‌ها قاعدتاً در قالب رعایت مصالح خانواده صورت می‌پذیرد.

### ۲- توجه هم‌زمان به انسانیت و جنسیت زن

یکی از اشکالات اساسی رویکردهای شرقی و غربی به زن، نادیده‌انگاری بخشی از هویت زن است. در یک رویکرد انسانیت نادیده گرفته می‌شود و در رویکرد دیگر، جنسیت زن و نتایج مترتب بر آن مورد غفلت است. آنچه در الگوی





را، عواطف جوشان را،

آن مهر و محبت را، آن رقت را، آن صفای

و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ می کند، درعین حال، هم باید در میدان ارزش های معنوی مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادی های عرفان پیشروی کند، هم در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده خود، شناخت هدف های ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت های اسلامی، شناخت توطئه های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روش های دشمن باید روزبه روز پیشرفت کند و هم در زمینه ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۶/۳۰).

**۵- رعایت چهارچوب های شرعی و دینی در فعالیت اجتماعی**  
هدف از حضور و نقش آفرینی زنان در سطح جامعه، علاوه بر رشد استعداد آن ها، اثر گذاری و بهره مندی جامعه از توانمندی آن ها است. حال اگر این حضور بدون رعایت چهارچوب های شرعی و دینی باشد، این هدف نه تنها محقق نمی گردد، بلکه زمینه ظلم به زنان همانند جوامع غربی فراهم می گردد (بیانات در اجتماع باشکوه مردم گنبد کاووس، ۱۳۷۴/۷/۲۷). همچنین، فعالیت نباید در چهارچوبی باشد که «با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند» (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۹/۲۵).

#### ● برآیند

هویت زنانه دارای وجوه مختلفی است که برای ارائه الگو پیرامون آن، لازم است این وجوه مورد توجه قرار گیرد. در الگوی ارائه شده باید وضعیت مطلوب زن به مثابه یک انسان، زن به مثابه یک کنشگر اجتماعی و سیاسی مؤثر و زن به مثابه مادر و محور خانواده ترسیم گردد. در صورت پیاده سازی این الگوی زن در جامعه، علاوه بر اینکه جایگاه انسانی زن ارتقا می یابد و شاهد تربیت زنان با عظمت در تاریخ خواهیم بود، جامعه نیز با تقویت بنیان خانواده روند اصلاحی در پیش می گیرد؛ در واقع، زن از حاشیه تاریخ به مرکز و متن جامعه می آید و خانواده و جامعه را متحول می نماید.

سوم مورد تأکید است توجه هم زمان به این دو مقوله است و رعایت هر دو موضوع در سیاست گذاری مربوط به زنان و فرهنگ سازی در این زمینه است.

### ۳- عدم نگاه حقارت آمیز به خانه داری، ارزش گذاری ویژه

#### برای آن و فراهم ساختن شرایط تحقق آن

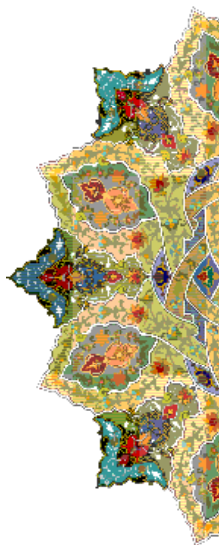
یکی از دلایلی که برخی از زنان با وجود علاقه شدید به فعالیت در منزل و خانه داری (به تعبیری خانواده داری)، به فعالیت پر حجم بیرونی روی می آورند، وجود نگاه تحقیر آمیز به خانه داری است. اگر حضور در سطح جامعه و مبادرت ورزیدن به فعالیت اجتماعی و اقتصادی نشئت گرفته از این احساس باشد، این اقدام نه تنها به شکوفایی استعداد زن و افزایش اثر گذاری وی کمک نمی کند، بلکه نوعی احساس نارضایتی و خستگی ایجاد خواهد کرد. پس باید نگاه به خانه داری را در سطح جامعه تغییر داد و آن را به یک ارزش تبدیل نمود. «حتماً بایستی بر روی کار زن های خانه دار ارزش گذاری ویژه شود». در این بین نقش مرد در محیط خانواده بسیار مهم است که با ارج نهادن به این مقوله، می تواند انگیزه زن از خانه داری را ارتقا ببخشد. در کنار این مسئله دولت (باید به آن خانم هایی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تمام وقت یا نیمه وقت را قبول کرده اند، کمک بشود تا بتوانند به مسئله ی مادری برسند، به مسئله ی خانه داری برسند. با مرخصی ها، با زمان باز نشستگی، با مدت کار روزانه،

**هویت زنانه دارای وجوه مختلفی است که برای ارائه الگو پیرامون آن، لازم است این وجوه مورد توجه قرار گیرد. در الگوی ارائه شده باید وضعیت مطلوب زن به مثابه یک انسان، زن به مثابه یک کنشگر اجتماعی و سیاسی مؤثر و زن به مثابه مادر و محور خانواده ترسیم گردد.**

به نحوی بایستی دولت کمک کند تا این خانمی که حالا به هر دلیلی آمده اینجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد» (بیانات در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)؛ به عبارت دیگر، به دلیل اهمیت خانه داری، زمینه نقش آفرینی زنان شاغل به عنوان همسر و مادر در محیط خانه از سوی دولت با روش های قانونی فراهم گردد.

### ۴- لزوم حفظ هویت زنانه در حوزه های مختلف

یکی از مشکلات پیش روی فعالیت اجتماعی زنان، نادیده انگاری هویت زنانه از سوی زنان است؛ در واقع، «هویت اسلامی این است که زن درعین اینکه هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ می کند - که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است - یعنی آن احساسات رقیق





# مکتب شهید سلیمانی؛

## مکتب خادمی برای سعادت مردم

■ دکتر رمضان شعبانی سارویی<sup>(۱)</sup>

### ● درآمد

ایثار، جهاد و شهادت، نقطه‌ی کانونی مکتب شهید سلیمانی است که از محورهای اساسی در فرهنگ اسلامی و عامل بقای اسلام و نظام اسلامی است. بر پایه این سه محور، اسلام استوار ایستاده و در قبال هر طوفانی ایستادگی کرده است.

فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت در دامن خود انسان‌هایی را پرورش داده که دارای خصوصیات و روحیات والا و متعالی هستند. داشتن همت بلند، برخورداری از روح بزرگ، عزت‌نفس و روحیه‌ی قوی، بزرگواری و بزرگ‌منشی، زهد‌گرایی و عدم دلبستگی به دنیا، خادمی برای سعادت مردم و... از مهم‌ترین خصوصیات انسان‌های تربیت‌یافته در فرهنگ ایثار و شهادت است.

نهاده‌ی شدن مکتب شهدا، مکتب مقاومت و ایثار، رشادت و فداکاری، دلدادگی و جان‌فشانی در راه آرمان‌های اسلام، انقلاب و نظام اسلامی باعث تحکیم ارزش‌ها و الگوهای اسلامی انقلابی در جامعه، عزت و سربلندی، رفاه و پیشرفت همه‌جانبه ایران اسلامی می‌شود. به زانو درآوردن و شکست دشمنان اسلام در عرصه نبردهای مختلف نیز از دیگر دستاوردهای مکتب شهیدان است.

در شرایط امروز جامعه، همواره برای اندیشمندان، متفکران و دل‌سوختگان جامعه، سؤالات، دغدغه‌ها و احساس خطرهایی از تهدید فرهنگ پربردار دفاع و جهاد، مکتب ایثار و شهادت به‌عنوان یکی از نقطه‌آماج‌های جنگ ترکیبی و جنگ شناختی و ادراکی دشمن مطرح است.

تأکید مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی به بهره‌گیری از گنجینه ایثار و فداکاری مجاهدان راه خداوند و الگوسازی و برجسته کردن زندگی و رفتار و سبک شهیدان همواره برای همه نسل‌های گوناگون درس آموز است: «ما این همه جوان خوب (شهید) داریم. این‌ها را یکی یکی دریاورند، بگذارند جلوی جوان نسل حاضر. غیرت او را، همت او را، صداقت او

را، سلامت او را، فداکاری‌های او را، بینش بالای او را، رفتار نیک او را با مردم، با هموعان، با پدر و مادر، با خانواده، با دوستان، بگذارند جلوی چشم جوان نسل امروز، خود این آموزنده است» (بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳/۰۲/۱۳۹۱).

یکی از تربیت‌شدگان انقلاب اسلامی که با اعتقاداتی راسخ، دلی خوش، بصیرتی نافذ، رفتاری حکیمانه و عملی مجاهدانه، خادمی مردم‌دار و درحقیقت، چهره‌ای که «شهید بود تا شهید شد»، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است. حاج قاسم دارای شخصیتی چندوجهی بود، او هم مرد میدان و هم راهگشای بن‌بست‌های دیپلماسی بود و درعین حال، ارتباط وثیق با مردم داشت. سردار نماد هویت اسلامی ایرانی است، او تنها شخصیت بزرگ نظامی ایران بود که در سطح یک مکتب درخشید. شهید سلیمانی الگوی انسان کامل برای میدین گوناگون زندگی است، مهم‌ترین ویژگی حاج قاسم این بود که همه مردم با هر فکر و گرایش دوستدار او بودند و مورد احترام همه بود؛ چون او خود را سرباز واقعی وطن می‌دانست. سلیمانی با درخشش در جبهه مقاومت، هویت اسلامی را در منطقه و جهان احیا کرد و هیمنه پوشالی جبهه استکبار و حامیان آن‌ها را شکست داد.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در خطبه نماز جمعه دی ۱۳۹۸ با گرامی‌داشت و تجلیل از سردار رشید جهان اسلام، حاج قاسم سلیمانی، ایشان را فراتر از یک «فرد» یاد کردند و سلیمانی را به‌مثابه‌ی «مکتب» نامیدند و فرمودند: «ما به حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی، شهید عزیز، به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم مکتب نگاه کنیم. یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس آموز، با این چشم نگاه کنیم» (۹۸/۱۰/۲۷، khamenei.ir). بنابراین، روش و سبک، روحیات و گرایش‌ها، تفکر و اندیشه، اقدام و رفتار شهید سلیمانی به‌مثابه یک مکتب، امروزه می‌تواند گره‌های کشور ما و جوامع اسلامی را در برون‌رفت



دادی که جانم فدای جان او باد» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

ثالثاً، چه منشی در تبعیت از آموزه‌های دینی داشت که او را وامی داشت که این قدر ملتمز به آن باشد؛ تاجایی که رهبر معظم انقلاب «مراقبت از حدود شرعی» را در همه شرایط، حتی در میدان جنگ را از خصوصیات حاج قاسم برشمردند و افزودند: «او فرماندهی جنگاور و مسلط بر عرصه نظامی بود؛ اما در میدان جنگ نیز حدود شرعی را کاملاً رعایت می‌کرد تا به هیچ کس ظلم و تعدی نشود؛ آن هم در حالی که خیلی‌ها در عرصه نظامی اهل احتیاط و رعایت حدود شرعی نیستند»؛ نامه او به صاحب خانه‌ای در جنوب سوریه که از منزل او در عملیات آزادسازی ابوکمال از آن استفاده کرده بود، نمونه‌ای از آن است.

با این توصیف، طراحی الگو و مدل مکتب شهید سلیمانی، زمینه‌های لازم را برای بررسی شیوه‌ها و روش‌های مناسب فرهنگ‌سازی، شبکه‌سازی و نهادینه‌سازی آن در تاروپود جامعه فراهم می‌نماید.

برای ترسیم مدل مکتب شهید سلیمانی، نیازمند ترسیم ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی هستیم که این عوامل از ارزش‌های اسلامی و فرهنگ سیاسی تشیع برگرفته می‌شود. در این مدل، چهار متغیر «اعتقادی، اخلاقی، رفتاری، دانشی مهارتی» به‌عنوان ابعاد اصلی پایه‌های نظری الگوی این مکتب مبنا قرار گرفته است. در این مدل، بُعد اعتقادی به دلیل مبانی نظری در جهان‌بینی و ایدئولوژی، جهت‌دهنده و هدایت‌کننده‌ی همه‌ی نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد، به‌عنوان مقوله محوری

**یکی از ترویبت‌شدگان انقلاب اسلامی که با اعتقاداتی راسخ، دلی خوش، بصیرتی نافذ، رفتاری حکیمانه و عملی مجاهدانه، خادمی مردم‌دار و درحقیقت، چهره‌ای که «شهید بود تا شهید شد»، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است.**

است که همه ارزش‌ها و نگرش‌ها از آن منشعب می‌شود. بنابراین، فردی که از جان خود گذشت می‌کند تا جامعه به ایدئال برسد، این ارزش، از اعتقادات و باورهای فرد سرچشمه گرفته است. انسان موحد با توجه به اصل خدامحوری و عشق حقیقی به خدای متعال و اعتقاد به وحدانیت خداوند کریم و اعتماد و باوری که به خدا و وعده‌های الهی او دارد و از طرف دیگر، با توجه به اعتقادی که به معاد و بازگشت انسان‌ها و زنده شدن آن‌ها و مقام شهید و جان‌بازی دارد، خود را مقید

از چالش‌های هویتی در سطوح مختلف مورد توجه قرار دهد. مکتب شهید سلیمانی الگوی مناسبی برای راهبری نسل جدید جوامع اسلامی است که دچار چالش‌ها و بحران‌های هویتی اند تا پاسخ‌های روشن و شفاف در تفقه و تمسک به هویت اسلامی و زیست‌بوم خود داشته و با اتکا به مؤلفه‌های هویتی اسلامی، راه ترقی و پیشرفت و عبور از عقب‌ماندگی و وابستگی به قدرت‌های جهانی را با افتخار سربازی و خادمی برای مردم نشان می‌دهد.

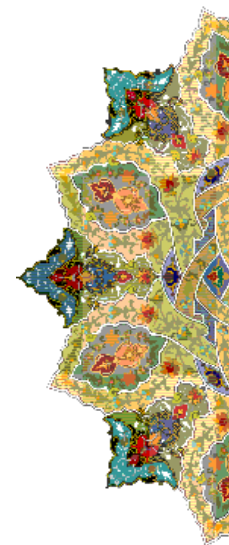
این امر از یک‌سو نیازمند توصیف و تدوین الگوی این مکتب و دستیابی به ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن است؛ چون بدون وجود آن‌ها نمی‌توان انتظار شکل‌گیری و نهادینه‌سازی مکتب شهید سلیمانی در تاروپود جوامع اسلامی را داشت؛ از سوی دیگر، باید به این مکتب، فراتر از مفاهیم و شاخص‌ها نگاه کرد و بدان تاسی و اقتدا کرد و از سبک و سیره زندگی خادمی و سربازی ایشان بهره گرفت و آن را به نسل‌های امروز و فردای جامعه معرفی کرد. بر این اساس، این متن با رویکرد توصیفی - تحلیلی درصدد تدوین و معرفی مکتب شهید سلیمانی به‌عنوان مکتب خادمی سعادت مردم و حلقه مفقوده هویتی جوامع اسلامی است.

### ● توصیف مکتب شهید سلیمانی

حفظ فرهنگ غنی و ارزشمند ایثار و شهادت و درحقیقت خادمی مردم، همواره از دغدغه‌های اساسی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و سایر دلسوزان انقلاب بوده است و ایشان همواره بر ترویج و گسترش فرهنگ انقلاب، جنگ و روحیه انقلابی و جهادی برای سعادت مردم تأکید داشته‌اند؛ بنابراین نیازمند این هستیم که:

اولاً، بینش و مبانی فکری و ارزشی او را به‌خوبی شناسایی کنیم که مبانی فکری و ارزشی او چگونه بوده است... که با سه امضا روی تکه کاغذی بنویسد: «خدایا مرا بپذیر، خداوندا! عاشق دیدارتم؛ همان دیداری که موسی (ع) را ناتوان از ایستادن و نفس کشیدن نمود».

ثانیاً، نگاه او به الگو و ولی فقیه و روش او چگونه بوده است که در وصیت‌نامه او متجلی شده است؛ تاحدی که آن را ولایت‌نامه می‌نامند و تأکید می‌کنند: «اگر توفیق صحابه رسول اعظم محمد مصطفی را نداشتم و اگر بی‌بهره بودم از دوره مظلومیت علی بن ابی‌طالب و فرزندان معصومش...، خداوندا! تو را شکر گزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری - خامنه‌ای عزیز - قرار





به عملی کردن این فریضه می‌داند. اصل دیگر عدل است که محور حکومت شیعه بر اساس آن است. مثل حکومت امام علی (ع) که عدالت را در رأس امور قرار می‌داد؛ چون بدون وجود

**ایثار، جهاد و شهادت، نقطه‌ی کانونی مکتب شهید سلیمانی است که از محورهای اساسی در فرهنگ اسلامی و عامل بقای اسلام و نظام اسلامی است.**

چنین اصلی نباید انتظار داشت که فرهنگ نابی چون ایثار و شهادت در جامعه شکل گیرد. مؤلفه‌هایی چون عزت‌نفس و مبارزه با ظلم به‌نوعی حاصل از این اصل است. همچنین، باور به وحی و نبوت و امامت که ریشه در توحید دارد، اصولی هستند که فرهنگ ایثار و شهادت را در جامعه گسترش داده و گسترش‌دهنده‌ی مکتب شهید سلیمانی است.

موضوع بعدی این است که ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بدون ایدئولوژی مشروعیت‌بخش غیرممکن است و نقش ایدئولوژی‌ها در اشاعه آن زمانی بیشتر آشکار می‌گردد که سخن از نهادینه‌سازی این فرهنگ شود. مطابق با ایدئولوژی اسلامی، اوج تجلی رفتار ایثارگرایانه جایی است که انسان از عزیزترین کالای خود که جان اوست درگذرد؛ مثل امام حسین (ع) که جان و مال و خانواده‌ی خود را در راه اسلام گذاشت و در آخر با شهادت خودش مؤلفه‌های اسلامی را در جامعه جانی تازه داد.

پس مکتب شهید سلیمانی را در جامعه می‌توان با محوریت بُعد عقیدتی (اعتقادات) به‌عنوان متغیر محوری ترسیم کرد و نشان داد که این محور مؤلفه‌هایی از خود را در جامعه تزریق می‌کند با عنوان مؤلفه‌های اسلامی که در صورت توجه و پذیرش عمومی آن در جامعه، فرهنگی به بار خواهد آمد که نام آن، فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت و یا مکتب شهید سلیمانی است.

#### الف) بعد عقیدتی - معرفتی

در الگوی مکتب شهید سلیمانی، بُعد عقیدتی و اعتقادی به‌عنوان پایه‌ی تعلقات روحی و ریشه‌ی رفتار و عمل انسان، به‌عنوان پایه و مقوم اصلی این مکتب انتخاب گردید که نقش کانونی و دال مرکزی در این مکتب دارد. خداباوری و یقین به وحدانیت او، نبوت‌گرایی و وحی‌باوری، آخرت‌نگری و معادباوری، عدل‌باوری، تفکر راهبردی امامت و ولایت‌باوری از مؤلفه‌های برجسته بُعد اعتقادی و آینده‌نگری، بصیرت و دشمن‌شناسی، عدالت‌طلبی و شهادت‌طلبی از مهم‌ترین شاخص‌های آن است.

#### ب) بعد اخلاقی - ارزشی

بُعد اخلاقی - ارزشی در مکتب شهید سلیمانی به مطلوبیت و مفید بودن پاره‌ای از امور زندگی انسانی اشاره دارد. درحقیقت، گرایش یا ارزش‌ها، بار معنایی خاصی دارد که انسان به برخی از اعمال، پاره‌ای از حالات و بعضی از پدیده‌ها نسبت می‌دهد و برای آن در زندگی خود جایگاه خاصی قائل است. این بُعد معرف شخصیت و ویژگی‌هایی است که معرف رفتار شخص است. بعد اخلاقی یکی از ابعاد مهم مکتب شهید سلیمانی است که عبودیت و عمل صالح، تقوا و پرهیزکاری، شایستگی‌های اخلاقی (اخلاص در گفتار و عمل، اعتماد راسخ به امدادهای الهی)، التزام عملی، رعایت حدود الهی، پرهیز از تجملات و دنیاگرایی و اصالت و نجابت خانوادگی از مؤلفه‌های برجسته‌ی آن است.

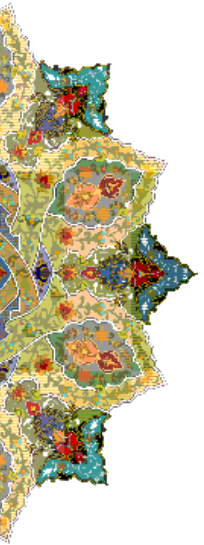
#### ج) بعد منشی - رفتاری

در نظام دینی و انقلابی ما تلاش و مجاهدت با هدف تغییر رفتار به سمت صلاح و خوبی‌ها، وظیفه‌ای دینی برشمرده شده است (آل عمران: ۱۰۴). با تغییر رفتار انسان‌ها به سمت خیر و معروف، خوبی‌ها گسترش یافته و بدی‌ها کاهش می‌یابد؛ ازسوی دیگر، برکت‌های الهی (تداوم و فزونی خیر و نعمت) استمرار یافته، بسیاری از مسائل و معضلات زندگی حل شده و روابط اجتماعی بهبود می‌یابد. درنهایت، با تغییر رفتار و هدایت افراد، در ثواب اقدامات و کارهای نیک دیگران مشارکت می‌کنیم.

با این توصیف، منظور از بُعد رفتاری منشی، هر نوع عملی است که به‌نحوی در حوزه‌ی اقدام و در جهت تغییر کنش یا تأثیرگذاری بر عمل افراد در جامعه سروکار دارد؛ بعد رفتاری مکتب شهید دارای مؤلفه‌های برجسته‌ای شامل بصیرت و عمل انقلابی، روحیه بسیجی، مدیریت جهادی، مجاهد فی سبیل الله، خستگی‌ناپذیری، مقاومت و ریسک‌پذیری و التزام به سبک زندگی اسلامی - ایرانی است.

#### د) بعد دانشی - روشی

منظور از بُعد دانشی - روشی، مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و اطلاعات، تخصص‌ها و تجربیات، توان و قدرت انجام کار است که کفایت و کارآمدی فرد را بارز می‌کند؛ مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد دانشی مهارتی شامل اهل فکر و اندیشه (تصمیم‌گیری‌های راهبردی)، مدیریت دینی، پیشگامی و پیشتازی، تعامل‌گرا در روابط اجتماعی، آمادگی‌های دفاعی، مردم‌باور و مردم‌یار و ارتباط عاطفی و صمیمی با دیگران و خدمتگزاری بی‌ادعا است.





## ● برآیند

امروزه، اگر راه

نجات و پیشرفت ملت انقلابی ایران

و مسلمانان جهان در تمسک و راهبری به مکتب شهید سلیمانی، به عنوان جلوه‌ی عینی مکتب اهل بیت (ع)، مکتب انقلاب اسلامی است، باید از این مکتب با تمام وجود حراست و پاسداری کرد. پاسداری از این مکتب در حقیقت، پاسداری از مبانی، اصول و جهت‌گیری‌ها و ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های این مکتب است و نیازمند خواست، فهم، درک و تشخیص درست، حمایت، فداکاری و اقدام و عمل بهنگام و مناسب و در نهایت، هزینه و خرج کردن از مال، آبرو، جان و همه‌ی هستی خود برای «ماندگاری انقلاب اسلامی» به عنوان میراث گران‌قدر همه‌ی انبیا، اولیا و شهدای الهی است.

اگر سیدالشهدای مدافعان حرم که «مکتب سلیمانی» را بنیان نهاد و در شهادت‌نامه‌اش به رزمنده‌ها و یادگاران جنگ فرمود: «یکی از شئون عاقبت‌به‌خیری، نسبت با جمهوری اسلامی و انقلاب است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت‌به‌خیری این است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت‌به‌خیری رابطه‌ی قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را در دست دارد. در قیامت خواهیم دید مهم‌ترین محور محاسبه این است»، امروزه موزع، مفسر و مبین این مکتب، ولی فقیه است که با ایجاد رابطه و پیوند دلی و قلبی، تمسک به ولایت حقیقی ولایت امر و امتثال اوامر و نواهی رهبر معظم انقلاب می‌توان مکتب شهید سلیمانی را به عنوان مکتب خادمی برای سعادت مردم در ابعاد، عرصه‌ها و سطوح مختلف ملی و فراملی تبیین کرد و تحقق بخشید.

## یادداشت

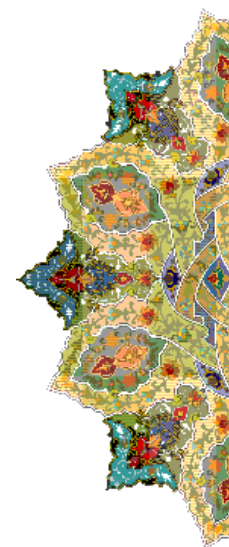
۱- مدرس، پژوهشگر و دکترای مهندسی سیستم‌های فرهنگی.

«عصر انقلاب اسلامی» از پرافتخارترین، ماندگارترین و بابرکت‌ترین دوران مجاهدت، حماسه‌آفرینی و پایداری تاریخ ملت قهرمان ایران است. از سال‌های مبارزه با طاغوت تا دهه ۶۰ و مبارزه با گروهک‌های تروریستی، از حماسه‌ی هشت سال دفاع مقدس تا حماسه‌آفرینی در جبهه‌ی مقاومت، از جهاد فرهنگی و تبیینی تا جهاد سلامت، «ستارگانی» راه‌یافته در «مسابقه‌ی بندگی حضرت حق» و «خدمت به خلق» و «حفظ و پیشبرد تحفه الهی انقلاب اسلامی» و «مقابله با دشمنان بشریت» مکتبی را احیا، تثبیت و تعالی بخشیدند که «گام دوم انقلاب» را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن

مکتب شهید سلیمانی را در جامعه می‌توان با محوریت بُعد عقیدتی به عنوان متغیر محوری ترسیم کرد و نشان داد که این محور مؤلفه‌هایی از خود را در جامعه تزریق می‌کند با عنوان مؤلفه‌های اسلامی که در صورت توجه و پذیرش عمومی آن در جامعه، فرهنگی به بار خواهد آمد که نام آن، فرهنگ اینار، جهاد و شهادت و یا مکتب شهید سلیمانی است.

نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کند».

از مردان بی‌نام‌ونشان تا زنان و مادران مجاهد و شهیدپرور، از بابایی و برونسی و بروجرودی تا شیروودی و چمران و تهرانی مقدم، از حججی و بلباسی و قنبری تا همدانی و سلیمانی و المهدی... هر یک با ارائه‌ی سیره، الگو و منش خود در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی، رفتاری و دانشی مهارتی، فرهنگی را خلق کردند که تالو و تشعشع آن در مکتبی فعلیت یافت که به مکتب شهید سلیمانی شهرت یافت. این مکتب در مواجهه با چالش‌های امروز و افق‌های فردای انقلاب اسلامی، راهی راهبردی برای نسل امروز و فردای کشور در پیشبرد انقلاب در مسیر خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است.





# شب یلدا؛ کارکردهای هویتی و اجتماعی

■ مریم یاری<sup>(۱)</sup>

## ● درآمد

سنت‌ها، آیین‌ها، عزاداری‌ها، بزرگداشت‌ها، مناسبات و اعیاد همواره نقش مهمی در تقویت هویت و همبستگی ملی در میان ایرانیان داشته‌اند. این آیین‌ها و مناسبات ریشه در فرهنگ اسلامی ایرانی دارد؛ فرهنگی زیبا و منحصر به فرد از سنت‌های اسلامی ایرانی به وجود آورده است؛ به طوری که مناسبات اسلامی و ایرانی در هم تنیده شده و از هم رنگ و نقش گرفته‌اند، قرن‌ها در کنار هم زیسته‌اند و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خود را به هم وام داده‌اند. از سوی دیگر، جامعه ایرانی نیاز به شادی و نشاط سالم و جمعی دارد؛ شادی‌ای که در دل خود معنویت، معناگرایی و احترام به باورهای دینی و ملی را داشته باشد. یکی از سنت‌های ایرانی که تمامی این ویژگی‌ها را در خود به صورت پیدا و پنهان دارد شب یلداست. ایرانیان از دیرباز بلندترین شب سال را برای پاسداشت صله‌رحم که در دین اسلام بسیار توصیه شده انتخاب کرده‌اند. در دوره‌ای که بسیاری از بدخواهان ملت ایران تلاش دارند بین مناسبات اسلامی و ایرانی تمایز و جدایی قائل شوند، پاسداشت مناسب شب یلدا توسط مسئولان ذی‌ربط باعث شکست نقشه دشمنان در راستای جدایی بین مناسبات و اعیاد مذهبی و ملی و مصادره مناسبات ملی توسط بیگانگان می‌شود.

ملل مختلف جهان براساس خاطرات تاریخی و موقعیت جغرافیایی خود آیین‌ها و مراسم گوناگونی را ترتیب داده‌اند. آیین‌های مهم ملی و دینی و مذهبی معمولاً به شخص و واقعه خاصی مربوط‌اند که نقش برجسته‌ای در حیات ملی، دینی و مذهبی ملت داشته‌اند. بر این اساس، ملت‌های کهن و دیرپا معمولاً اعیاد مهمی دارند و یا ملت‌هایی که به لحاظ تاریخی در معرض انواع تحولات ملی، دینی و مذهبی قرار گرفته‌اند روزهای مهمی دارند که مردم و حکومت‌ها آن ایام را پاس می‌دارند. ایرانیان از جمله ملل کهن دنیا هستند که برخی آیین و رسوم آن‌ها یادگار اعصار کهن است. یکی

از مؤلفه‌های مهم هویت ملی و هویت ایرانی، آیین و رسوم ملی است که به واسطه‌ی دیرینگی و گستردگی جغرافیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برخی از این رسوم با نوعی شادمانی همراه‌اند؛ از جمله شب یلدا، آخرین شب فصل پاییز و طولانی‌ترین شب سال که از دیرباز توسط ایرانیان جشن گرفته می‌شده است. شب یلدا در آغاز زمستان خانواده‌های ایرانی را گرد هم می‌آورد. بسیاری بر این باورند که جشن‌ها و مناسبات گوناگون ملی یکی از عوامل وحدت هویت ایرانی است. جذابیت‌ها و آیین‌های پیرامونی که در این جشن‌ها وجود دارد سبب شده تا این مراسم در درازنای تاریخ کهن این سرزمین پایدار باقی بماند؛ آیین‌هایی مانند شب‌نشینی و صرف تنقلات و میوه و شیرینی و جمع شدن عزیزان کنار هم این پتانسیل را به وجود آورده که حتی در دنیای مدرن نیز این رسوم برای ایرانیان و البته نسل‌های جدید همچنان

سنت‌ها، آیین‌ها، عزاداری‌ها، بزرگداشت‌ها، مناسبات و اعیاد همواره نقش مهمی در تقویت هویت و همبستگی ملی در میان ایرانیان داشته‌اند. این آیین‌ها و مناسبات ریشه در فرهنگ اسلامی ایرانی دارد؛ فرهنگی که تلفیقی زیبا و منحصر به فرد از سنت‌های اسلامی ایرانی به وجود آورده است.

قابل احترام باشند. درحقیقت، همسازی و بازآفرینی آیین‌های گذشته‌ی ایرانیان مانند شب یلدا و نوروز در جهان مدرن راز موفقیت و بقای فرهنگ ایرانی در طول هزاران سال است. بی‌شک نکوداشت این آیین‌های ملی و جذاب می‌تواند به معرفی هویت ملی ایرانی کمک کند. تمایل مردم ایران به برگزاری مراسم و جشن‌های ملی گویای تمایل آن‌ها به حفظ هویت‌های فرهنگی است. بی‌شک این تمایل در جهان مدرن نشان از ریشه‌های مستحکم فرهنگ و تمدن ایرانی دارد که در جان ایرانیان رخنه کرده است؛ از این رو، در ادامه ابتدا به



خاصی تعلق ندارد و چون موضوع آن باوری اسطوره‌ای است، برگزاری باشکوه آن آیین و مذهب خاصی را آزرده نمی‌کند؛ از این رو، به واسطه‌ی موقعیت زمانی یلدا که بیرون

دیدار با بزرگ‌ترها از سوی بستگان و فامیل در واقع نوعی تکریم و احترام به بزرگ‌ترها محسوب می‌شود و همین امر موجبات تقویت و توسعه ارزش‌های دینی و انسانی را فراهم می‌کند؛ از این رو، برگزاری این سنت و آیین ارزنده و کهن ایرانی سبب اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری در نسل‌های جدید جامعه می‌شود.

از خانه بودن و در بوستان و باغ‌ها نشستن چندان ممکن نبوده، افراد در خانه‌های گرم خود گرد هم می‌آمدند و آن شب را بدین گونه سپری می‌کردند.

از سوی دیگر، از دیرباز به سبب تقارن تقریبی یلدا و میلاد مسیح (ع) که مسیحیان ساکن ایران آغاز سال جدید خود را جشن می‌گیرند و از آنجاکه ایرانیان مسلمان نیز نسبت به حضرت مسیح احترام خاصی قائل هستند، این احترام متقابل پیشینه‌ای دیرینه دارد و می‌توان گفت این تقارن زمانی موجب پدیداری و استحکام هویت ایرانی در بین ساکنان ایران با دو مذهب گوناگون شده است. در حقیقت، این نوع از هویت‌سازی هم مبنای فکری دارد و هم از بنیان‌های فکری و مادی برخوردار است.

در مورد این روز (اول زمستان) باید به باورها و عقاید باطنی ایرانیان هم اشاره کرد که یلدا را شب زایش خورشید و فردای آن را پایان سلطه‌ی اهریمن شوم و طولانی شدن تابش خورشید می‌شمرده است. این مناسبت با آمدن اسلام به ایران از میان نرفت و در حقیقت، اسلام با آمدن خود به ایران موجب رشد اعتقادات و باورهای دینی شد. دستورات اسلام یا بر مبنای تأیید و امضای سنت‌ها و باورهای موجود و یا بر اساس تکمیل برخی از این باورها بنا شد. همچنین، اسلام برخی از باورها و مراسم را نیز منسوخ و بسیاری از مسائل و احکام را نیز تأسیس کرده و در مقابل برخی از مسائل و سنت‌ها نیز سکوت اختیار کرده است. یلدا از جمله مراسمی است که به دلیل ارتباط و نزدیکی با بسیاری از مسائل و باورهای اسلامی، از جمله عبادات شبانه و صلوات (دیدار نزدیکان)، توانست استحکام خود را حفظ کند؛ از این رو، یکی از مهم‌ترین دلایل ماندگاری این آیین کهن همسازی با اسلام بود.

تبارشناسی این آیین دیرینه و سپس به راز ماندگاری این جشن کهن و کارکردهای جامعه‌شناسانه‌ی آن می‌پردازیم.

### ● تبارشناسی شب یلدا

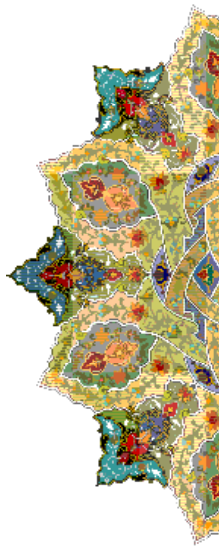
به گفته‌ی دهخدا، یلدا لغتی سریانی و به معنای میلاد در عربی است. پیدایش و پیشینه تاریخ این شب به اقوام آریایی برمی‌گردد. آن‌ها پس از روزگاران کوچ به این سرزمین، لحظه‌شمار خود را روز و روشنایی قرار دادند و در گذر این تجربه‌ها، درازترین شب زمستان را به‌درستی شناخته بودند و می‌دانستند که در پی آن شب، شب‌های دیگر رو به کوتاهی می‌رود و روزها به درازا می‌کشند و این موضوع دست‌مایه‌ی شادمانی آن‌ها می‌شد. در هر صورت، اقوام آریایی که همواره از تاریکی هراس داشتند بلندترین و سردترین شب سال را جشن می‌گرفتند، آتش می‌افروختند و گرد هم می‌آمدند و میوه‌های تازه و خشک می‌آوردند. بی‌گمان این سفره رنگ و بوی دینی و آیینی نیز داشت و بسیار گرمی و مقدس بود. بنابر باور پیشینیان، از جمله ایرانیان باستان، در شب یلدا تاریکی شکست می‌خورد و روشنایی پیروز و خورشید زاده می‌شود و روزها رو به بلندی می‌نهند. بر اساس همین آیین‌ها و باورها، بسیاری از سرزمین‌های کهن زایش خورشید و آغاز دی را آغاز سال قرار دادند و روزی را که خورشید از چنگ تاریکی رهایی یافته گرمی می‌دارند.

### ● راز ماندگاری یلدا به‌عنوان آیینی هویت‌ساز

ایرانیان در طول سال‌های متمادی، شب یلدا را گرمی داشته‌اند و از آن به‌عنوان آیینی کهن تجلیل کرده‌اند. آنچه سبب ماندگاری این شب نزد ایرانیان شد در ابتدا موقعیت زمانی آن است. در ایران که در طول تاریخ به‌عنوان جامعه‌ی کشاورزی شناخته می‌شود، در این موقع از سال کشاورزان به دنبال پایان

یلدا از جمله مراسمی است که به دلیل ارتباط و نزدیکی با بسیاری از مسائل و باورهای اسلامی، از جمله عبادات شبانه و صلوات (دیدار نزدیکان)، توانست استحکام خود را حفظ کند؛ از این رو، یکی از مهم‌ترین دلایل ماندگاری این آیین کهن همسازی با اسلام بود.

فصل برداشت محصول خود، زمان استراحت را آغاز می‌کنند و پس از ماه‌ها تلاش در جمع خانواده و خویشان می‌نشینند. کار ویژه‌ی هویت‌بخش یلدا به سبب خانوادگی، غیررسمی و همگانی بودن آن است؛ این رسم به حکومت و یا قشر و قوم







در ایران پس از اسلام، شب یلدا همچون گذشته گرمای داشته می‌شود؛ زیرا ایرانیان براساس حکمت اشراق و آموزه‌های دینی اسلامی حکمایی مانند «سهروردی»، با استناد به آیه کریمه «الله نور السموات و الارض» (خداوند نور آسمان‌ها و زمین است) و دیگر آیات کریمه قرآن، در زمینه بهره‌گیری مؤمنان از نور الهی، به تدبیر و تعمق در معنی‌شناسی هستی پرداخته و شب یلدا را نماد قدرت الهی و شب گسترش نور الهی در زمین می‌دانند. در باور ایرانیان مسلمان، خداوند آیات و نشانه‌های خود را در خلقت کائنات مستتر کرده است و مؤمن می‌تواند با تعمق در آن به این آیات پی ببرد و شب یلدا نمونه‌ای است که می‌توان با تعمق و تدبیر به معنای عمیق آن دست یافت.

### ● کارکردهای فرهنگی و اجتماعی و هویتی شب یلدا

اگر به شب یلدا به‌عنوان یک آیین اجتماعی، فرهنگی و باستانی و چه‌بسا به‌مثابه یک رویداد ملی بنگریم، این جشن ملی و رویداد فرهنگی از ارزش و اهمیت فراوانی برخوردار و کارکردهای مختلفی را داراست که کارکردهای مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی روان‌شناختی از آن جمله‌اند.

به لحاظ کارکرد مردم‌شناسی احیای سنت‌های دیرینه و رسومی مانند برپایی کرسی (گرچه به شکل نمادین آن)، که همانا تداعی گر و پاسداشت یکی از سنت‌های گذشته به‌شمار می‌آید، این کارکرد را به‌خوبی نشان می‌دهد. به‌علاوه، گرامیداشت این مناسک و آیین‌ها می‌تواند به‌عنوان میراث معنوی و فرهنگی شناخته شود و موجبات احیای تقویت و توسعه و انتقال آن به نسل‌های آینده جامعه را فراهم آورد. در چنین فرصت‌هایی، زمینه‌ی آشتی و آشنایی با فرهنگ و ادب فارسی برای نسل جوانی که شیفته‌ی شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی هستند فراهم شده و بستر پیوند و تقویت و توسعه فرهنگی و سنتی نسل‌های جدید با سنت‌های نیاکان و گذشتگان بیش از پیش گسترده می‌شود. این مراسم و سنت کهن که می‌تواند به‌عنوان جشن گذار از فصل پاییز به فصل زمستان نیز باشد، که حتی از آن تحت عنوان جشن زمستانه نیز یاد می‌کنند، در حقیقت غنای فرهنگی جامعه ایرانی را در بعد مردم‌شناسی نمایان می‌سازد.

به لحاظ جامعه‌شناختی نیز در شب یلدا همه خانواده‌های ایرانی به دیدار بزرگ‌ترها مخصوصاً پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها می‌روند و در این دیدار در واقع، سنت اسلامی

و حسنه صلح‌رحم را به‌جا می‌آورند. دیدار با بزرگ‌ترها از سوی بستگان و فامیل در واقع نوعی تکریم و احترام به بزرگ‌ترها محسوب می‌شود و همین امر موجبات تقویت و توسعه ارزش‌های دینی و انسانی را فراهم می‌کند؛ از این رو، برگزاری این سنت و آیین ارزنده و کهن ایرانی سبب اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری در نسل‌های جدید جامعه می‌شود. از طرفی، برگزاری این آیین و سنت کهن موجبات احیای تقویت و توسعه و تحکیم هویت فرهنگی و ملی را فراهم می‌کند؛ از این رو، با تقویت روح جمعی و مای جمعی جامعه موجبات احیای تقویت و توسعه پیوندها را میان خانواده‌های ایرانی فراهم می‌کند؛ بنابراین، همبستگی و انسجام اجتماعی و در نهایت، تقویت و گسترش وفاق ملی از مهم‌ترین نتایج این روند است. در حقیقت، برپایی آیین‌هایی نظیر جشن شب یلدا، روح جمعی جامعه را تقویت می‌کند و به جامعه حیاتی دوباره می‌بخشد. شب یلدا در سرآغاز زمستان گرمای خاصی را به مناسبات اجتماعی می‌بخشد و پیوند بین بزرگ‌ترها و بقیه اعضای خانواده را استحکام می‌بخشد و حس امید و شادی را به جامعه تزریق می‌کند. به‌طور کلی، قدمت یلدا و مناسبات سرشار از صمیمیت آن نوعی تداوم تاریخی و هویتی را ایجاد

این سنت کهن و دیرینه ایرانی و گرامیداشت نخستین شب زمستان فرصتی است برای ترویج و اشاعه فرهنگ شادی و شادمانی و شادبودن و لذت‌بردن از حضور در کنار بستگان و فامیل و رهایی از روزمرگی‌های زندگی شهری و صنعتی و ماشینی امروزی و دوری از دغدغه‌ها و نگرانی‌های زندگی.

می‌کند؛ به‌علاوه، گسترده‌گی این آیین در درون و بیرون مرزهای ایران و همچنین، اسطوره‌ای بودن آن همبستگی ملی را افزایش می‌دهد.

در بعد روان‌شناختی نیز هم‌نشینی و شب‌نشینی در جشن شب یلدا بدون تردید خاطره شیرین و به‌یادماندنی را در حافظه افراد به‌جا می‌گذارد که بی‌شک از تألمات روحی می‌کاهد. آیین یلدا که در سال ۱۳۸۸ به‌عنوان میراث معنوی ایرانیان به ثبت رسید یادگاری معنوی از پیشینیان برای نسل کنونی است تا شب‌های سرد زمستان را با خاطره‌ای خوش از در کنار خانواده و خویشان بودن آغاز کنند. بنابر تحقیقات روان‌شناسی، افراد در زمستان و پاییز به سبب کم شدن سطح تابش خورشید بیشتر به افسردگی دچار می‌شوند؛ از آنجا که حضور انسان در جمع‌های صمیمی از این عارضه می‌کاهد،





#### ۴- نمادسازی برای

شب یلدا؛ نمادی که با ویژگی‌هایی

مانند شادی، انسجام و وحدت ملی، صله‌ی ارحام، احترام به خانواده، فرهنگ ایرانی اسلامی و... همراه باشد مثل ساخت عروسک «ننه سرما»، مادر بزرگی مهربان و خندان که کودکان برای شنیدن قصه‌هایش به دور او جمع می‌شوند.

۵- ساخت و پخش ویژه‌برنامه‌های مفرح و جذاب در شب یلدا.

۶- آماده کردن چهره‌ی بصری شهر برای این روز مانند نصب بیلبردهایی در سطح شهر با شعارهایی در تجلیل از شب یلدا و در کنار خانواده و بزرگان بودن با طرح‌های جذاب و گویا.

۷- برگزاری مراسم و اقدامات هنری در ایستگاه‌های مترو تهران و سایر کلان‌شهرها با هدف بزرگداشت شب یلدا.

#### • برآیند

تداوم همبستگی اجتماعی در گرو برپایی آیین‌ها و رسوم ملی و مذهبی است که نه تنها باعث تقویت تعهدات فرد به جامعه می‌شود، بلکه حس با هم بودن را نیز در میان اعضای جامعه ارتقا می‌بخشد. وقتی مردم در تلاش برای تهیه و انجام یک رسم و آیین ملی و مذهبی هستند، حس نیرومند تعلق گروهی در میان آن‌ها تقویت می‌شود؛ از این منظر، آیین شب یلدا را در تقویت این حس نمی‌توان نادیده انگاشت. شب یلدا با دارا بودن ویژگی‌هایی چون انطباق آیین‌ها و مراسم آن با آموزه‌های دینی و شیعی، قدمت و همچنین، دربرگیری و گستردگی آن در درون و بیرون واحد سرزمینی ایران از آیین‌های کهنی است که در تقویت هویت ملی و همگرایی اجتماعی نقش ایفا کرده است؛ از این رو، باید برای حفظ میراث معنوی آن کوشید؛ بدین سبب باید فلسفه آن که برآمده از امید، احترام و باهم بودن است بیش از جنبه‌های مادی آن مورد توجه قرار گیرد.

#### یادداشت

۱- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

شاید این آیین، رسمی حکیمانه باشد که پیشینیان خردمند ما برای رفع این نیازها ترتیب داده‌اند. در دنیای پراسترس و پرتنش کنونی، بی‌شک گذراندن اوقاتی با عزیزان فرصتی برای ساعاتی شادی و انبساط خاطر برای آنان و خانواده‌هاست. به هر روی، همنشینی اقوام و بستگان در شب یلدا و داشتن ارتباط چهره‌به‌چهره در یک فضای گرم و صمیمی موجب دلگرمی و باخبری از احوال یکدیگر و چه بسا مرتفع شدن کینه‌ها و کدورت‌ها و روشنایی قلب‌ها و سرزندگی روحی و تقویت روحیه افراد فامیل می‌شود. این سنت کهن و دیرینه

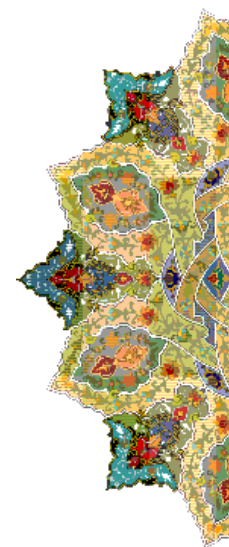
شب یلدا با دارا بودن ویژگی‌هایی چون انطباق آیین‌ها و مراسم آن با آموزه‌های دینی و شیعی، قدمت و همچنین، دربرگیری و گستردگی آن در درون و بیرون واحد سرزمینی ایران از آیین‌های کهنی است که در تقویت هویت ملی و همگرایی اجتماعی نقش ایفا کرده است؛ از این رو، باید برای حفظ میراث معنوی آن کوشید.

ایرانی و گرامیداشت نخستین شب زمستان فرصتی است برای ترویج و اشاعه فرهنگ شادی و شادمانی و شادبودن و لذت‌بردن از حضور در کنار بستگان و فامیل و رهایی از روزمرگی‌های زندگی شهری و صنعتی و ماشینی امروزی و دوری از دغدغه‌ها و نگرانی‌های زندگی.

#### • توصیه‌هایی برای پاسداشت شب یلدا

از آنجا که آیین‌ها و رسوم ملی مانند شب یلدا یکی از ابعاد مؤلفه‌های هویت ملی است که نیاز به پاسداشت برای انتقال به نسل جدید دارد و باید فلسفه‌ی معنوی آن مورد توجه قرار گیرد، توصیه‌هایی به منظور توجه ویژه به این رسم و برگزاری باشکوه آن ارائه می‌شود:

- ۱- برگزاری اجتماعات مردمی مانند جشن‌هایی در مراکز فرهنگی، فرهنگسراها و سایر مکان‌های عمومی.
- ۲- توجه به پاسداشت شب یلدا در مدارس سراسر کشور.
- ۳- ساخت کلیپ‌ها و انیمیشن‌های کوتاه و جذاب در مورد شب یلدا و پخش آن در رسانه‌ی ملی و شبکه‌های برون مرزی و فضای مجازی.





# بایسته‌های هویتی تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی

■ دکتر حمید هوشنگی<sup>(۱)</sup>

## ● درآمد

انتخابات یکی از مظاهر مردم‌سالاری در جهان به‌شمار می‌رود. جمهوری اسلامی ایران با گذشت چهل سال از استقرار خود، تاکنون قریب به ۳۷ انتخابات برگزار نموده است. انتخابات به دلیل مشارکت سیاسی مردم می‌تواند منجر به تقویت همبستگی ملی گردد. برای نیل به همبستگی ملی از مسیر انتخابات، باید پیش شرط‌های مختلفی مورد توجه قرار گیرد. یکی از اساسی‌ترین پیش شرط‌های انتخابات همبستگی‌ساز تبلیغات انتخاباتی همسو با ارزش‌ها و هویت ملی ایرانیان است. در واقع، از یکسو باید قواعدی بر فضای تبلیغات انتخابات حاکم باشد که همبستگی ملی از آن حاصل شود و از سوی دیگر، باید فضای تبلیغات منجر به آگاهی‌بخشی به جامعه برای انتخاب دقیق و درست شود. از همین جهت است که رهبر معظم انقلاب بیان داشته‌اند که «فضای انتخابات باید فضای سالمی باشد؛ فضای تبلیغات باید با فضای پروپاگانداهای معمول دنیا تفاوت داشته باشد». از منظر ایشان، به دلیل فشار تبلیغات پرزرق و برق و توخالی در دموکراسی‌های دنیا، این دموکراسی‌ها حقیقی نیست زیرا «با سخنان فریب‌آمیز، آن‌چنان بر ذهن مردم سنگینی می‌کند که امکان انتخاب درست را به مردم نمی‌دهد؛ نمی‌گذارند مردم فکر کنند» (۱۳۷۰/۹/۲۷). تبلیغات انتخابات دارای ابعاد و زوایای متعددی است که می‌توان برای هر یک از آن‌ها بایسته‌هایی را مطرح نمود؛ اما در این مقاله تلاش شده است بایسته‌های هویتی تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

است. در این سیاست‌ها می‌توان به چهار بند اشاره نمود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به تبلیغات انتخابات پرداخته است. در بند سوم سیاست‌ها آمده است: «بهره‌مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر و متناسب با امکانات در هر انتخابات، حسب مورد از صداوسیما و فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور». این بند تکلیف دستگاه‌های اجرایی کشور برای رعایت عدالت در ارائه امکانات به نامزدهای انتخاباتی برای تبلیغات را مورد توجه قرار داده است. در بند پنجم سیاست‌های کلی انتخابات، منهیات تبلیغات انتخابات مورد اشاره قرار گرفته است: «ممنوعیت هر گونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هر گونه اقدام مغایر

یکی از اساسی‌ترین پیش شرط‌های انتخابات همبستگی‌ساز تبلیغات انتخاباتی همسو با ارزش‌ها و هویت ملی ایرانیان است.

امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی». در کنار این دو بند، بند ششم بر «ممنوعیت استفاده از حمایت و امکانات بیگانگان اعم از مالی و تبلیغاتی توسط نامزدها و احزاب و برخورد به‌موقع دستگاه‌های ذی‌ربط» و بند هشتم بر «ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش‌های عمومی و ترویج هنجارهای انتخاباتی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی و تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی سالم به منظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و با نشاط مردم و کمک به انتخاب اصلح» تأکید کرده است.

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی از زمان تصویب در سال ۱۳۶۲ دچار تغییر و تحولاتی شده است. براساس آخرین تغییرات این قانون در ۱۴۰۲/۵/۱، محورهای کلی مربوط به تبلیغات انتخاباتی بدین شرح است:  
زمان تعیین‌شده برای تبلیغات انتخاباتی، ممنوعیت

## ● سیاست‌ها و قوانین مربوط به تبلیغات انتخابات

درباره انتخابات قوانین و سیاست‌هایی به تصویب رسیده است که مهم‌ترین آن‌ها سیاست کلی انتخابات است که در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۲۴ از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده



## ● بایدها و نبایدهای هویتی

### تبلیغات انتخابات

مرور قوانین یادشده نشان می‌دهد قانونگذار وارد جزئیات بایسته‌های تبلیغات نشده و به طرح کلیات این حوزه اکتفا نموده است؛ اما برای تدقیق این بایسته‌ها لازم است به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی توجه نمود؛ بنابراین، با عنایت به سیاست‌ها و قوانین فوق و همچنین، فضای حاکم بر کشور می‌توان بایدها و نبایدهای هویتی تبلیغات انتخابات را به شرح زیر ارائه نمود.

#### ۱- عدم ناامیدسازی مردم با طرح وعده‌های خارج از محدوده

**حوزه اثرگذاری و مسئولیت و در چهارچوب قانون اساسی**  
یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در روند تبلیغات انتخاباتی در سطوح مختلف، دادن وعده‌های فراتر از محدوده حوزه اثرگذاری و مسئولیت نماینده مجلس و حتی فراتر از ظرفیت قانون اساسی است. در انتخابات مجلس به‌ویژه در مناطق و شهرهای کوچک‌تر، به دلیل بالا بودن سطح رقابت، دادن وعده‌هایی از این دست رواج بیشتری دارد. با توجه به اینکه طرح این نوع وعده‌ها از یکسو به دلیل فراتر بودن از حیطه وظایف و اختیارات نماینده و ظرفیت قانون اساسی و از سوی دیگر، بالا رفتن سطح انتظارات جامعه به‌طور کاذب، برخلاف مصالح ملی است، می‌تواند در بلندمدت منجر به بروز ناامیدی در سطح جامعه شود.

#### ۲- عدم دوگانه‌سازی هویتی بر پایه قومیت و مذهب

با توجه به تنوع قومیت و مذهبی در جامعه ایرانی، امکان دوگانه‌سازی و قطبی‌سازی جامعه مبتنی بر قومیت و مذهب در برخی مناطق کشور وجود دارد. این مسئله در سال‌ها و ادوار گذشته انتخابات از سوی برخی نامزدها با هدف افزایش امکان موفقیت در انتخابات انجام شده است. به‌طور نمونه می‌توان به دوگانه‌سازی هویتی در منطقه غرب کشور در قالب تقویت اختلافات قومی میان کردها و آذری‌ها اشاره نمود. در حوزه مذهبی نیز طرح مباحثی مانند لزوم به‌کارگیری پیروان مذاهب اسلامی در مناصب مختلف بدون توجه به شایسته‌سالاری، تأکید بر وجود تبعیض مذهبی و... از سوی برخی از نامزدهای حوزه‌های انتخابیه دارای تنوع مذهبی برای بهره‌گیری از اختلافات مذهبی در رقابت انتخاباتی سابقه دارد.

#### ۳- عدم طرح مباحث مذهب و قوم‌سنی‌زانه و القای تبعیض

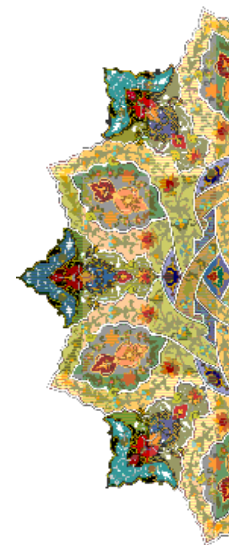
##### و محرومیت

برخی از جریان‌های قومی و مذهبی و به‌ویژه نامزدها و نمایندگان مجلس شورای اسلامی تلاش دارند برای افزایش

به‌کارگیری نظر یا تصویر مقامات و مدیران و اشخاص موضوع ماده (۷۵): این قانون بر نفع یا ضرر نامزدها و جریان‌ها و احزاب و گروه‌های سیاسی در تبلیغات، ممنوعیت تولید، انتشار و بازنشر هرگونه محتوا یا اخبار جعلی یا خلاف واقع و یا تخریب و تهدید توسط هر یک از نامزدها و یا ستادهای ایشان، معرفی امکانات دستگاه‌های ذیل ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری برای تبلیغات نامزدها و ممنوعیت استفاده از امکانات و اموال این دستگاه‌ها در غیر از موارد مجاز در این قانون، ممنوعیت الصاق اعلامیه، پوستر و هرگونه آگهی تبلیغاتی روی علائم راهنمایی، تابلوی بیمارستان‌ها و تابلوی مدارس و سایر مؤسسات آموزشی و سازمان‌های عمومی و ادارات دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت و خودروهای دولتی و اتوبوس‌های شرکت واحد اتوبوسرانی و تأسیسات عمومی و دولتی و صندوق‌های پست، باجه‌های تلفن، پست‌های برق و تلفن، تابلوها، معرفی ستاد اصلی انتخابات و تارنمای اینترنتی و سایر درگاه‌های مجازی قانونی مانند پیام‌رسان اجتماعی و برنامه‌ک برای فعالیت تبلیغی، ممنوعیت درج آگهی یا نشر محتوا علیه نامزدهای انتخاباتی یا احزاب و گروه‌های سیاسی و یا اعلام خلاف واقع انصراف نامزدها

**نامزدهای انتخابات باید از طرح شعارهای خاص‌گرای فرهنگی، قومی، مذهبی محلی و ناحیه‌ای پرهیز نمایند.**

توسط رسانه‌های همگانی، ممنوعیت تبلیغ بر ضد داوطلبان دیگر و هرگونه هتک حرمت و حیثیت نامزدهای انتخاباتی، جرم‌انگاری برخی از اقدامات در فعالیتهای تبلیغاتی انتخابات توسط نامزدها، احزاب و گروه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی دلالت دارد (اقدامات مغایر امنیت ملی نظیر ایجاد تفرقه قومی و مذهبی، دادن وعده‌های خارج از اختیارات قانونی نمایندگی توسط نامزدها، هرگونه تخریب، تهدید، هتک حرمت و حیثیت اشخاص حقیقی و حقوقی، نوشتن یا اظهار مطالب خلاف واقع، دیوارنویسی، تخریب یا پاره کردن عکس و دیگر آثار تبلیغاتی نامزدها در مهلت قانونی تبلیغات که در محل‌های مجاز الصاق شده و یا قرار گرفته باشد، نصب یا توزیع محتوا و آثار تبلیغاتی انتخاباتی تهیه‌شده بدون رعایت مفاد این قانون، استفاده از آثار تبلیغاتی متضمن موارد مغایر عفت عمومی و یا موازین شرع، اخلال و برهم‌زدن اجتماعات و سخنرانی‌های قانونی و تعرض به ستادهای انتخاباتی نامزدها، استفاده از کاروان‌های تبلیغاتی).





توان بسیج کنندگی از میان اقوام و مذاهب، از ابزار قومیت و مذهب بهره بگیرند. یکی از این ابزارها که از سوی افراد و جریان‌های یادشده به کار گرفته شد، القای مذهب و قوم‌ستیزی در میان مسئولان و نهادهای کشور است؛ از سوی دیگر، القای تبعیض سیستماتیک بر ضد اقوام و مذاهب و محروم نگاه داشتن آن‌ها از سوی نظام سیاسی نیز در همین راستا امکان بسیج کنندگی را در عرصه سیاسی فراهم می‌سازد. طرح این نوع مباحث در فضای انتخابات نه تنها به فاصله گرفتن اقوام و مذاهب از نظام سیاسی و افزایش ناامیدی از آینده منجر خواهد شد، بلکه لزوماً به رأی‌آوری نامزد خاص نیز منجر نخواهد شد و در بلندمدت نیز فضای سیاسی حوزه انتخابیه را دچار اختلال و اشکال خواهد کرد.

#### ۴- خودداری از تبدیل نمودن رویکردها و مطالبات قومی و مذهبی خاص به مطالبه عمومی

بررسی برخی از مطالبات و رویکردهای موجود در میان اقوام و اهل سنت نشان می‌دهد این مطالبات خواسته عموم مردم نبوده و آن‌ها نسبت به رویکردهای نخبگان و روشنفکران فاصله جدی دارند. به‌طور نمونه آموزش زبان مادری که از سوی برخی از روشنفکران و نخبگان قومی پیگیری می‌گردد، با وجود آنکه زبان محلی برای مردم دارای اهمیت است اما مطالبه عموم مردم نیست. برخی نخبگان برای یافتن جایگاه رهبری در محیط اجتماعی قومی و مذهبی و در نهایت، رسیدن به قدرت سیاسی، نسبت به خلق و ترویج مطالباتی اقدام می‌نمایند که لزوماً امکان تحقق آن وجود ندارد. همچنین، این مطالبات و رویکردها باید از سطح نخبگی به سطح عموم مردم منتقل شود تا با طرح آن‌ها، رهبریت اقوام و مذاهب به سوی آن‌ها سوق پیدا کند. در این بین می‌توان تولید و تغییر ماهیت مطالبات مذهبی در اهل سنت و تقویت هویت خواهی مذهبی با تأکید بر تفاوت‌ها و پیگیری مطالبات اهل سنت از سوی برخی نخبگان مذهبی را در این راستا تفسیر نمود. همان‌طور که اشاره شد، عمومی ساختن مطالبات به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار افکار عمومی جهت تأمین خواسته از سوی نخبگان به‌ویژه عناصر سیاسی به اجرا گذاشته می‌شود.

#### ۵- عدم برجسته‌سازی هویت‌های فروملی (به‌ویژه قومیت و مذهب) در برابر هویت ملی

آنچه در کشورهای دارای تنوع فرهنگی اهمیت دارد، میران اولویت هویت ملی در مقایسه با سایر هویت‌هاست. طبیعی است هر تلاشی که منجر به ارتقاء هویت‌های فروملی نسبت به

هویت ملی گردد، پذیرفته‌شده نخواهد بود. در همین راستا، نامزدهای انتخابات باید از طرح شعارهای خاص‌گرای فرهنگی، قومی، مذهبی محلی و ناحیه‌ای پرهیز نمایند.

#### ۶- احترام به نمادها، آیین، ارزش‌ها و اسطوره‌های ملی

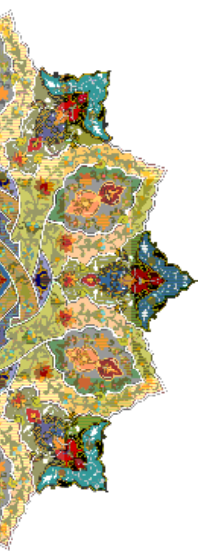
ارزش‌ها، نمادها، آیین و اسطوره‌های هر جامعه از عناصر هویت‌ساز آن جامعه هستند. نامزدهای انتخابات به‌عنوان نمایندگان احتمالی آینده، باید به این عناصر و مؤلفه‌ها احترام بگذارند. روندهای گذشته تبلیغات انتخابات و بعد از آن نشان می‌دهد افراد مختلفی در قامت نامزد یا نماینده، این عناصر را به چالش کشیده‌اند. به‌طور نمونه می‌توان به اقدامات برخی از نمایندگان مجلس در قبال زبان فارسی اشاره نمود. با وجود تصریح اصل ۱۵ قانون اساسی، برخی از نمایندگان مجلس نسبت به نحوه اجرای این اصل اقداماتی انجام داده‌اند که غالباً به‌صورت تأکید بر زبان محلی در قالب تعارض با زبان فارسی بوده است. به‌طور نمونه تأکید غیردقیق بر اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی به معنای نوشتن و خواندن به زبان محلی و قومی (مادری) از سوی برخی نمایندگان بوده است. برخی از نمایندگان عرب‌زبان نیز بدون توجه به اینکه اصل ۱۶ قانون اساسی جایگاه ویژه‌ای برای آموزش زبان عربی قائل شده است، خواستار تحصیل به زبان مادری در مدارس و اجرایی شدن اصل ۱۵ قانون اساسی بوده‌اند. برخی از نمایندگان

**صیانت از هویت و همبستگی ملی در مرحله تبلیغات انتخاباتی از طریق احترام به نمادها، آیین‌ها، ارزش‌ها و اسطوره‌های ملی ممکن خواهد بود.**

آذری‌زبان مجلس نیز در همین راستا نسبت به تهیه طرح تدریس زبان مادری در مدارس اقدام نموده‌اند. به نظر می‌رسد صیانت از هویت و همبستگی ملی در مرحله تبلیغات انتخاباتی از طریق احترام به نمادها، آیین‌ها، ارزش‌ها و اسطوره‌های ملی ممکن خواهد بود؛ بنابراین، در این مرحله لازم است نامزدها در سخنرانی‌ها، وعده‌ها و... نسبت به حفاظت از این مؤلفه‌ها اهتمام داشته باشند.

۷- احترام به آیین و مقدسات مذاهب اسلامی و سایر اقوام در کنار احترام به نمادها، آیین، ارزش‌ها و اسطوره‌های ملی، نامزدهای انتخابات باید به آیین و مقدسات مذاهب اسلامی و اقوام احترام بگذارند و از توهین به آن‌ها خودداری نمایند. احترام به سایر خرده‌هویت‌ها منجر به تقویت همبستگی ملی می‌گردد.

۸- عدم مصاحبه با رسانه‌های معارض هویت ملی هویت ملی ایرانیان از سوی گروه‌های معارض مختلفی مورد





بسیار متفاوت است،

به نحوی که خواهان مشارکت افراد با هر

سلیقه و مثنوی سیاسی در فضای انتخابات هستند: «بنده گفته‌ام و باز هم می‌گویم که آن کسانی که حتی نظام را قبول ندارند بیایند در انتخابات شرکت کنند، رأی بدهند»، همچنین، نظر ایشان درباره افرادی که از نظر حجاب با استانداردهای دینی تفاوت دارند. در آن سوی طیف، تلاش جدی وجود دارد با طرح مباحثی مانند خالص سازی، نوعی دوقطبی سازی را رقم بزند تا از مجال آن بتوانند فضای انتخابات را تحت تأثیر قرار دهند.

#### ۱۱- پایبندی به قانون اساسی

از نظر سیاسی، قانون اساسی هر کشور به عنوان نقطه اتفاق و اجتماع دیدگاه‌های مختلف است؛ بنابراین، پایبندی به این مقوله هم در مرحله تبلیغات و هم در مراحل بعدی از ضروریات است.

۱۲- عدم تخریب وجهه کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی فضای رقابت انتخاباتی عرصه نقد و ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌های کارگزاران و نهادهای مختلف است تا از این مجال آرای عمومی جلب گردد. از سوی دیگر، آنچه در اذهان به عنوان تصویر از یک جامعه و نظام سیاسی شکل می‌گیرد می‌تواند بخشی از هویت ملی افراد را سامان بخشد. بر این اساس، در فضای رقابت انتخاباتی در عین تلاش برای جلب آراء، باید مراقب تخریب چهره جامعه و کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی بود. به طور نمونه، برخی از نامزدها با هدف جلب آرای عمومی نسبت به سیاه‌نمایی از وضعیت اقتصادی جامعه اقدام می‌نمایند و از تعابیری مانند شاخص فلاکت و امثالهم برای نشان دادن وضعیت کشور در حوزه اقتصادی بهره می‌گیرند.

#### • توصیه‌های سیاستی

- ایجاد ابزارهای نظارتی برای مدیریت عملکرد نامزدها در ایام تبلیغات انتخابات: تجربه انتخابات گذشته نشان می‌دهد افراد مختلف از فضای انتخابات برای طرح مباحث ساختارشکن و وحدت‌ستیز بهره می‌گیرند و حین یا بعد از انتخابات نسبت به عملکرد خود در دوره تبلیغات مورد سؤال قرار نمی‌گیرند. در حالی که آثار اقدامات و مباحث ساختارشکن نامزدها طولانی‌مدت در فضای سیاسی و اجتماعی باقی می‌ماند؛ بنابراین، لازم است برای مدیریت این روند نسبت به نظارت بر عملکرد نامزدها در ایام تبلیغات سازوکار مناسبی طراحی و اجرا گردد.

هجمه قرار می‌گیرد. یکی از این گروه‌ها، رسانه‌های معاند هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم هویت ملی ایرانیان را هدف قرار داده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت رسانه‌های معارض هویت ملی ایرانیان از نظر هویتی «دیگر» به شمار می‌روند و نامزدهای انتخابات باید از ارتباط با آنها احتراز نمایند. هر چند از نظر برخی نامزدها ممکن است این اقدام به رأی‌آوری آنها کمک کند.

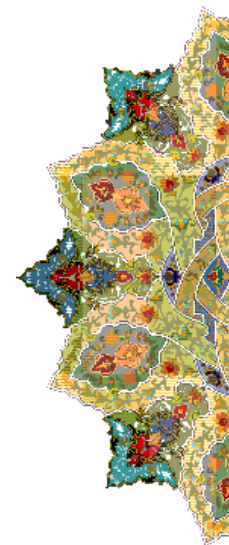
#### ۹- عدم همسویی با ادبیات تجزیه‌طلبان و قوم‌گرایا

هر چند ادبیات جریان‌های تجزیه‌طلب و قوم‌گرا در نگاه اول دارای تفاوت است؛ اما نتیجه هر دو رویکرد، بحران‌های هویتی خواهد بود؛ بنابراین، نامزدهای انتخابات باید ادبیاتی متمایز با ادبیات این دو گروه داشته باشند. با توجه به اینکه این دو گروه تلاش دارند ادبیات خود را از طریق عناصر مرتبط با دستگاه‌ها و نهادها مطرح نمایند، حساسیت موضوع برای رعایت از سوی نامزدهای انتخاباتی دوچندان می‌شود.

۱۰- خودداری از ایجاد قطب‌بندی‌های کاذب در سطح جامعه برخی از نامزدهای انتخاباتی و احزاب سیاسی به دلیل تفکر جناحی و محوریت‌یابی منفعت‌گرایی فردی و گروهی، به ایجاد و توسعه قطب‌بندی‌های کاذب در جامعه دست می‌زنند. رهبر معظم انقلاب نیز به آثار منفی این نوع دسته‌بندی در درون جامعه هشدار داده‌اند و تأکید نموده‌اند که دیگر هویتی ایرانیان، نظام سلطه و پیروان آن است؛ در واقع، اشکال اصلی

قانون اساسی هر کشور به عنوان نقطه اتفاق و اجتماع دیدگاه‌های مختلف است؛ بنابراین، پایبندی به این مقوله هم در مرحله تبلیغات و هم در مراحل بعدی از ضروریات است.

این اقدام، تعریف افراد و گروه‌های درون نظام به عنوان دیگر هویتی گروه دیگر و ایجاد شکاف در جامعه بر اساس یک امر غیرواقع و غیرحقیقی است. با توجه به تحولات سال گذشته در کشور، امکان و احتمال بروز قطب‌بندی کاذب حول مقوله حجاب وجود دارد؛ بنابراین، نامزدهای انتخابات در روند تبلیغات از ورود به این عرصه خودداری نمایند. از سوی دیگر، اخیراً بحث‌های پیرامون جمله «مملکت برای حزب‌اللهی‌هاست» در فضای سیاسی مطرح است. دو سر طیف بحث‌کننده درباره این جمله به نوعی در ایجاد انشقاق اجتماعی و تولید قطب‌بندی کاذب سهیم هستند. موافقان این جمله عملاً جامعه را به دو بخش حزب‌اللهی و غیرحزب‌اللهی تقسیم می‌کنند؛ در حالی که نگاه رهبر انقلاب در این زمینه





- تعیین و اعلام رسمی خطوط قرمز هویت و همبستگی ملی در تبلیغات: نامزدهای انتخابات می توانند ادعا نمایند که مرزی برای فعالیت آن‌ها در حوزه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تعریف نشده است و در صورت وجود این حدود مرز نسبت به رعایت آن اقدام می‌کردند؛ بنابراین، باید حدود فعالیت‌ها به دقت مشخص گردد. همان‌طور که اشاره شد، سیاست‌ها و قوانین این حوزه کلی است و از ورود به جزئیات خودداری نموده است؛ بنابراین، لازم است قانون‌گذار به‌طور دقیق‌تر خطوط قرمز این حوزه را مشخص نماید.

- توجیه نخبگان و عناصر سیاسی به‌ویژه نامزدها و نمایندگان مجلس نسبت به تبعات به‌کارگیری مفاهیم و روش‌های مورد استفاده جریان‌های مسئله‌دار و غیرهمسو مانند فدرالیسم و مقابله علمی با کاربرد این مفاهیم در ادبیات مطالعات هویتی در کشور.

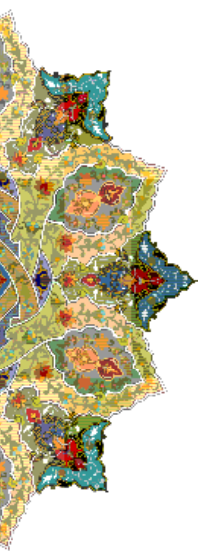
- ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش‌های عمومی و ترویج هنجارهای انتخاباتی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی و تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی سالم به منظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و بانشاط مردم و کمک به انتخاب اصلح (بند ۸ سیاست‌های کلی) با تأکید بر مسئله هویت ملی و صیانت از آن.

• **برآیند**

انتخابات به‌مثابه مظهر مردم‌سالاری و عامل وحدت‌بخش ملی می‌تواند در صورت رعایت چهارچوب‌های مختلف، عاملی برای ارتقاء وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هویتی کشور باشد. در این راستا، تبلیغات انتخابات به‌عنوان عرصه طرح و بحث رویکردها و نظرات برای جلب آراء، عرصه مهمی برای تثبیت یا تضعیف همبستگی ملی به‌شمار می‌رود. بر این اساس، برای ممانعت از کژکارکردی انتخابات لازم است بایسته‌هایی برای تبلیغات انتخاباتی تعیین نمود. در این گزارش، تلاش گردید با محوریت مقوله هویت ملی، آنچه از نظر هویتی می‌تواند تبلیغات انتخابات را در مسیر تقویت هویت و همبستگی ملی قرار دهد مورد بحث و بررسی قرار گیرد. آنچه از این بررسی حاصل گردید، توجه به عناصر و ارزش‌های ابعاد مختلف هویت ملی در تبلیغات انتخاباتی و دوری از اتخاذ رویکردها و نگاه‌های خاص گرایانه هویتی است.

**یادداشت**

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع).





# گام‌های مؤثر امیر کبیر در تأمین منافع ملی ایران

■ دکتر سالار سیف‌الدینی<sup>(۱)</sup>

## ● درآمد

گام‌هایی نیز در این مسیر برداشتند. میرزا تقی‌خان امیر کبیر، یکی از سرسخت‌ترین افراد این گروه از دولتمردان بود. در نهایت، در حکمرانی دوره قاجار علی‌رغم کوشش‌های دو قائم‌مقام و میرزا تقی‌خان، نظم و انضباطی حاصل نشد و بیشتر کارها قائم بر وجود افراد بود و اگر رجالی مانند قائم‌مقام و امیر کبیر در رأس کارها قرار می‌گرفتند، انضباطی حاصل می‌شد و در نبودن این رجال، نظام امور نیز از دست می‌رفت.

میرزا تقی‌خان امیر کبیر، از جمله مهم‌ترین رجال سیاسی عصر قاجار است که در سنت مکتب سیاسی تبریز با عباس میرزا همراه بود. در فاصله بین جنگ‌های اول ایران - روس تا پایان این نبردها و در نهایت، انعقاد معاهده ترکمانچای، گروهی از رجال سیاسی در دارالسلطنه‌ی تبریز به زعامت شاهزاده عباس میرزا گردهم آمدند تا به بررسی دلایل زوال سیاسی در ایران و چاره‌جویی بپردازند. میرزا عیسی قائم‌مقام (میرزای بزرگ)، قائم‌مقام فراهانی که از اطرافیان عباس میرزا بودند در این جرگه قرار داشتند و سپس امیر کبیر و سپه‌سالار نیز در ادامه این سنت به مقام وزارت رسیدند. قائم‌مقام فراهانی که خیال پاره‌ای اصلاحات در ساختار دولت داشت و برای نخستین بار از لزوم تفکیک قوا و نهاد سلطنت و حکومت سخن گفت، در نهایت به دستور محمدشاه قاجار (فرزند عباس میرزا) به قتل رسید و امیر کبیر نیز سرانجام با دسیسه‌ی درباریان به دستور ناصرالدین شاه کشته شد. سپه‌سالار

## ● توجه به منافع ملی در ساختار اداری

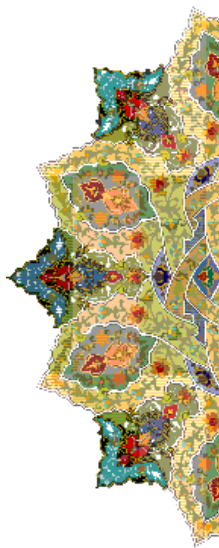
پژوهشگران تاریخ سیاسی ایران، ویژگی‌های متعددی برای وزارت کوتاه ولی مؤثر امیر کبیر و راهی که او برای اصلاح امور باز کرده بود بر شمرده‌اند. از آن جمله است: قانون‌گرایی، تقویت قدرت مرکزی از طریق مدیریت، اصلاح و سرکوب شورش‌های متعدد محلی، تمرکز بر تمامیت ارضی کشور و پیشگیری از هر نوع مداخله‌جویی کشورهای دیگر خاصه انگلیس و روسیه تزاری، تلاش برای تثبیت حاکمیت ایران بر مناطق جنوب خلیج فارس، توجه به تعیین خطوط مرزی برای جلوگیری از تجاوز دیگر کشورها، تأمین امنیت فراگیر راه‌ها، عدم اجازه دخالت به کشورهای دیگر، تقویت تعلق ملی با امتیاز دادن به ایرانیان در برابر خارجی‌ها در فعالیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، تقویت هویت ایرانی و ارزش دادن به ایرانیان در مقابل اتباع خارجی و دخالت سفارتخانه‌های خارجی در امور داخلی، حمایت از ایرانیان بازداشت‌شده در محاکم قضایی، عدم اجازه ورود اتباع سایر کشورها به ایران بدون داشتن تذکره و...<sup>(۲)</sup>

امیر کبیر در عرصه علم و دانش با حفظ هویت ملی ایرانیان کوشا بود. وی در پی یافتن پاسخ شکست‌ها و عقب‌ماندگی ایران به این نتیجه رسید که تأسیس دارالفنون در ایران را جایگزین اعزام محصل به فرنگ و یا تلاش‌های مشابه دیگر نماید.

نیز با فتنه‌ی سایر درباریان به دستور ناصرالدین شاه از سمت خود عزل شد. برخی از دولتمردان که به سمت وزارت نیز منصوب می‌شدند در اندیشه‌ی تجدد و انجام برخی اصلاحات در ساختار و تبدیل قدرت مطلقه شاه به قدرت مشروطه بودند. علاوه بر تحدید قدرت شاه، در این دوره نهاد سلطنت دیگر قادر به تأمین مصالح ملی کشور نبود و «وزارت» که پیشینه و تاریخچه‌ی طولانی در سیاست ایران داشت، تبدیل به نهادی شد که این نوع از مصالح عمومی را پیگیری می‌کرد و در تعقیب آن بود. گروهی از همین رجال در نهایت جان خود را بر سر این آرمان نهادند و البته

## ● تأسیس دارالفنون

با وقوع جنگ میان ایران و روس در دوره‌ی فتحعلی شاه و شکست‌های متعدد دربار قاجار، سؤالاتی در ذهن دولتمردان و نخبگان عرصه‌ی فرهنگ به وجود آمد که به دنبال یافتن پاسخ برای علت شکست‌ها برآمدند. عباس میرزا و قائم‌مقام وزیر باتدبیر







او پیش و بیش از دیگران به این امر اهتمام ورزیدند. تلاش‌های آن‌ها منجر به فرایند اعزام محصل به فرنگ شد. عدم توفیق ایرانیان در کسب نتایج مورد نظر از اعزام دانشجو، صدراعظم بعدی ایران امیر کبیر را وادار به اتخاذ رویکرد عملی دیگر در همین زمینه کرد. امیر کبیر در عرصه علم و دانش با حفظ هویت ملی ایرانیان کوشا بود. وی در پی یافتن پاسخ شکست‌ها و عقب‌ماندگی ایران به این نتیجه رسید که تأسیس دارالفنون در ایران را جایگزین اعزام محصل به فرنگ و یا تلاش‌های مشابه دیگر نماید. امیر به این نتیجه رسیده بود که یکی از علل عقب‌ماندگی و ناکامی ایران نسبت به اروپا، ضعف بنیهی صنعتی نظامی، فرهنگی و علوم و فنون در ایران است. از سوی دیگر امیر کبیر پس از سفر به روسیه متوجه نیاز فوری کشور به مرکز آموزش عالی گردید. لذا از ابتدای صادرات خود، برای ایجاد این مرکز تلاش کرد. ولی هیچ‌گاه شاهد افتتاح آن نشد؛ چرا که نخستین دسته از اساتید به سرپرستی دکتر یا کوب ادوارد پولاک، دو روز پس از دست‌گیری و تبعید امیر کبیر به تهران رسیدند و با استقبال گرمی مواجه نشدند.

در آغاز، در دارالفنون، دروس نظامی مانند پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، نیز به همراه مهندسی، پزشکی و جراحی، داروسازی و کانی‌شناسی تدریس می‌شدند. زبان فرانسه، علوم طبیعی، ریاضی، تاریخ و جغرافی، دروس مشترک همه رشته‌ها بود. بعدها زبان انگلیسی، روسی و نقاشی به آن‌ها افزوده شد.

برای اداره‌ی مدرسه، امیر کبیر در آغاز، استادان خارجی استخدام کرد. او که با سیاست دولت‌های فرانسه و انگلیس آشنا بود، دست‌نیاز به سوی آن‌ها دراز نکرد، بلکه به سراغ اتریشی‌ها رفت و شش استاد را برای شش سال با مقرری سالانه چهار هزار و چهارصد تومان استخدام کرد. در آغاز، زبان خارجی دارالفنون، فرانسه بود و بعدها روسی و انگلیسی هم تدریس می‌شد. معلمان زبان فرانسه، میرزا ملکم‌خان، میرزا آقا، میرزا جعفر، محمدحسن خان قاجار و میرزا محسن خان بودند. برخی از آن‌ها در فرانسه این زبان را آموخته بودند. همه رشته‌ها، تاریخ، جغرافی، ریاضی و زبان خارجه داشتند.

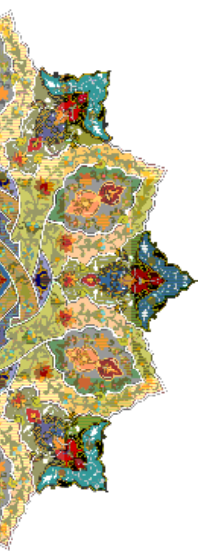
### ● امیر کبیر و راه‌آهن سراسری ایران

احداث راه‌آهن سراسری در ایران از طریق سرمایه‌گذاری خارجی نخستین بار در زمان امیر کبیر مطرح شد. اگرچه این طرح‌ها هیچ‌گاه از مرحله حرف‌فرا تر نرفت و دولت انگلیس تمایلی به سرمایه‌گذاری در این زمینه پیدا نکرد؛ اما از نظر نگاه تاریخی حائز اهمیت است. دلیل مخالفت بریتانیا با احداث

راه‌آهن سراسری در ایران به دو مسئله‌ی عمده بازمی‌گردد. نخست سیاست انگلیس درباره ایران که عبارت بود از عقب‌نگه‌داشتن و جلوگیری از نیرومندی آن و دوم دغدغه‌های ژئوپلیتیکی از مسیر راه‌آهن. از آنجا که بریتانیا یک قدرت دریایی به شمار می‌رفت همواره تحولات مهم روسیه که قدرت خشکی بود را در نظر داشت. احداث راه‌آهن سراسری روسیه در این مقطع که انتقال نیرو و تجهیزات از شرقی‌ترین منطقه اوراسیا به شرق اروپا را ممکن می‌ساخت، نگرانی‌های عمده‌ای در میان سیاستمداران انگلیسی برانگیخته بود و مکیندر نیز نظریه خود را در ارتباط با همین نگرانی گسترش داده بود. لرد کرزون از دوستان نزدیک مکیندر و از جمله مخالفان راه‌آهن سراسری ایران در زمان امیر کبیر بود. از نظر مکیندر در دوران «پسا کلمبو» چرخش توزان قوا به سمت قدرت خشکی

امیر کبیر با ویژگی‌های ضداستعماری، قانون‌گرایی، تلاش در عرصه علم و دانش با حفظ هویت ملی جزء مهم‌ترین رجال ملی ایران بود که در عصر قاجار و در تعطیلی منافع ملی که در نتیجه انحراف نهاد سلطنت از وظایف حاکمیتی حاصل شده بود، توانست پایه‌های تجدید بومی را مبتنی بر هویت ایرانی - اسلامی و با تأکید بر استقلال کشور از قدرت‌های سلطه‌جوی زمان پایه‌ریزی کند.

با کانون آسیا و تکیه بر راه‌آهن بود و خطوط ریلی نقش مهمی در قدرت ملی کشورها ایفا می‌کرد. هم‌زمان در ایران دوران قاجار نیز ایده‌هایی در مورد تأسیس راه‌آهن سراسری شکل گرفت و نخستین بار در دوره میرزا تقی‌خان امیر کبیر مطرح شد. شرزر<sup>(۳)</sup> مهندس اتریشی برای اولین بار نقشه راه‌آهن مرکزی ایران را پیشنهاد داد و آلتون<sup>(۴)</sup> فرانسوی نقشه راه‌آهن رشت به تهران را کشید. سررنالد استفانسون مهندس انگلیسی که طرح راه‌آهن سراسری آناتولی را کشیده بود، پیشنهاد کرد که دنباله آن راه‌آهن به ایران کشیده شود و به هندوستان پیوندد. او همان کسی بود که قبلاً نیز راه‌آهن غرب به شرق را طراحی کرده بود؛ اما هیچ‌یک از این نقشه‌ها به جایی نرسید. همه این ایده‌ها در نهایت با مخالفت بریتانیا مواجه و متوقف شد. انگیزه بریتانیا برای مخالفت با راه‌اندازی راه‌آهن سراسری ایران هم تابع رقابت با روسیه در راستای ممانعت از دسترسی آن کشور به هند بود و هم تابع سیاست این کشور در قبال ایران یعنی مخالفت با ترقی اجتماعی - اقتصادی و نیرومند شدن ایران در منطقه بود؛ زیرا پیشرفت ایران با منطبق سیاست استعماری در تضاد بود.





## ● امیر کبیر و ناوگان

### دریایی ایران

علاوه بر ایده راه آهن سراسری، تأسیس ناوگان دریایی جدید نیز از دغدغه‌های امیر کبیر بود. در دوره کریم خان زند به غیر از فتح بصره به دست صادق خان زند، برادر کریم خان که با کمک ۳۰ کشتی انجام گرفت گزارش دیگری در خصوص تحركات دریای ایران دیده نمی‌شود. آقا محمدخان قاجار نخستین کسی بود که در راستای تحکیم اقتدار سلسله قاجار در خلیج فارس برآمد؛ اما این ایده‌ها نیز با قتل وی ناکام ماند و تا زمان ناصرالدین شاه و امیر کبیر، توجهی به توسعه نیروی دریایی نشد. امیر کبیر در صدد خرید چهار کشتی جنگی بود و به همین خاطر وارد مذاکره با «شیل» وزیر مختار بریتانیا شد که تقاضای امیر کبیر با مخالفت شدید بریتانیایی‌ها همراه شد. بعدها ناصرالدین شاه به منظور توسعه نیروی دریایی، موفق به خرید یک کشتی ۶۵۰ تنی مجهز به چهار اراده توپ کروپ از آلمان گردید که نام آن را پرسپولیس گذارد. همچنین، کشتی کوچک دیگری نیز به نام شوش برای تردد و حفظ امنیت کارون خریداری شد. در زمان مظفرالدین شاه نیز چند کشتی کوچک (از جمله کشتی مظفری) به این ناوگان افزوده شد.

### ● سامان دهی به وضع قشون

در زمان عزل امیر کبیر طبق برخی نقل‌ها، ارتش ایران به ۱۳۷۲۴۸ نفر رسیده بود. تعداد هزار توپ داشت. در تهران و اصفهان به ترتیب ماهی ۱۰۰۰ و ۳۰۰ تفنگ ساخته می‌شد. میرزا تقی خان پس از اصلاح اقتصادی کشور مشغول اصلاحات نظامی شد؛ زیرا معتقد بود ارتش روح کشور است و کشوری قدرتمند خواهد بود که ارتش نیرومندی داشته باشد. امیر کبیر چون زمان عباس میرزای ولیعهد در آذربایجان سمت لشکر نویسی و پس از آن منشی‌گری نظام را بر عهده داشت و با هیئت‌های نظامی انگلیس و فرانسه آشنا بود، معتقد بود که باید دست به اصلاحات نظامی در ایران بزند. اصلاحات او شامل قوانین اخلاقی و تغییر در رفتار سربازان و عدم تعرض آنان به اموال و ناموس مردم، برقراری حقوق معین برای افسران و سربازان، تهیه لباس به سبک ارتش کشور اتریش، تهیه کتبی در ارتباط با فنون نظامی، بنای ساختمان‌های توپخانه و سربازخانه و استحکاماتی در شهرها و مراکز مهم بود.

امیر کبیر، مشق و دروس ارتشیان و تسلیحات آن‌ها و برکشیدن صاحب‌منصبان بی‌طرف و نهادن شغل و سمت در مقابل افراد و حذف مشاغل بی‌فایده در نظام سازمانی را پایه‌گذاری کرد. رسم بخشیدن مناصب بی‌شغل را برانداخت و معیار ترفیع صاحب‌منصبان،

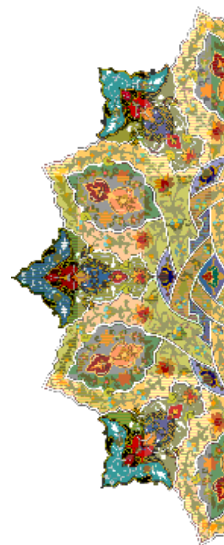
بخشی از این نگاه سیاستمداران وقت بریتانیا به مردم مشرق زمین را می‌توان در نامه وزیر مختار بریتانیا در ایران به لرد پالمستون (وزیر خارجه بریتانیا) در سال ۱۸۵۰ دید:

«صدسال دیگر باید بگذرد تا ایران فقیر و ناتوان و دولت و ملت سست و بی‌تهور و بی‌ابتکار آن شایستگی شرکت در نقشه راه آهن را پیدا کنند. ساختن راه آهن البته موجب افزایش قدرت ایران خواهد گشت، استعدادهاى آن را که تاکنون بر اثر فقر و نیازمندی و خمودگی خفته مانده، بیدار خواهد ساخت... از نظر نظامی ایجاد راه آهن ایران را به سرحدات هندوستان می‌رساند، ایرانی که قدرت و فعالیت آن با داشتن راه آهن خیلی بیشتر از نیروی فعلی آن خواهد بود... ویرانی و ناتوانی و وحشیگری، خصوصیات همه کشورهای هستند که در مغرب هندوستان واقع شده‌اند و همین خصوصیات است که عامل تحکیم قدرت انگلستان در سرزمین هند گردیده... البته دولتی در این صدد نیست که آن حالت عمومی جامعه‌های شرقی را تا ابد تثبیت کند و آنان را همیشه به همین وضع موجود نگاه دارد؛ اما هیچ تعهد اخلاقی هم ندارد که در برانداختن آن ویرانی و ناتوانی و فقر و وحشیگری تلاشی بکند.»<sup>(۵)</sup>

لرد کرزون و لرد پالمستون از جمله برجسته‌ترین کارگزاران سیاست خارجی بریتانیا در امور ایران بودند که تحت تأثیر اندیشه‌های مکیندر نیز قرار داشتند. دوستی و نزدیکی کرزون

میرزا تقی خان پس از اصلاح اقتصادی کشور مشغول اصلاحات نظامی شد؛ زیرا معتقد بود ارتش روح کشور است و کشوری قدرتمند خواهد بود که ارتش نیرومندی داشته باشد.

و مکیندر نشان می‌دهد که دستکم در خصوص تأثیر مستقیم اندیشه‌های وی بر کرزون اطمینان وجود دارد. کرزون که سه سال در ایران به عنوان دیپلمات ارشد بریتانیا حضور داشت، در کتاب دوجلدی ایران و قضیه ایران به‌طور مفصل به موضوع راه آهن سراسری و موانع اقتصادی، طبیعی و سیاسی آن از جمله کارشکنی‌های روسیه و ملاحظات عثمانی پرداخته است، بدون اینکه به موضوع مخالفت جدی بریتانیا با احداث راه آهن اشاره‌ای داشته باشد. ولی در نهایت، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که تأسیس راه آهن در کشوری مانند ایران اجتناب‌ناپذیر است. به هر حال سیاست‌های روس و انگلیس به‌ویژه کشور دوم تأثیر بسزایی در به تعویق افتادن مبانی توسعه ایران در عصر قاجار گذاشت. هر چند در این میان نباید از نقش کمبودهای داخلی نیز غافل بود و همه مسائل را به یک عامل خارجی تقلیل داد.





شایستگی ایشان گشت. او معمولاً صبح‌های زود برای سرکشی و نظارت به سربازخانه‌ها می‌رفت و به‌طور جداگانه از تک‌تک سربازان پرس‌وجو می‌کرد تا نحوه رفتار افسران با آن‌ها و همچنین، پرداخت حقوق آن‌ها را بررسی کند. آن‌ها موظف بودند تا تعلیمات نظامی تدریس کنند که چنین امری تا آن زمان بی‌سابقه بود. همچنین پزشکیانی را مسئول بررسی سلامت افراد تعیین کرده بود. او برای تأمین باروت ارتش تعدادی کارگاه تولید باروت در کشور ایجاد کرد از جمله در برغان و روستای ورده. او چندبار برای سرکشی به این کارگاه‌ها به این نقاط سفر کرد. مهمات‌سازی در زمان او رشد کرد و توپ‌ریزی و باروت‌سازی تبریز دوباره رونق گرفت. وضع لباس ارتش مرتب و منظم شد. به دستور وی لباس سربازان از پارچه ایرانی بود.

### ● امیر کبیر و سیاست خارجی

ضدیت با استعمار یکی از ویژگی‌های امیر کبیر بود. پس از معاهده‌ی ترکمانچای و جنگ‌های ایران و روس، کشور ایران عملاً در تنگنای سیاست‌های زیاده‌خواهانه‌ی روس و انگلیس قرار گرفت. هر یک از این دول استعماری مناسبات خود را در برابر قاجار ایجاد و از طریق عده‌ای در درون منافع خود را پیش می‌بردند. اوج این مداخلات در دوران ناصرالدین شاه قاجار و مصادف با صدارت امیر کبیر بود؛ بنابراین، امیر کبیر با سیاست‌های هر دو دولت به شدت مخالفت می‌کرد و علاوه بر آن، در اندیشه اصلاحات اساسی در نظام دیوانی و ارتش کشور بود. از سوی دیگر، وی مخالف جدی وارد کردن محصولات صنعتی از انگلستان به ایران بود.

امیر کبیر، دستگاه وزارت امور خارجه را توسعه داد. تأسیس سفارت‌خانه‌های دائمی در لندن و سن پترزبورگ، ایجاد کنسولگری در بمبئی، عثمانی و قفقاز، تربیت کادر برای وزارت امور خارجه و تنظیم دفتر اسناد سیاسی از کارهای اوست. امیر کبیر در زمینه سیاست خارجی، سیاست معروف به «سیاست موازنه منفی» را در پیش گرفت که براساس آن می‌گفت نه به روس امتیاز می‌دهیم، نه به انگلیس و نه به هیچ قدرت خارجی دیگر. سیاست موازنه منفی امیر کبیر، تنها یک‌بار خدشه‌دار شد و آن زمانی بود که در جریان حمله‌ی ترکمن‌ها در آشوراده، تعدادی سرباز روسی کشته و روس‌ها عزل حاکم مازندران را خواستار شدند و امیر کبیر به علت فشار روس‌ها، حاکم آنجا را عزل کرد. در این زمان انگلیسی‌ها از این ضعف حکومت مرکزی سود جستند و امتیاز نظارت بر کشتیرانی در جنوب را با ادعای مبارزه با تجارت برده کسب کردند که البته امیر کبیر در این قرارداد این قید را گنجانده که به هنگام نظارت باید ناظران ایرانی حضور داشته باشند. امیر کبیر برای تضعیف قدرت و

نفوذ روس و انگلیس در ایران، می‌خواست نگاه فرانسه و در زمانی، امریکارابه ایران جلب کند؛ لذا یک قرارداد سفارت کنسولگری و یک قرارداد در زمینه کشتیرانی با امریکا منعقد کرد.

### ● برآیند

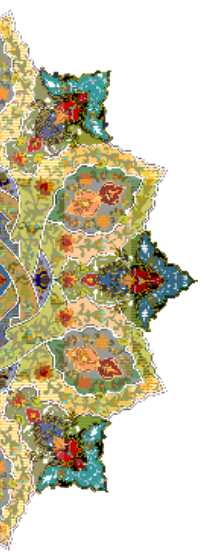
امیر کبیر با ویژگی‌های ضد استعماری، قانون‌گرایی، تلاش در عرصه علم و دانش با حفظ هویت ملی جزء مهم‌ترین رجال ملی ایران بود که در عصر قاجار و در تعطیلی منافع ملی که در نتیجه انحراف نهاد سلطنت از وظایف حاکمیتی حاصل شده بود، توانست پایه‌های تجدد بومی را مبتنی بر هویت ایرانی-اسلامی و با تأکید

سیاست‌های روس و انگلیس به‌ویژه کشور دوم تأثیر بسزایی در به تعویق افتادن مبانی توسعه ایران در عصر قاجار گذاشت. هر چند در این میان نباید از نقش کمبودهای داخلی نیز غافل بود و همه مسائل را به یک عامل خارجی تقلیل داد.

بر استقلال کشور از قدرت‌های سلطه‌جوی زمان پایه‌ریزی کند. هر چند اندیشه‌ها و طرح‌های امیر کبیر در زمینه مشروطه‌خواهی با شهادت وی نیمه‌کاره ماند؛ اما این تأملات در دوره‌های بعدی اثر خود را در محدود کردن قدرت شاه به‌جا گذاشت و بسیاری از این آمال در انقلاب مشروطه به تحقق پیوست. خط‌مشی مهم وی در زمینه‌ی سیاست خارجی که عبارت بود از موازنه‌ی منفی یعنی امتیاز ندادن به هیچ‌یک از قدرت‌های زمان نیز در تحولات فکری بعدی به‌ویژه نهضت ملی شدن صنعت نفت تأثیر گذار بود. تأسیس دارالفنون به‌عنوان نخستین دانشگاه جدید در ایران، ریشه بسیاری از تحولات علمی بعدی شد و موجب پرورش نسل جدیدی از علما گردید. امیر کبیر در ادامه‌ی سنت عباس میرزا و قائم مقام فراهانی مهم‌ترین تحولات بعدی را رقم زد و قتل وی موجب بدنام شدن درباریان فاسد و آگاهی مردم در خصوص نقش مخرب دربار به‌ویژه مداخله در امور سیاسی گردید.

### یادداشت‌ها

- ۱- دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- تبیین الگوی مفهومی حکومت‌داری امیر کبیر، مریم شمش لاورجانی و همکاران، فصلنامه علمی *تاریخ ایران و اسلام*، ۱۳۹۹، ص: ۱۴۶.
- 3- Scherzer.
- 4- Alleon.
- ۵- فریدون آدمیت، *اندیشه ترقی و حکومت قانون*، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵. ص: ۳۳۶





# جایگاه زبان فارسی در وب جهانی

■ دکتر فائزه قاسمی<sup>(۱)</sup>

## ● درآمد

کشورها و فرهنگ‌های گوناگون برای بیشینه‌سازی نفوذ نرم خود روش‌های پیچیده‌تری به کار می‌گیرند. علاوه بر این، زبان‌ها به‌شدت با قدرت سیاسی درهم‌تنیده‌اند. تسلط یک زبان می‌تواند نفوذ اقتصادی و سیاسی را تسهیل کند و همچنین، روابط بین‌المللی را شکل دهد. از لحاظ تاریخی، قدرت‌های بزرگ به دنبال ترویج زبان‌های خود به‌عنوان ابزار برای اثبات تسلط در صحنه جهانی بوده‌اند. گسترش زبان‌های فرانسوی یا انگلیسی در دوره‌های اخیر نمونه بارز آن است.

سهم بالاتر برای یک زبان در وب نه تنها نشانه زنده بودن و میزان فراگیری آن زبان است، بلکه نشانه‌ای از توسعه وب و صنایع و توانایی‌های وابسته به آن نیز محسوب می‌شود. ظهور اینترنت و گسترش شبکه جهانی وب، انقلابی در نحوه انتشار، دسترسی و به اشتراک‌گذاری مطالب ایجاد کرده و به گسترش دیده‌شدن زبان‌های متعدد در فضای جهانی کمک کرده است. وب به فضای مجازی تبدیل شده است که در آن زبان‌ها برای دیده شدن، نفوذ و بازنمایی رقابت می‌کنند. موقعیت زبان‌های مختلف در اینترنت بازتابی از قدرت فرهنگی و سیاسی آن‌هاست.

آمار دقیق در مورد موقعیت زبان‌ها در وب، بینش‌هایی را در مورد پویایی آن‌ها ارائه می‌دهد. از سال ۲۰۲۱، زبان انگلیسی همچنان بر اینترنت تسلط دارد و حدود ۲۵ درصد از کل محتوای وب را تشکیل می‌دهد. زبان چینی با تعداد زیاد چینی‌زبان‌ها در دنیا، در رتبه بعدی قرار می‌گیرد و تقریباً ۱۹ درصد از محتوای آنلاین را تشکیل می‌دهد. سایر زبان‌های برجسته عبارت‌اند از: اسپانیایی با ۸ درصد، عربی با ۴/۸ درصد و روسی با ۴/۱ درصد.

عصر دیجیتال پویایی‌های جدیدی را به منصف ظهور رسانده است و تسلط سنتی برخی زبان‌ها را به چالش می‌کشد. اقتصادهای نوظهور مانند چین و هند منجر به افزایش حضور زبان ماندارین (زبان رسمی چین) و هندی در وب شده است.

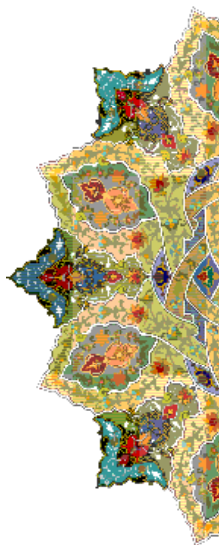
ماندگاری و پویایی یک زبان را استفاده‌ی آن از راهبردهای به‌روز، تنومندی فرهنگی که آن زبان را حمل می‌کند و حتی قدرت سیاسی که پشت آن قرار دارد مشخص می‌کند. در جهان امروز که رقابتی ناگفته میان فرهنگ‌ها و زبان‌ها برای به دست آوردن نفوذ بیشینه و توان و قدرت نرم در جریان است، هر زبانی برای پایداری خود نیازمند سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی کارآمد است. در این نوشتار، افزون بر کاوش در سیاست‌های زبانی برخی کشورهای قدرتمند به‌ویژه در رقابت درون وب، به جایگاه زبان فارسی در وب جهانی و شرایط پیش روی آن پرداخته می‌شود.

## ● زبان‌ها و رقابت فرهنگی

زبان ابزار قدرتمندی است که چشم‌انداز فرهنگی و سیاسی ملت‌ها را شکل می‌دهد. نه تنها ارتباطات را تسهیل می‌کند، بلکه نقش مهمی در تعریف هویت، نفوذ و دسترسی یک کشور به فرصت‌های جهانی ایفا می‌کند. در عصر دیجیتال،

در جهان امروز که رقابتی ناگفته میان فرهنگ‌ها و زبان‌ها برای به دست آوردن نفوذ بیشینه و توان و قدرت نرم در جریان است، هر زبانی برای پایداری خود نیازمند سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی کارآمد است.

شبکه جهانی وب به یک پلتفرم برجسته تبدیل شده است که در آن زبان‌ها برای برجستگی رقابت می‌کنند که منعکس‌کننده پویایی در حال تحول قدرت فرهنگی و سیاسی است. تأثیر زبان‌ها بر قدرت فرهنگی و سیاسی کشورها با تمرکز بر موقعیت آن‌ها در وب می‌تواند به درک بسیاری از سیاست‌های فرهنگی دولت‌ها در سال‌های اخیر کمک کند. در حالی که در گذشته، قدرت نظامی و امنیتی مهم‌ترین معیار برای توان یک کشور در سامان بین‌المللی بود، امروزه





رشد سریع کاربران اینترنت در این کشورها، همراه با ابتکارات دولت برای ترویج زبان آن‌ها، باعث صعودشان شده است.

علاوه بر این، تلاش‌های بومی‌سازی شرکت‌های چندملیتی نقش مهمی در شکل‌دهی چشم‌انداز زبان در وب دارد. شرکت‌ها اهمیت ارائه خدمات به بازارهای محلی را می‌شناسند و در خدمات ترجمه و بومی‌سازی برای دستیابی به مخاطبان با اهمیت روزافزون اینترنت و شبکه جهانی وب، کشورها به اهمیت افزایش حضور زبانی خود برای حفظ نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پی برده‌اند.

گسترده‌تری سرمایه‌گذاری می‌کنند. این امر منجر به افزایش دید زبان‌هایی مانند اسپانیایی، عربی و روسی شده است که نشان‌دهنده نفوذ اقتصادی و فرهنگی روبه‌رشد مناطقی است که این زبان‌ها در آن صحبت می‌شوند.

چندین کشور برای تقویت قدرت فرهنگی و سیاسی خود سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در این زمینه انجام می‌دهند. به عنوان مثال، چین ابتکاراتی مانند طرح اقدام «اینترنت پلاس» و ترویج زبان ماندارین به عنوان زبانی با اهمیت جهانی را اجرا کرده است.

کشور چین فعالانه برای بهبود حضور و نفوذ زبان خود، در درجه اول ماندارین (چینی استاندارد)، در میان سایر زبان‌ها در وب جهانی تلاش کرده است. این تلاش بخشی از استراتژی گسترده‌تر چین برای ترویج فرهنگ، زبان و قدرت نرم خود در سراسر جهان است. چین این هدف را با استفاده از چندین راه دنبال می‌کند:

۱- برنامه‌های ترویج ماندارین: دولت چین برنامه‌های مختلفی را برای ترویج یادگیری زبان ماندارین در سراسر جهان ایجاد کرده است. به عنوان مثال، مؤسسه کنفوسیوس، دوره‌های زبان چینی و برنامه‌های فرهنگی را در بسیاری از کشورها ارائه می‌دهد و علاقه به ماندارین را تقویت می‌کند.

۲- دوره‌های زبان آنلاین: چین پلتفرم‌های آنلاین را برای یادگیری ماندارین ایجاد و ترویج کرده است و دسترسی افراد در سراسر جهان به منابع یادگیری زبان را آسان‌تر می‌کند. وبسایت‌ها، برنامه‌ها و پلتفرم‌های ویدیویی، درس‌های زبان و محتوای فرهنگی ارائه می‌دهند.

۳- محلی‌سازی محتوا: شرکت‌های چندرسانه‌ای چینی با تولید محتوای ویدئویی و نوشتاری در وب به زبان چینی، به گسترش حضور این زبان در وب جهانی کمک می‌کنند.

۴- نویسه‌ها و فونت‌های چینی: چین فونت‌ها و مجموعه کاراکترهای استانداردشده را توسعه داده است تا استفاده از حروف چینی در وب را برای افراد غیرچینی آسان‌تر کند. این کار برای حفظ خوانایی و قابلیت استفاده وبسایت‌ها به چندین زبان مهم است.

۵- ادبیات و انتشارات: چین ترجمه و انتشار ادبیات چینی و آثار دانشگاهی به زبان‌های مختلف را ترویج می‌کند، آن‌ها را در فضای وب گسترش می‌دهد و از این طریق دسترسی به زبان چینی در وب را بهبود می‌دهد.

۶- انجمن‌های آنلاین: برخی گروه‌های چینی در فضای آنلاین مورد حمایت قرار می‌گیرند که در آن غیرچینی‌زبان‌ها می‌توانند با افراد بومی تعامل داشته باشند، مهارت‌های زبانی را تمرین کنند و بینش‌های فرهنگی را مبادله کنند.

### ● استراتژی‌هایی برای بهبود حضور زبان در وب جهانی

با اهمیت روزافزون اینترنت و شبکه جهانی وب، کشورها به اهمیت افزایش حضور زبانی خود برای حفظ نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پی برده‌اند. در ادامه چند استراتژی معرفی می‌شود که کشورها برای بهبود وضعیت زبان خود در وب جهانی اجرا کرده‌اند:

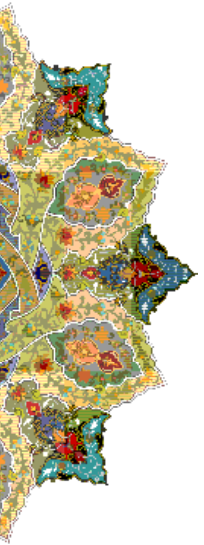
۱- ترویج و آموزش زبان: بسیاری از کشورها کمپین‌های ترویج زبان را برای تشویق استفاده از زبان‌های ملی خود به صورت آنلاین آغاز کرده‌اند. دولت‌ها در برنامه‌های

**کشورها از دارایی‌ها و میراث فرهنگی خود برای تقویت حضور زبانی‌شان در وب استفاده می‌کنند.**

آموزش زبان، با تأکید بر سواد دیجیتال و تشویق شهروندان به ایجاد و مصرف محتوا به زبان ملی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. هدف این ابتکارات حفظ میراث فرهنگی و گسترش دامنه دسترسی زبان در وب است.

۲- بومی‌سازی: بومی‌سازی شامل تطبیق محتوای دیجیتال با زمینه‌های زبانی و فرهنگی خاص است. کشورها در ترجمه پلتفرم‌ها، وبسایت‌ها و برنامه‌های کاربردی آنلاین محبوب به زبان ملی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند تا آن‌ها را برای شهروندان خود در دسترس‌تر کنند. استفاده از زبان‌های متنوع به ملت‌های مختلف امکان می‌دهد حضور خود در اینترنت را حفظ کنند و زبان ملت‌های مختلف در برابر هجوم زبان‌های مسلط جهان حفظ شود.

۳- همکاری با شرکت‌های فناوری: دولت‌ها برای توسعه





## برنامه‌های آموزش زبان

کره‌ای حمایت کرده و منابع و آموزش

معلمان کره‌ای را به‌عنوان یک زبان خارجی فراهم کرده است. مؤسسات زبان کره‌ای، معروف به «مؤسسه کینگ سجونگ» در کشورهای متعددی در سراسر جهان تأسیس شده‌اند و دوره‌های زبان کره‌ای را برای افراد غیربومی ارائه می‌دهند. به‌این ترتیب، نرخ کسانی که در وب جهانی از زبان کره‌ای برای آموزش، جست‌وجوی برخط و مانند آن استفاده می‌کنند، افزایش قابل توجهی یافته است. این فعالیت‌ها در کنار سیاست ساخت و بهبود فناوری‌های آموزشی زبان در وب جهانی، به کره جنوبی در بهبود وضعیت زبان خود در وب جهانی کمک کرده است.

## ● جایگاه زبان فارسی در وب جهانی

زبان فارسی در ایران، افغانستان، تاجیکستان و سایر مناطق فارسی‌زبان، دارای پیشینه و اهمیت فرهنگی غنی است. برای سده‌ها این زبان زبان دانش، فرهنگ و سیاست در بسیاری از مناطق همجوار ایران بوده که همین امر به پویایی آن کمک شایانی کرده است. از دهه ۷۰ خورشیدی، ظهور اینترنت و افزایش تعداد افراد فارسی‌زبان با دسترسی به پلتفرم‌های دیجیتال منجر به افزایش قابل توجه محتوای فارسی در وب شده است. فارسی‌زبانان اینترنت را به‌عنوان ابزاری برای بیان، ارتباط و تولید محتوا پذیرفته‌اند که نتیجه آن افزایش قابل توجه وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها، حساب‌های رسانه‌ای اجتماعی و انجمن‌های آنلاین فارسی‌زبان است.

در سال‌های دهه ۹۰ خورشیدی، رشد چشمگیر استفاده از زبان فارسی در وب جهانی، افزون بر بهبود جایگاه و ضریب نفوذ فرهنگی ایران، چشم‌انداز مناسبی برای بهبود بسترهای آموزش و گسترش زبان فارسی در فضای فرابومی و فرامنطقه‌ای فراهم کرده بود.

این گسترش به فارسی‌زبانان امکان داده است که دیدگاه‌ها، دانش و میراث فرهنگی خود را با مخاطبان جهانی بیشتری به اشتراک بگذارند.

ترجمه آثار ادبی فارسی، بحث در مورد ادبیات فارسی و در دسترس بودن مجموعه‌های شعر فارسی به‌صورت آنلاین به انتشار گنجینه‌های ادبی فارسی در سراسر جهان کمک کرده است. همچنین، فارسی بدون ده‌ها میلیون کاربر اینترنت

ابزارها و منابع خاص زبان با شرکت‌های فناوری همکاری می‌کنند. هدف این همکاری بهبود فناوری‌های پردازش زبان از جمله ترجمه ماشینی، تشخیص صدا و پردازش زبان است. کشورها می‌توانند با مشارکت با شرکت‌های فناوری، کیفیت خدمات و ابزارهای مرتبط با زبان موجود در وب را افزایش دهند. ۴- توسعه زیرساخت دیجیتال: کشورها برای اطمینان از دسترسی گسترده به اینترنت و تشویق استفاده از زبان به‌صورت برخط، در زیرساخت‌های دیجیتال سرمایه‌گذاری می‌کنند. این امر شامل گسترش اتصال باند پهن، بهبود سرعت

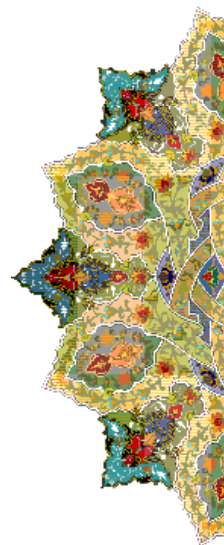
دولت‌ها در برنامه‌های آموزش زبان، با تأکید بر سواد دیجیتال و تشویق شهروندان به ایجاد و مصرف محتوا به زبان ملی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند.

شبکه و کاهش شکاف دیجیتال است. با در دسترس تر کردن اینترنت، کشورها می‌توانند تعداد کاربرانی را که می‌توانند محتوا را به زبان ملی خود مشارکت دهند، افزایش دهند.

۵- دیپلماسی فرهنگی: کشورها از دارایی‌ها و میراث فرهنگی خود برای تقویت حضور زبانی‌شان در وب استفاده می‌کنند. آن‌ها برای ماندگاری هنرهای سنتی، ادبیات، موسیقی و رویدادهای فرهنگی خود با کشورهای هم‌زبان‌شان در وب جهانی همکاری می‌کنند. کشورهایی مانند چین و هند با درک اهمیت زبان در شکل‌دهی هویت فرهنگی، رشد اقتصادی و قدرت سیاسی، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی برای تقویت حضور زبانی خود در وب انجام می‌دهند.

همچنین، دولت‌سئول در سال‌های گذشته تلاش‌های تازه‌ای برای نفوذ فرهنگی خود در سراسر جهان از طریق کی‌پاپ و یا فیلم‌ها و سریال‌های کره‌ای آغاز کرده است. دولت فعالانه از برنامه‌های تبادل فرهنگی مانند کنسرت‌های کی‌پاپ، جشنواره‌های فیلم کره‌ای و اجراهای فرهنگی سنتی حمایت می‌کند تا غنای فرهنگ کره‌ای را برای مخاطبان بین‌المللی به نمایش بگذارد. این ابتکارات به محبوبیت جهانی سرگرمی‌های کره‌ای، از جمله موسیقی کی‌پاپ، درام‌های کی و فیلم‌های کره‌ای کمک کرده است که طرفداران قابل توجهی در سراسر جهان به دست آورده‌اند و منجر به افزایش احساس رضایت مردم کره از فرهنگ خودشان و بالا رفتن غرور ملی کره‌ای‌ها شده است.

کره جنوبی ابتکارات مختلفی را برای ترویج زبان کره‌ای در سطح داخلی و بین‌المللی اجرا کرده است. دولت فعالانه از





و جامعه‌ی قدرتمندی از برنامه‌نویسان، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان و تولیدکنندگان فکر و محتوا نمی‌توانست جایگاه مناسبی در وب جهانی داشته باشد.

ایران با همراهی افغانستان و تاجیکستان به‌عنوان دو کشور دیگر فارسی‌زبان، طی دهه ۹۰ خورشیدی، پیشرفت چشمگیر و مناسبی در وب جهانی برای زبان فارسی رقم زد که این امر نشان‌دهنده ذوق فارسی‌زبانان برای انتشار به زبان فارسی است. سال ۱۳۹۷ زبان فارسی بارشد چشمگیر به رتبه یازدهمین زبان پرطرفدار وب دست یافت. براساس گزارش (۲) W3Tech نوامبر سال ۲۰۱۷ زبان فارسی به یازدهمین زبان پرکاربرد در وب رسید و ۱/۷ درصد از کل وب‌سایت‌های دنیا به زبان فارسی بودند. این رشد در حالی بود که فارسی یک رتبه بالاتر از زبان ترکی و پنج رتبه بالاتر از زبان عربی قرار داشت و به‌این ترتیب، محبوب‌ترین زبان منطقه غرب آسیا و خاورمیانه در شبکه جهانی وب محسوب می‌شد.

در سال ۱۴۰۰، دبیر شورای اجرایی فناوری اطلاعات کشور با انتشار توییتی، از افزایش سهم زبان فارسی در محتوای وب خبر داد و اعلام کرد که محتواهای فارسی‌زبان ۴/۳ درصد کل محتوای وب را تشکیل می‌دهند. سهم زبان فارسی از محتوای وب به ۳/۴ درصد رسید. زبان فارسی بعد از انگلیسی، روسی، ترکی، اسپانیایی در جایگاه پنجم قرار گرفت. این در حالی است که در ابتدای سال ۲۰۱۴ (دی‌ماه ۱۳۹۲) زبان فارسی تنها ۰/۸ درصد از وب را تشکیل می‌داد و در جایگاه چهاردهم بود.

رشد سرعت و گسترش دسترسی به اینترنت، بهبود پهنای باندهای اینترنت در کنار بنیه قوی فرهنگی و علمی زبان فارسی و همچنین، سیاست‌گذاری کشور برای توسعه خدمات و اطلاع‌رسانی مبتنی بر وب را می‌توان از مهم‌ترین عوامل این پیشرفت به حساب آورد. از سوی دیگر، در مرداد ۱۴۰۰ اعلام شد که سه سایت دیجی کالا، آپارات و ورزش سه در فضای مجازی و همچنین، افزایش ضریب نفوذ تلفن همراه در سال‌های گذشته، دلایل رشد زبان فارسی بوده‌اند و در گزارش آن زمان W3Tech این سه سایت در صدر وب‌سایت‌های فارسی پرریننده قرار داشتند.

با این همه، این رشد دیری نپایید و به دلایل گوناگونی که در ادامه می‌آید، نه تنها بهبود جایگاه زبان فارسی متوقف شد، بلکه حتی به رتبه‌های پایین‌تر هم رفت. به این صورت، زبان فارسی در دنیای مجازی کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد؛

تاجایی که به گواه آمار وبگاه منتشرکننده جایگاه زبان‌ها در وب جهانی، سهم زبان فارسی در فضای وب در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال پیش از آن، از ۲/۶ درصد به ۱/۶ درصد کاهش یافته است.

در سال ۲۰۲۳ و طبق آخرین آماری که از وب‌سایت W3Tech گرفته شده، ایران در جایگاه یازدهم قرار گرفته است.

جدول ۱. جایگاه زبان‌ها در وب جهانی در سال ۲۰۲۳

زبان	درصد
انگلیسی	۵۳٪
اسپانیایی	۵/۴٪
روسی	۴/۶٪
آلمانی	۴/۶٪
فرانسه	۴/۳٪
ژاپنی	۴/۱٪
پرتغالی	۳٪
ایتالیایی	۲/۲٪
ترکی	۲/۲٪
داچ/ فلیمیش	۱/۷٪
فارسی	۱/۶٪

فعالان و کارشناسان اینترنت و انجمن تجارت الکترونیک ایران دلیل‌های گوناگونی برای پایین رفتن رتبه زبان فارسی در وب جهانی مطرح کرده‌اند: سیاست‌های اینترنتی دولت، افزایش تحریم‌های خارجی، اختلال ترافیک بین‌المللی، ایران اکسس شدن (دسترسی صرف به سایت‌های ایرانی در داخل خاک ایران) از جمله دلایل کاهش جایگاه زبان فارسی در یکی دو سال گذشته بوده است. در میان این دلایل، انجمن تجارت الکترونیک ایران بر تأثیر مسئله «ایران اکسس» شدن وبگاه‌های ایرانی بر کاهش نقش جایگاه زبان فارسی در وب جهانی تأکید دارد.

### ● برآیند

زبان‌ها تأثیر عمیقی بر قدرت فرهنگی و سیاسی کشورها دارند. در عصر دیجیتال، شبکه جهانی وب به میدان نبردی تبدیل شده است که در آن زبان‌ها برای دیده شدن و نفوذ رقابت می‌کنند. درک پویایی موقعیت زبان در وب، بینش‌های ارزشمندی را در مورد چشم‌انداز در حال تحول قدرت فرهنگی و سیاسی ارائه می‌دهد.





جایگاه در حال تغییر است

و زبان فارسی چند پله سقوط را تجربه کرده است. نیاز است کارشناسان حوزه اینترنت، علاوه بر بحث‌های مربوط به امنیت دیجیتال، به حوزه‌های فرهنگی، هویتی و سیاسی در زمینه اینترنت هم توجه داشته باشند و دغدغه‌های علاقه‌مندان به زبان فارسی را نیز مدنظر قرار دهند.

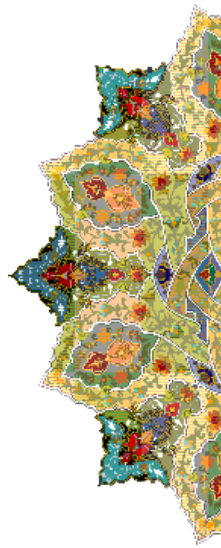
### یادداشت‌ها

۱- دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران.

2- [https://w3techs.com/technologies/overview/content\\_language](https://w3techs.com/technologies/overview/content_language).

تسلط انگلیسی‌ها همچنان ادامه دارد؛ اما ظهور اقتصادهای نوظهور و تلاش‌های محلی‌سازی شرکت‌های چندملیتی، وضعیت موجود را به چالش می‌کشد. کشورهای مختلف تلاش می‌کنند با سیاست‌های زبانی، به حفظ و افزایش قدرت زبان‌هایشان کمک کنند. در فضای جهانی شده کنونی، زبان‌هایی چون ماندارین، اسپانیایی، هندی، پرتهالی و روسی و عربی به دنبال آن هستند که جایگاه خود را در وب جهانی حفظ کنند.

در سال‌های دهه ۹۰ خورشیدی، رشد چشمگیر استفاده از زبان فارسی در وب جهانی، افزون بر بهبود جایگاه و ضریب نفوذ فرهنگی ایران، چشم‌انداز مناسبی برای بهبود بسترهای آموزش و گسترش زبان فارسی در فضای فرابومی و فرامنطقه‌ای فراهم کرده بود. متأسفانه از دو سال گذشته این







# ایثار اجتماعی؛ به مثابه مبانی تولید انرژی عاطفی، سرمایه اجتماعی و انسجام جمعی

■ دکتر داوود میرمحمدی<sup>(۱)</sup>

## ● درآمد

ایثار یک فضیلت اخلاقی است که در مقابل استثثار قرار دارد. نظام اجتماعی هر جامعه متشکل از ارزش‌هایی است که بنیان اصلی نظام فرهنگی و هویتی آن جامعه را شکل می‌دهند. اهمیت و جایگاه این ارزش‌ها به گونه‌ای است که هر ملت، هویت و حیات اجتماعی و سیاسی خود را در پایبندی و احترام به آن‌ها و جامعه‌پذیری و انتقال کامل آن به نسل‌های آینده می‌داند. فرهنگ ایثار اجتماعی و از خودگذشتگی یکی از این ارزش‌هاست که در تمام جوامع دارای جایگاه ویژه و مرتبه خاص و به‌عنوان یک فرهنگ رشدیافته و مترقی، جزء برترین مفاهیم و والاترین ارزش‌هایی است که یک فرد متعهد و پایبند به ملاک‌های انسانی و اخلاقی می‌تواند به آن مقام دست یابد. ایثارگر اجتماعی منافع جمعی را بر منافع شخصی برتری می‌دهد و نسبت به مشکل‌همنوع احساس مسئولیت می‌کند. با ترویج فرهنگ ایثار در جامعه می‌توان وجدان کاری افراد و استحکام روابط بین‌فردی را بالا برد. از سوی دیگر، توجه به مفهوم ایثار و فداکاری و مقوله‌هایی از این‌سنگ به معنای ارج نهادن و زنده نگه‌داشتن مفهوم انسانیت و فضایل انسانی و اخلاقی در فضایی است که به دلیل تأثیر اندیشه‌های فردگرایانه و کثرت‌گرایانه ناشی از تسلط نگاه مادی‌گرایانه و انسان‌مدارانه افراطی، حقیقت انسان و هدف غایی خلقتش به دست فراموشی سپرده می‌شود. بعد اجتماعی ایثار ناظر به رفتارهای ایثارگرایانه‌ای می‌شود که فرد در ارتباط با خانواده، بستگان، دوستان و سایر افراد و گروه‌ها و همه کسانی که به‌نوعی با آن‌ها مرتبط است انجام می‌دهد. بعد اجتماعی ایثار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، با امور اقتصادی و مادی زندگی نیز ارتباط پیدا می‌کند. ایثار اجتماعی به‌عنوان یک مؤلفه دگرخواهانه، یکی از عوامل ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی است که از نتایج آن می‌توان به احساس تعلق، وفاداری، تعهد و اعتماد عمومی اشاره کرد.

اینکه شهروندان در شرایطی که دیگران نیازمند حمایت نظیر اهدای عضو، نجات جان آنان از سیل، زلزله، آتش‌سوزی و... هستند از خودگذشتگی نشان می‌دهند و یا در شرایط اضطرار، بحران یا جنگ از جان، مال یا آسایش خود برای هم‌نوعان خود می‌گذرند، دلیل بر وجود پدیده‌ای به نام ایثار در میان مردم یک جامعه است. در این مقاله تلاش می‌شود ضمن بررسی و تحلیل مقوله‌ی ایثار اجتماعی از دریچه‌های مختلف مفهومی و نظری، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ایثار اجتماعی را استخراج نموده و کارکرد و تأثیر آن را در تولید سرمایه اجتماعی و انسجام جمعی تبیین نماییم. سؤال این است که چه نسبت و رابطه‌ای میان ایثار اجتماعی، تقویت روابط عاطفی، سرمایه اجتماعی و انسجام ملی وجود دارد؟ رویکرد مقاله کیفی، روش تحقیق و تدوین توصیفی و تکنیک مورد استفاده «اسنادی و تاریخی» است.

## ● مفهوم‌سازی ایثار اجتماعی و مؤلفه‌های آن

ایثار از جمله فضایل اخلاقی است که عمل به آن علاوه بر ارتقای فرد و کمک به حل بسیاری از مسائل اجتماعی، موجب تعالی جامعه نیز خواهد شد؛ لذا ضرورت پرداختن به آن از بعد فردی و اجتماعی اهمیت فراوانی داشته و موجب تضمین سلامت روابط انسانی، استحکام بخشی به روابط اجتماعی و جامعه بشری خواهد شد. به همین دلیل، همه مصلحان اجتماعی و ادیان الهی و به‌ویژه دین اسلام این دغدغه را دارند که آن را به‌منزله یک بینش و تفکر اجتماعی در سطح اجتماعی ترویج دهند. از جنبه‌های اساسی و اجتماعی بودن یک پدیده و رفتار و یا ارزش، آن است که جمع‌کثیری را متأثر می‌سازد و تعداد قابل توجهی از مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گاهی دامنه یک ارزش چنان محدود و تنگ است که صرفاً چند فرد و یا گروه بسیار کوچک را تحت شمول خود قرار می‌دهد؛ اما برخی ارزش‌ها از چنان





و جمعی است و عملی که در راستای صیانت آشکار فرد باشد، عملی اخلاقی تلقی نمی‌گردد؛ اما اگر اعمالی که در راستای گسترش و تکامل وجود فرد باشد، تأثیرات سودمندی برای کسان دیگری غیر از خود فرد نیز داشته باشند، عمل اخلاقی محسوب می‌شوند.

مزیدی (۱۳۸۹) در نظریه اشتیاق خود که برگرفته از آیات قرآن است (عنکبوت: ۶۲)، عمل خیر را جزء فطرت انسان می‌داند و معتقد است انسان موجودی است که فطرتاً گرایش و اشتیاق به عمل و رفتار خیر دارد. این انگیزه درونی، خود نیروی محرکه‌ای است که در رفتار آشکار انسان تجلی یافته و موجب گرایش به خدمت به هم‌نوع و کمک به پیشبرد اهداف می‌گردد؛ در واقع، نیرویی به نام وجدان انسان را از درون به سمت ایثار و کمک به هم‌نوع هدایت می‌کند و انسان به صورت فطری، از ایثار لذت می‌برد. از نظر روان‌شناسی اجتماعی نیز ایثار اجتماعی قابل تبیین و تفسیر است. این رویکرد که بر آیندی از همه عواطف بشری است، معتقد است عواطف انسانی از تمایلات فردی پیشی گرفته و موجب می‌شود فرد نسبت به همه انسان‌ها احساس مهر و محبت کند. بر این اساس، ایثار همواره لذت‌بخش است و شادمانی را برای فرد ایثارگر به ارمغان می‌آورد.

#### ● تبیین نسبت ایثار اجتماعی، سرمایه اجتماعی و انسجام جمعی

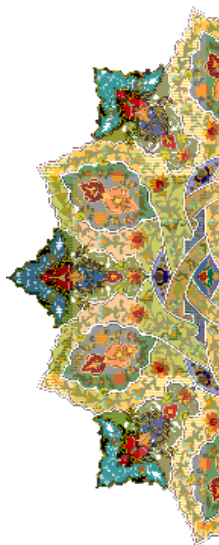
عوامل، مبانی و زمینه‌های گسترش فرهنگ ایثار در جامعه و کارکردهای آن در تقویت سرمایه اجتماعی و همبستگی جمعی در سه بعد اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی و در دو سطح فردی و جمعی قابل بررسی است. یکی از بزرگ‌ترین منابع اصیل و متون بسیار معتبر برای بررسی ایثار، از خود گذشتگی، شهادت، فداکاری و ایثار اجتماعی قرآن کریم است. در این مصحف شریف مؤلفه‌های مربوط به ایثار و ایثار اجتماعی را می‌توان در ۲۴ سوره و ۳۷ آیه شریفه یافت که بعضی از این موارد عبارت‌اند از: احقاف: ۳۱؛ یوسف: ۹۱؛ طه: ۷۲؛ حشر: ۹؛ النازعات: ۳۸؛ اعلی: ۱۶؛ عنکبوت: ۶۲؛ فاطر: ۱۱؛ منافقون: ۸؛ حدید: ۱۹؛ زمر: ۶۹؛ انعام: ۱۵۹؛ انبیاء: ۹۲؛ یونس: ۹۱؛ الصف: ۴؛ انفال: ۴۳؛ توبه: ۳۶؛ اعراف: ۲۹؛ نحل: ۹۱؛ اسراء: ۱۱۱؛ آل عمران: ۱۱۳، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۹، ۱۷۱؛ بقره: ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۸۸، ۲۱۷ و النساء: ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۹۵.

در متون و ادبیات کلاسیک نیز جامعه‌شناسان و روان‌شناسان

دامنه و گستره وسیعی برخوردارند که ارزش عمومی قلمداد می‌شوند و عده زیادی پایبند به آن ارزش‌ها هستند، یعنی در واقع، با حیات اجتماعی مردم گره خورده است. یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین این پدیده‌ها مسئله ایثار اجتماعی است که در سطوح عالی‌تر ارزش‌ها در مکاتب مختلف به آن نگریده می‌شود. در فرهنگ دهخدا کلمه ایثار به معنای بذل و بخشش، ترجیح دادن بعضی بر بعضی دیگر، گذشت کردن از حق خود برای دیگران، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن، منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن، دیگری را در رساندن به منفعت و دفع مضرت بر خود مقدم داشتن آمده است. ایثار مانند مسئولیت اجتماعی، از معیارهای درونی سرچشمه می‌گیرد و از همدلی ناشی می‌شود. در رابطه با تبیین چرایی وجود ایثار در میان انسان‌ها و علل گرایش افراد به ایثار اجتماعی چندین رویکرد نظری در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و آموزه‌های دینی وجود دارد که هر کدام از آن‌ها از زوایای خاصی به این مسئله نگریده‌اند. جامعه‌شناسان متقدم، کلاسیک و متأخر هر کدام از زاویه خاصی به مقوله ایثار اجتماعی پرداخته و آن را مفهوم‌سازی و تبیین نموده‌اند. در متون دینی و قرآن نیز مقوله ایثار و ایثار اجتماعی به شکل یک ارزش دینی و انسانی به صورت ویژه مطرح و مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. ژان ژاک روسو بر اساس نظریه «قرارداد اجتماعی» خود، رابطه اخلاقی بین انسان‌ها را الزامی می‌داند و بر اساس همین

ایثار از جمله فضایل اخلاقی است که عمل به آن علاوه بر ارتقای فرد و کمک به حل بسیاری از مسائل اجتماعی، موجب تعالی جامعه نیز خواهد شد؛ لذا ضرورت پرداختن به آن از بعد فردی و اجتماعی اهمیت فراوانی داشته و موجب تضمین سلامت روابط انسانی، استحکام بخشی به روابط اجتماعی و جامعه بشری خواهد شد.

قرارداد اجتماعی، وصول خیر جمعی و مشترک به وسیله اراده عمومی را امکان‌پذیر می‌داند. در نظر کانت، خودخواهی ناشی از نبود ایثار و نوع دوستی است. او عقیده دارد هر دو وجه خودخواهی و ایثار در درون انسان به حالت ستیز و مقابله وجود دارند. مادامی که خودخواهی به کنار می‌رود، انسان هم‌نوعان خود را دوست دارد و سعادت آن‌ها را می‌طلبد و می‌کوشد عملی اخلاقی و اجتماعی انجام دهد. در نظر امیل دورکیم، اعمال انسان ناشی از دو هدف فردی





معتقدند ایثار اجتماعی با آثار و کارکردهای متعددی که در جامعه ایفا می‌کند، از طریق تولید روابط گرم و صمیمی و عاطفی میان اعضای جامعه، ایجاد همدلی، تقویت روحیه دگرخواهانه، تقویت احساس تعلق، تعهد و وفاداری جمعی، موجب تولید و ارتقای سرمایه اجتماعی و به تبع آن، انسجام جمعی و هویت ملی خواهد شد.

از مهم‌ترین کارکردها و آثار تربیتی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و هویتی ایثار در بعد فردی و اجتماعی می‌توان به مواردی همچون تقویت انعطاف‌پذیری، ریسک‌پذیری، نوآوری، تشویق به کار گروهی و مشارکت‌جویی، تقویت فرهنگ و روحیه دیگرخواهی، احترام به دیگران، امید به آینده، عدالت‌طلبی، تعالی روح، خودباوری، عزت‌طلبی، کارآمدی، آخرت‌گرایی، ایمان به غیب، کمال‌گرایی، ارزش‌طلبی، حماسه‌آفرینی، پرورش فضایل اخلاقی، حقیقت‌طلبی و حقیقت‌جویی، تزکیه نفس، اصلاح نگرش و رفتار انسان، حسن سلوک و رفتار، مهرورزی، تقویت روحیه اجتماعی، فقرزدایی، معاشرت و همبستگی جمعی، خطرپذیری، انعطاف‌پذیری، عدم تعلق افراطی به دنیا، رعایت ملاحظات انسانی، تقویت علایق میهنی، ترجیح دادن آخرت بر دنیا، ترجیح دادن ارزش‌های عام‌گرا و جمعی بر ارزش‌های شخصی، پاسداری از ارزش‌های دینی و ملی، فداکاری و احساس مسئولیت نسبت به هموعان، وظیفه‌شناسی، ظلم‌ستیزی، مبارزه با بی‌عدالتی، پایداری، همدلی و همکاری، حسن سلوک و اخوت ایمانی، از بین رفتن ریشه مفاسد فردی و اجتماعی، تقلیل و کنترل خشم، خودخواهی و تکبر، آمرزش گناهان، استقامت در راه رسیدن به هدف، خطرپذیری، ذلت‌گریزی، تقویت اعتماد به نفس و عزت‌نفس، تقویت روحیه احسان و نیکوکاری، خوش‌رویی و مهربانی، استقامت و صبر در برابر سختی‌ها، تقویت قدرت دفاعی جامعه، خداجویی، بصیرت، قناعت، تقویت همسویی بین مردم و اتحاد و همدلی و انسجام اجتماعی، سعادت و خوشبختی نام برد.

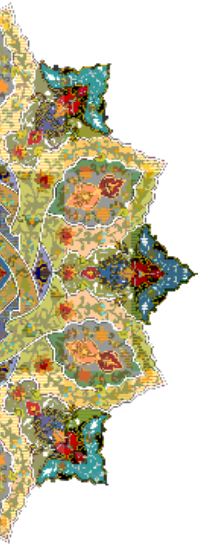
### ● جلوه‌های ایثار اجتماعی در فرهنگ ملی

ایثار اجتماعی صرفاً به زمان جنگ و مبارزه با دشمن خارجی محدود نمی‌شود، بلکه در صحنه اجتماعی ابعاد وسیع‌تر و عمیق‌تری دارد و تمام شئون و عرصه‌های زندگی انسان‌ها را دربر می‌گیرد. ایثار اجتماعی که نقطه آغازین فرهنگ فداکاری و از خودگذشتگی است بر پایه یک درک جمعی نیرومند استوار است که در آن افراد، اقشار و طبقات مختلف جامعه خود را

اجزای یک پیکر و کلیتی بنام جامعه می‌دانند که در یک مسیر، با یک هدف و به سوی یک مقصد در حرکت هستند و باید مانند یک روح واحد عمل کنند و به اتفاقات محیط پیرامون واکنش نشان دهند. در رفتار و سلوک جامعه ایرانی همواره شاهد ایثار و فداکاری بوده‌ایم. در هر دوره از تاریخ، افرادی به‌عنوان نمادها و قهرمانان جوانمردی و فتوت ظهور کرده‌اند. تجربه رویدادها و بحران‌ها و وقایع مختلف مانند جنگ تحمیلی، بروز سیل، زلزله، آتش‌سوزی، برف‌گرفتگی، و شیوع ویروس دامن‌گیر کرونا در کشور و حتی کمک‌های انسان‌دوستانه به سایر کشورهای درگیر بحران و مصیبت‌زده مانند زلزله ترکیه، آوارگان افغان، عراقی، پاکستانی، سوری، کشورهای افریقایی و... نشان داد که روح ایثار، از خودگذشتگی، فداکاری و داوطلبی برای کمک، امدادسانی و نجات جان دیگر انسان‌ها در فرهنگ، هویت و

ایثار اجتماعی با آثار و کارکردهای متعددی که در جامعه ایفا می‌کند، از طریق تولید روابط گرم و صمیمی و عاطفی میان اعضای جامعه، ایجاد همدلی، تقویت روحیه دگرخواهانه، تقویت احساس تعلق، تعهد و وفاداری جمعی، موجب تولید و ارتقای سرمایه اجتماعی و به تبع آن، انسجام جمعی و هویت ملی خواهد شد.

جامعه ایران همواره زنده است. در همه این رخدادها جوانان، زنان و مردان شجاع ایرانی، کشاورزان، روستاییان، آتش‌نشانان، خلبانان، پزشکان، پرستاران و کادر درمانی، ورزشکاران، هنرمندان، اساتید و معلمان، بازاریان، مددکاران و اقشار مختلف اعم از فقیر و غنی آستین همت بالا زده و برای یاری رساندن به افراد درگیر بحران و نجات جان آن‌ها پا به میدان گذاشتند. از منظر دیگر، بخش مهمی از ساختار اداری و نظام نهادی ایران مانند جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی، جمعیت هلال‌احمر، کمیته امداد، بسیج و ده‌ها نهاد دیگر براساس همین فلسفه تأسیس و راه‌اندازی شدند؛ مانند شکل‌گیری و فعال شدن صدها سمن و تشکل‌های مردم‌نهاد، مؤسسات خیریه، گروه‌های خیرین مدرسه‌ساز، بیمارستان‌ساز و امنیت‌ساز که امروز بازوی اصلی نهادهای حمایتی، آموزشی، درمانی و انتظامی در مدرسه‌سازی و راه‌اندازی مؤسسات آموزشی و درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها و تأمین امنیت جامعه در اقصی نقاط کشور پیش‌قراول بوده و از بیماران صعب‌العلاج، خانواده‌های بی‌سرپرست، زوج‌های نیازمند برای تشکیل خانواده و یا ایتام و زندانیان مالی و... حمایت می‌کنند. چنین صحنه‌های زیبای





گیرد. بی تردید ایثار اجتماعی دارای مصادیق بسیاری

است که چنانچه توسعه یابد می تواند بسیاری از مسائل، چالش ها و معضلات اجتماعی را پیشگیری نموده و یا کاهش دهد. برای روایتگری جامع و مانع و اثربخش از ایثار اجتماعی در سطح کشور، بازنمایی آن در میان اقشار و گروه های مختلف و تبدیل ایثار اجتماعی به پارادایم نظری در محافل علمی، نخبگی و دانشگاهی و بر ساخت آن به مثابه گفتمان ملی، همکاری و مشارکت فعالانه، هم افزا و مؤثر همه بخش ها و نهادهای سیاست گذار مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی، شورای اجتماعی کشور، دستگاه های فرهنگی، آموزشی، رسانه ای و ارتباطاتی و همچنین، کارگزاران جامعه پذیری، فرهنگ پذیری و هویت بخش مانند خانواده، مدرسه و دانشگاه، مطبوعات، رسانه ملی، نهادهای حاکمیتی ضروری و اجتناب ناپذیر است. یکی از حوزه های تأثیر گذار در گسترش این گفتمان، رسانه ها و ابزارهای نوین ارتباطی است. با عنایت به اینکه در عصر جدید که به عصر ابر رسانه یا عصر دیجیتال و ارتباطات نام گرفته و رسانه های نوین ارتباطی، فضای سایبری و شبکه های مجازی اجتماعی انسان ها، اذهان و افکار عمومی را تحت نفوذ خود در آورده و هدایت می کنند، به نظر می رسد بیش از هر چیز تفکر ایثار اجتماعی باید از رهگذر رسانه ها در جامعه جاری و نهادینه شود. رسانه ها صرفاً به جای انتشار و بازتاب خبرها و یا تصاویر مربوط به جلوه های دگر یاری، بخشش و همیاری در حوادث، بحران ها و بلایای طبیعی مانند سیل یا زلزله یا صحنه شیوع یک بیماری، به تبیین و نهادینه سازی فرهنگ فداکاری و از خود گذشتگی و کارکردهای ایثار اجتماعی مبتنی بر خیر و درک جمعی و به عنوان نیاز جامعه پردازند. از نهادهای فرهنگی، آموزشی و رسانه های جمعی، کارگزاران فضای مجازی و شبکه های اجتماعی انتظار می رود با توجه به نقش، جایگاه و حوزه عمل و ضریب نفوذ بسیار گسترده ای که از آن برخوردارند تلاش نمایند مقوله ایثار اجتماعی را به عنوان یک هنجار اخلاقی و اجتماعی و ضرورت و نیاز جمعی و ملی برای شهروندان در آورده و در عین حال، همه نهادها و نیروها و نخبگان را برای نهادینه کردن آن به صحنه عمل بکشانند.

#### یادداشت

۱- مدرس دانشگاه پیام نور تهران.

ایثاری که در حرکت گروه آتش نشانان، پرستاران و پزشکان و مربیان و معلمانی که در روستاها و مناطق فقیر نشین همه سختی ها و ناملایمات خدمت را به جان خریده اند، اقدام زیبا و دلنشین اهدای عضو که خود باب و فصل تازه و عمیقی از مقوله ایثار اجتماعی را در ایران گشوده و موجی از امید، آرزو و تلاش

**ایثار اجتماعی که نقطه آغازین فرهنگ فداکاری و از خود گذشتگی است بر پایه یک درک جمعی نیرومند استوار است که در آن افراد، اقشار و طبقات مختلف جامعه خود را اجزای یک پیکر و کلیتی بنام جامعه می دانند که در یک مسیر، با یک هدف و به سوی یک مقصد در حرکت هستند و باید مانند یک روح واحد عمل کنند و به اتفاقات محیط پیرامون واکنش نشان دهند.**

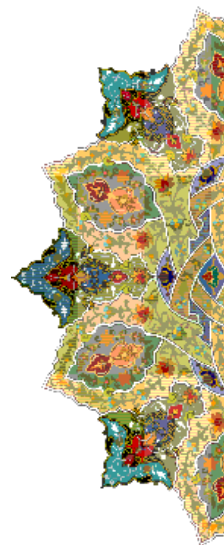
برای ماندن و زیستن و حیات را به زندگی ایرانیان به ارمغان آورده است، جلوه هایی از مقوله مهم ایثار اجتماعی محسوب می شوند.

• برآیند

در متون و منابع اسلامی مؤلفه های کلیدی زیادی مربوط به ایثار اجتماعی وجود دارد و مقولاتی مانند شهادت طلبی، مقدم داشتن دیگران بر خود برای رضای خود، گسترش روحیه گذشت و فداکاری در جامعه، دوستی و محبت در جامعه، بذل مال با هدف فقرزدایی در جامعه، ایجاد روحیه اتحاد و همبستگی در جامعه، ترجیح منافع ملی بر منافع فردی و گروهی، عزت طلبی، خدمت گذاری به خلق و گسترش عدالت طلبی در جامعه بخشی از آن هستند.

در نظام جمهوری اسلامی، ایثار در صحنه های مختلف از جمله دفاع مقدس، تبلور عینی داشته و تقویت بازنمایی ایثار اجتماعی به عنوان یک پارادایم نظری در محافل دانشگاهی، آموزشی و نخبگی و متون آموزشی، دانشگاهی و رسانه ملی و تبدیل آن به گفتمان ملی در میان کارگزاران، مسئولان و سطوح مختلف مدیران نظام و شهروندان، طراحی نقشه راه عملیاتی و اجرایی و برنامه تقسیم کار نهادی جهت اجرا، عملیاتی سازی و تحقق آن به عنوان یک عنصر فرهنگی و هویتی و کشاندن آن به عرصه کنش و رفتار جمعی در کشور باید در دستور کار و مورد تأکید باشد.

باتوجه به کارکردها و نتایج ارزشمند ایثار اجتماعی در سطح جامعه لازم است جهت تبدیل آن به یک گفتمان ملی، برنامه ریزی هدفمند و اقدامات دقیق و جامع تری صورت





# تأثیر تحولات منطقه‌ای بر سیاست‌های کردی ترکیه

■ دکتر فائزه قاسمی<sup>(۱)</sup>

## ● درآمد

درست در زمانی که نگاه‌های بین‌المللی به بحران غزه دوخته شده و توجه رسانه‌های جهانی از سوریه و تداوم فعالیت‌های تنش‌زای ترکیه در آن کشور کاهش یافته، ترکیه فعالیت‌های خود را در شمال سوریه افزایش داده است. به نظر می‌رسد چند موضوع منطقه‌ای، بیش از وضعیت داخلی ترکیه در افزایش این حملات مؤثر بوده‌اند. فضای بین‌المللی و نیز مشکلات بازیگران مؤثر بر وضعیت کردهای سوریه مهم‌ترین عامل در آسودگی ترکیه در افزایش حملاتش در شمال سوریه بوده است.

با نگاهی به گذشته این بحران، می‌توان دید که دولت ترکیه در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۸ عملیات «شاخه زیتون» و در تاریخ ۱۹ اکتبر سال ۲۰۱۹ عملیات نظامی موسوم به «چشمه صلح» را در شمال سوریه آغاز کرد و اقدام به نقض تمامیت سرزمینی و ورود نظامی به خاک این کشور نمود و هم‌اکنون نیز این حملات به صورت پراکنده ادامه دارد. مطابق اظهارات مقامات ترکیه، این عملیات به منظور از بین بردن وحشت تروریسم و دفاع مشروع صورت گرفته است. ترکیه تاکنون ادعا کرده با چند هدف اصلی به نبردها در شمال سوریه ادامه می‌دهد که شامل ایجاد منطقه حائل مرزی به پهنای ۳۰ کیلومتر در عمق خاک سوریه به منظور دور نگاه داشتن کردهای سوری از مرزهای ترکیه؛ مقابله با اعضای پ.ک.ک. و بازگرداندن یک میلیون نفر از سه میلیون و هفتصد هزار پناهنده سوری به کشورشان و اسکان آن‌ها در شمال سوریه است. ترکیه تاکنون بخش‌های زیادی از این مناطق را تصرف کرده که تقریباً مناطق فوقانی بزرگراه M۴ را از ادلب تا مرزهای عراق شامل می‌شود. در طول مناظره‌های انتخاباتی، اردوغان روی آخرین مسئله که برای بخش زیادی از جامعه اهمیت زیادی یافته و به یک معضل اجتماعی و اقتصادی برای ترکیه بدل شده، تأکید

زیادی داشت. به نظر می‌رسد اکنون هم دولت اردوغان دلایل زیادی دارد تا این سیاست را به طور جدی ادامه دهد.

## ● بازگشت تنش به شمال شرق سوریه

از چهارم اکتبر، یعنی نهم مهرماه ۱۴۰۲ و زمانی که حمله انتحاری به پایگاه پلیس در آنکارا انجام شد، موج حملات تازه این کشور علیه کردهای سوری نیز افزایش یافت. هاگان فیدان، وزیر امور خارجه این کشور گفت آنکارا شواهدی در دست دارد که نشان می‌دهد مهاجمان از شمال شرق سوریه به ترکیه سفر کرده‌اند و تمامی تأسیسات مرتبط با نیروهای دموکراتیک سوریه را «هدف‌های مشروع» اعلام کرده‌اند. وزارت دفاع ترکیه اعلام کرد تا ۱۳ مهرماه و تنها طی پنج روز، ۱۵۰ «تروریست» را از زمان آغاز عملیات که شمال عراق را نیز تحت پوشش قرار داده بود کشته است. در مهرماه، اردوغان با

ترکیه تحدید قدرت کردها در ماورای مرزهایش را به عنوان یکی از منافع حیاتی و امنیتی خود تعریف کرده است.

بیان اینکه کمپین نظامی آنکارا علیه شبه‌نظامیان متحد کرد در شمال شرق سوریه را تشدید می‌کند، به اعضای حزب عدالت و توسعه گفت چه از راه هوایی، چه با واحدهای توپخانه‌ای و در صورت نیاز، با نیروهای زمینی خود، به اعضای تروریستی نشان خواهیم داد آماده نابودی آن‌ها در هر مکان و هر زمان هستیم. اردوغان به امریکا هم هشدار داده که هیچ کس نباید شک کند که دیر یا زود ما به کسانی که در کنار تروریست‌ها ایستاده‌اند پاسخ خواهیم داد.

با وجود آنکه دولت ترکیه در روزهای اخیر مواضع خود علیه اسرائیل را به دلیل کودک کشی تل‌آویو بارها مطرح کرده؛ اما خودش هم توسط مخالفانش متهم است که دست به بمباران مناطق غیرنظامی در شمال شرقی سوریه زده، عامدانه



گرایش جوانان کرد به حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها افزایش یافته است.

این تحولات درحالی رخ می‌دهند که دولت ترکیه در داخل کشور همچنان به امتیاز کردی برای مقابله با برخی گروه‌های مخالف حزب عدالت و توسعه نیاز دارد. حمله تروریستی یکم اکتبر یا نهم مهرماه ۱۴۰۲، بار دیگر تنش‌ها میان دولت و گروه پ.ک.ک. و گروه‌هایی که دولت ترکیه آن‌ها را به پ.ک.ک. نزدیک می‌داند افزایش داد.

## ۲- تحولات درونی کردهای سوریه

از مهم‌ترین دلایل افزایش حملات ترکیه به شمال سوریه که البته خود نیز به نوعی نتیجه حملات ترکیه به این مناطق و افزایش بی‌ثباتی در آن است می‌توان به مشکلات درونی در میان کردهای سوریه اشاره کرد. نیروهای دموکراتیک سوریه بعد از سال‌ها جنگ و تنش، نتوانسته‌اند بسیاری از اهداف اعلامی خود را جامه عمل بپوشانند. هم‌زمان، یک جنبش قبیله‌ای در شمال شرق سوریه تحت کنترل نیروهای خودمدیریتی به رهبری شیخ قبیله العقیدات ابراهیم الجدان الحفیل در جریان است. تعدادی از کسانی که به آن پیوسته‌اند به رفتار تبعیض آمیز نیروهای دموکراتیک سوریه با اعراب به‌عنوان دلیل جنگ آن‌ها اشاره می‌کنند. در این منطقه از سوریه، اعراب بیش از هشتاد درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و نارضایتی‌ها علیه نیروهای دموکراتیک سوریه در میان بسیاری از مردم محلی وجود دارد. اتهامات شامل فساد در نیروهای دموکراتیک، انحصار قدرت این گروه در منابع نفت و غلات منطقه و گزارش‌های متناوب هرچند تأیید نشده از ربودن کودکان توسط «جوانان»، شاخه جوانان پ.ک.ک.،

به نظر می‌رسد علاوه بر حملات خارجی، اختلافات داخلی نیز به ضعف بیشتر نیروهای کرد در شمال سوریه انجامیده است.

برای خدمت به‌عنوان سرباز است. شهریورماه ۱۴۰۲، پس از آنکه نیروهای دموکراتیک سوریه یک فرمانده ارشد به نام احمد الخلیل، معروف به ابوخاله، رهبر قبیله اکیدات را که متهم به فساد و قاچاق مواد مخدر بود بازداشت کردند، درگیری در بخش‌هایی از استان دیرالزور آغاز شد و ده‌ها نفر از افراد دو طرف کشته شدند. دو روستا در منطقه نیز به مدت کوتاهی توسط قبایل عرب تصرف شدند؛ اما بعد از کمک روسیه در حملات هوایی به قبایل عرب و کمک به

تأسیسات نفتی (شامل چهارده تأسیسات نفتی)، شبکه برق (شامل نه ایستگاه برق)، هشت منبع آبی عمده و ۴۸ مدرسه در این مناطق را هدف قرار داده و از کار انداخته است. در نتیجه این حملات نیروگاه سویدا که برق یک‌ونیم میلیون نفر در حسکه را تأمین می‌کرد از کار افتاده است.

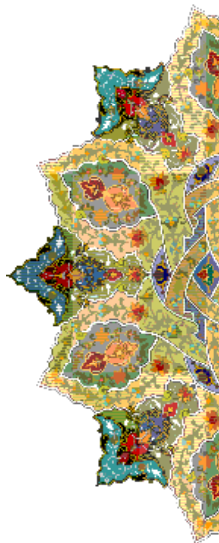
## • تأثیر رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر وضعیت کنونی کردهای سوریه

### ۱- سرریز سیاست داخلی ترکیه

سیاست کردی ترکیه را باید به‌عنوان بخشی از سیاست کلان همسایگی ترکیه فهم کرد. ترکیه به دنبال گسترش حوزه نفوذ خود در مناطق وسیعی از شرق مدیترانه تا آسیای مرکزی است و به این منظور روابط گسترده‌ای را با طرفین مختلف

سیاست کردی ترکیه به معنای تلاش همه‌جانبه‌ای برای کمترین به رسمیت شناختن کردها به‌عنوان یک گروه قومیتی مجزا، چه در داخل و چه خارج از کشور است.

قدرت در سطح جهانی و حتی منطقه‌ای برقرار کرده که به این سیاست‌هایش کمک شایان توجهی کرده‌اند. از منظر داخلی، ترکیه تحدید قدرت کردها در ماورای مرزهایش را به‌عنوان یکی از منافع حیاتی و امنیتی خود تعریف کرده است. از اینجاست که بدون درک وضعیت کردها در داخل ترکیه نمی‌توان سیاست‌های کلان منطقه‌ای ترکیه را درک کرد. این مسئله که ۱۵ تا ۲۰ درصد از جمعیت ترکیه را کردها تشکیل می‌دهند و در تاریخ ترکیه مدرن، یکی از عمده مسائل این کشور در حوزه اجتماعی و سیاست امنیتی مربوط به مسئله کردها بوده است را نمی‌توان نادیده گرفت. دولت ترکیه تلاش داشته تا از به رسمیت شناختن کردها در داخل کشور، به‌مثابه یک گروه قومیتی مجزا پرهیز کند. همین سیاست نیز طی دهه‌ها، توسط دولت ترکیه در منطقه اجرایی شده است. سیاست کردی ترکیه به معنای تلاش همه‌جانبه‌ای برای کمترین به رسمیت شناختن کردها به‌عنوان یک گروه قومیتی مجزا، چه در داخل و چه خارج از کشور است. درحالی که دولت ترکیه کردهای بیشتری را وارد کارهای اجرایی کرده و برخی آزادی‌ها را درباره زبان کردی پذیرفته؛ اما همچنان از رسمیت دادن به کردها در کشور پرهیز می‌کند. پس از برگزاری انتخابات ۲۰۲۳ در ترکیه، با اینکه دولت فشارها بر احزاب کردی را افزایش داده؛ اما به نظر برخی





نیروهای دموکراتیک سوریه، این نیروها بار دیگر کنترل این بخش‌ها را به عهده گرفتند. با این همه، هم نیروهای دموکراتیک سوریه و هم شبه‌نظامیان قبیله‌ای انکار می‌کنند که بازداشت ابوحواله دلیل

**نامشخص بودن روابط کردها با دولت در دمشق، امکان تداوم حملات خارجی علیه آن‌ها را افزایش داده است.**

تشدید خشونت‌ها بوده است. نیروهای دموکراتیک سوریه مدعی هستند که این رخدادها ناشی از تبلیغات و تشویق دولت ترکیه و یا دولت سوریه است و آن را به گروه‌های زیر نفوذ ترکیه در مناطق شمال شرقی سوریه نسبت می‌دهند. از سوی، الجزیره مدعی شده ابوحواله هم خواستار تشکیل گروهی متشکل از قبایل عرب شده تا به طور مستقل از کردها، با کمک امریکا تشکیلات تازه‌ای را ایجاد کنند و اعلام خودمدیریتی مستقل کنند. این جنبش‌های داخلی ضد کرد در مناطق تحت نفوذ نیروهای دموکراتیک سوریه ریشه‌های متعددی دارند. بخشی از آن به رقابت‌های گروه‌های قومی مختلف در این منطقه بازمی‌گردند؛ بخشی دیگر به برخی سیاست‌های سکولار نیروهای کرد و بی‌توجهی به فرهنگ نیروهای عرب در اجرای سیاست‌های فرهنگی مربوط است. تمامی عوامل سبب شده‌اند آنکارا به خوبی بتواند از این فضا به نفع خود استفاده کند؛ در واقع، به نظر می‌رسد علاوه بر حملات خارجی، اختلافات داخلی نیز به ضعف بیشتر نیروهای کرد در شمال سوریه انجامیده است. این خشونت‌های داخلی که در ابتدا بحث‌هایی میان برخی احزاب اپوزیسیون نیروهای دموکراتیک بود، اکنون به سطحی وسیع‌تر و به شکلی جدی‌تر نمایان شده است. بنا به گفته یکی از اعضای ائتلاف ملی سوریه، عبدالباسط عبداللطیف، خشونت به حسکه رسیده و به سمت رقه، تل ابیض، حومه حلب و حومه منبج در شمال غربی حرکت می‌کند. اگرچه به نظر می‌رسد این خشونت‌ها که میان قبایل ساکن در امتداد مرز با عراق با گروه‌های کرد رخ داده قومی باشد، حقیقت این است که عامل اصلی آن رقابت بر سر منابع محدود سرزمینی، شکاف‌های اجتماعی، تفاوت ایدئولوژی‌ها و مهم‌تر از همه فشارهای خارجی است.

### ۳- نقش دولت سوریه

ترکیه نگران است که در آینده و پیش از آنکه بتواند به اندازه کافی به اهداف خود در مناطق تحت کنترل کردهای سوریه برسد، دمشق بار دیگر قدرت کنترل بر سرزمین‌های شمال

شرقی کشورش را به دست آورد؛ در واقع، اگر این ایده را بپذیریم که وجود کردها در این مناطق بهانه دولت ترکیه برای مداخله در آن بوده، می‌توان گفت پیش از آنکه دولت سوریه آن اندازه قدرت پیدا کند که بار دیگر کنترل خود را بر تمامی مناطق تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه اعمال کند، ترکیه تلاش‌های خود برای کنترل این مناطق را افزایش خواهد داد.

روابط دولت اسد با کردها در سال‌های گذشته بسیار پیچیده بوده است؛ در حالی که دمشق خواهان حفظ یکپارچگی کشور است، به دلیل درگیری در داخل کشور، مخالفت چندانی با تداوم حضور اداره خودمختار کردها در شمال و شرق سوریه نشان نداد.

از سال ۲۰۱۸ و جنگ‌های پی‌درپی ترکیه علیه کردها، گفت‌وگوها میان نیروهای دموکراتیک سوریه با اسد ادامه داشته است. پس از تثبیت دولت اسد در دمشق و در حالی که دولت‌های عربی و ترکیه به دنبال اصلاح روابط با بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه بودند، کردهای این کشور از ابتکار جدیدی برای برقراری صلح با دمشق رونمایی کرده‌اند و می‌گویند که دولت‌های غربی مخالف عادی‌سازی نباید سد راه آن‌ها شوند. در بیانیه نه‌ماده‌ای که اداره خودمختار کردها در شمال و شرق سوریه (AANES) در بهار امسال منتشر کردند، یکپارچگی سرزمینی سوریه از سوی این گروه به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. روسیه پیش‌برنده سازش

**توجه دولت‌ها و حتی سازمان‌های بین‌المللی به غزه، منجر به بی‌توجهی به مسئله حملات ترکیه علیه شبه‌نظامیان و حتی غیرنظامیان کرد در سوریه می‌شود.**

بوده و گفته است که تنها صلح با اسد می‌تواند آن‌ها را از حملات بیشتر ترکیه در امان نگه دارد. اسد و روسیه از کردها می‌خواهند که شراکت خود با امریکا را کنار بگذارند. کردها که تحت فشار ترکیه و روسیه، با اسد مذاکره کرده‌اند، ادعا می‌کنند دولت اسد در عمل تاکنون حتی یکی از خواسته‌های آن‌ها را نیز نپذیرفته است. به این ترتیب، نامشخص بودن روابط کردها با دولت در دمشق، امکان تداوم حملات خارجی علیه آن‌ها را افزایش داده است.

### ۴- جنگ غزه

علاوه بر موارد ذکر شده، شرایط منطقه‌ای که شامل جنگ غزه می‌شود نیز تا حد زیادی خیال ترکیه را آسوده ساخته است. توجه دولت‌ها و حتی سازمان‌های بین‌المللی به غزه، منجر به





نامیدی گسترده‌ای میان

نیروهای دموکراتیک سوریه ایجاد کرده است. درحالی که کردهای سوریه تصور می‌کردند از طریق همکاری با نیروهای امریکایی می‌توانند تضمینی برای بقای خود در برابر دولت ترکیه پیدا کنند، اخیراً مؤسسه واشنگتن

**کردها در شمال سوریه به‌طور کلی و حزب دموکراتیک سوریه و گروه‌های شبه‌نظامی نزدیک به آن دچار ضعف جدی شده‌اند و احتمالاً به دشواری بتوانند بقای خود را در برابر موج گسترده حملات مستمر ترکیه حفظ کنند.**

برای خاور نزدیک هم مدعی شده دولت امریکا صرفاً در مبارزه با داعش از کردهای سوری حمایت می‌کرده و هیچ وعده‌ای نسبت به ادامه حضور آن‌ها در سوریه نداده است.

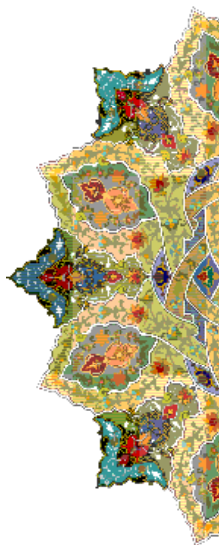
سیاست امریکا در قبال سوریه به‌طور کلی و در قبال کردها به‌طور خاص در طول سال‌های اخیر نوسان زیادی داشته است؛ اما بیشتر حمایت‌های امریکا از کردها، صرفاً در حد حفظ کلیت موجودیت آن‌ها به‌عنوان یک منطقه خودمدریته برای دریافت امتیازات بیشتر از ترکیه بوده و امریکا نشان داده اهمیتی به ترور نیروهای دموکراتیک سوریه، حملات پهبادی و یا حتی بمباران این مناطق ندارد. از سوی دیگر، امریکا علاقه‌ای به ورود به درگیری‌های محلی میان کردها و عرب‌های این منطقه ندارد و بسیاری از کارشناسان معتقدند اساساً منافع امریکا که اکنون تنها ۹۰۰ نفر از نیروهایش را در کنار کردهای سوری نگاه داشته، به اندازه‌ای نیست که در بلندمدت حمایتش از کردها را توجیه کند؛ در واقع، به نظر می‌رسد امریکا ترجیح می‌دهد کردها در منطقه باقی بمانند و به‌عنوان چالشی برای ترکیه و حتی دولت سوریه مطرح باشند؛ اما میزان ضعف و قوت حزب دموکراتیک سوریه و به‌طور کلی، کردها چندان ارزشی برای واشنگتن ندارد. تنها در صورتی مداخله امریکا در این مناطق افزایش خواهد یافت که ارزش کنشگری کردها برای امریکا در بازی‌های منطقه‌ای افزایش یابد و نقش کردها به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای افزایش پیدا کند. این مسئله در کنار فاصله ایدئولوژیک کردها از واشنگتن و دریافت و درک جدید واشنگتن از مسئله کردهای سوری است. واشنگتن متوجه این مسئله شده که کردهای سوری هم‌پیمان در دسرسازی هستند و مشارکت با قبایل عرب منطقه، هم حساسیت کمتری را در ترکیه به همراه خواهد داشت و هم با فرهنگ و مذهب

بی‌توجهی به مسئله حملات ترکیه علیه شبه‌نظامیان و حتی غیرنظامیان کرد در سوریه می‌شود. دولت امریکا هم نشان داده علاقه‌ای به تأکید بر اختلافاتش با ترکیه و ترغیب آنکارا به سمت روابط عمیق‌تر با روسیه ندارد. این درحالی است که رسانه‌هایی چون کردپرس تأکید دارند ترکیه درحالی که افکار عمومی در جهان به جنگ در نوار غزه معطوف شده، به ادامه جنایات و تخلفات خود در عفرین ادامه می‌دهد و به تغییر بافت جمعیتی عفرین در شمال غرب سوریه سرعت می‌بخشد. هزاران شهروند کرد از منطقه کردنشین عفرین که در سال ۲۰۱۸ توسط دولت ترکیه تصرف شد آواره شده‌اند و تعداد کمی از اهالی اصلی عفرین در این منطقه مانده‌اند و تعداد آن‌ها روزبه‌روز در حال کاهش است و عفرین اکنون بیشتر از همیشه در معرض خطر تغییر بافت جمعیتی قرار دارد. در کنار این وضعیت، گزارش‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهند شبه‌نظامیان نزدیک به دولت ترکیه در عفرین، به منظور ایجاد رعب و وحشت، دست به ربودن دست کم ۴۸ نفر از شهروندان کرد زده و همچنین با قطع درختان زیتون و یا تصرف محصولات کردهای باقی مانده در شهر، فشارها به این افراد برای خروج از عفرین را افزایش داده‌اند. هم‌زمان، برخی مؤسسات امریکایی در منطقه فعال شده‌اند و تلاش دارند شهرک‌های عرب‌نشین تأسیس کنند؛ همچنین، روستایی به نام اشبل بیت مقدس در حومه جنדרس زیر نظر یک نهاد ترکیه‌ای ساخته شد.

دولت امریکا دست کم در دو مورد در مهرماه ۱۴۰۲، از سیاست‌های تنش‌زای ترکیه در این منطقه چشم‌پوشی کرد؛ نخست حمله یک هواپیمای اف ۱۶ امریکایی به یک پهباد جاسوسی مسلح ترکیه که تصور می‌شد به دلیل نزدیک شدن آن به پایگاه نظامیان امریکایی در حسکه صورت گرفته، بلافاصله با دلجویی دولت بایدن از ترکیه همراه شد. در دومین مورد، زمانی که نیروهای عملیات مشترک امریکا

**سکوت دولت امریکا در قبال کردها، که خود را شریک منطقه‌ای واشنگتن تصور می‌کردند، نامیدی گسترده‌ای میان نیروهای دموکراتیک سوریه ایجاد کرده است.**

(CJTF-OIR) حملات ترکیه علیه غیرنظامیان کرد را محکوم کرده بودند، بار دیگر دولت امریکا به سرعت بیانیه خود علیه اقدامات ترکیه را حذف کرد. سکوت دولت امریکا در قبال کردها، که خود را شریک منطقه‌ای واشنگتن تصور می‌کردند،







بخش وسیعی از مردم

همخوانی بیشتری دارد.

در سوی دیگر، روسیه نیز حمایتی را که بخش‌هایی از حزب دموکراتیک سوریه توقع داشتند در اختیار این گروه قرار نمی‌دهد. واقعیت این است که روسیه بیش از آن به ترکیه برای دور زدن تحریم‌ها، تداوم تقابل با غرب و حتی بحران قفقاز نیاز دارد که کردها را عاملی برای تقابل جدی با ترکیه سازد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد تحولات منطقه‌ای و داخلی در سوریه به زیان کردها پیش رفته است.

#### ۵- نقش پرتگ روسیه

بعد از آنکه مشخص شد امریکایی‌ها تمایلی به حفاظت از اتحاد خود با کردها ندارند، نیروهای دموکراتیک سوریه به دنبال متحدانی منطقه‌ای برای حفظ بقای خود هستند. روسیه برای کردها یک گزینه مطلوب است. رابطه روس‌ها با کردهای سوریه به گذشته دورتری بازمی‌گردد. روسیه در بازه‌های متعدد زمانی تلاش کرده خود را قهرمان آرمان کردها معرفی کند. زمانی که شوروی از جنبش‌های جدایی طلب و چپ‌گرا حمایت می‌کرد، نیم‌نگاهی هم به کردهای عراق و سوریه داشت؛ هرچند به دلیل اتحاد استراتژیک با این دو کشور، حاضر به کمک به این جنبش‌ها برای جدایی از عراق یا سوریه نبود. روسیه حتی برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه و غربی، از همه‌پرسی استقلال کردها در عراق هم انتقاد نکرد و ترجیح داد در این باره به حفظ روابط خود با کردها در کشورهای مختلف ادامه دهد.

در خصوص کردهای سوریه نیز موضع روسیه پیچیده و همراه با نوعی همدلی بوده است. روسیه طی سال‌های اخیر تلاش کرده روابط خود با نیروهای دموکراتیک سوریه را

**روسیه طی سال‌های اخیر تلاش کرده روابط خود با نیروهای دموکراتیک سوریه را بهبود دهد و از قدرت نرم خود بر روی این گروه استفاده کند.**

بهبود دهد و از قدرت نرم خود بر روی این گروه استفاده کند. برخی تحلیلگران روس مانند آنا بورشچوسکایا معتقدند روسیه به روش خود، درگیر نبرد برای تسخیر ذهن و قلب کردهاست. تحلیل بورشچوسکایا تاریخ طولانی روابط بین روسیه و کردها را دنبال می‌کند، از برخورد دولت تزاری با قبایل کوچ‌نشین در قرن هجدهم تا حرکت‌های رئیس‌جمهور، ولادیمیر پوتین به سمت بازسازی قدرت در خاورمیانه، وابستگی‌های زبانی و فرهنگی و همچنین، حمایت روسیه از

شورش‌های کردها در اوایل قرن بیستم، قدرت نرم مسکو را ایجاد کرده است؛ در واقع، روسیه بیش از تعاملات اقتصادی یا نظامی، به دنبال راهی برای تزیق ایده‌های خود در منطقه برای استفاده‌ای بلندمدت‌تر است. در مورد کردهای سوریه،

به نظر می‌رسد امریکا ترجیح می‌دهد کردها در منطقه باقی بمانند و به عنوان چالشی برای ترکیه و حتی دولت سوریه مطرح باشند؛ اما میزان ضعف و قوت حزب دموکراتیک سوریه و به‌طور کلی، کردها چندان ارزشی برای واشنگتن ندارد.

مسکو با تداوم روابطش با گروه‌های کرد به عنوان اهرم بالقوه در برابر اقدامات ترکیه و امریکا عمل می‌کند.

برخلاف ناتو، ایالات متحده یا اتحادیه اروپا که حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده‌اند، روسیه هرگز پ.ک.ک. را در لیست سیاه خود قرار نداده است؛ علاوه بر این، روسیه با نظر ترکیه مبنی بر اینکه حزب اتحاد دموکراتیک کرد سوریه یا (PYD) و یگان‌های مدافع خلق کرد (YPG) زیرمجموعه‌های حزب کارگران کردستان ترکیه (PPK) در داخل سوریه هستند، موافق نیست.

با این همه، حمایت‌های روسیه از کردهای سوریه نیز همواره با اما و اگر روبه‌رو بوده است. روسیه در مرحله اولیه بحران سوریه، برخلاف واشنگتن که فعالانه با گروه‌های مسلح کرد سوریه همکاری می‌کرد، تلاش کرد از عامل کرد فاصله بگیرد. مسکو به‌طور قابل توجهی می‌خواست در ایجاد گفت‌وگو با شرکای خاورمیانه بر سر آینده سوریه و دولت اسد انعطاف‌پذیری و فضای مانور بیشتری داشته باشد. در آن مرحله، تنها حمایت مشهود این کشور از کردهای سوریه در جبهه دیپلماتیک بود؛ زیرا روسیه بر مشارکت آن‌ها در مذاکرات صلح ژنو، با وجود مخالفت ترکیه، اصرار داشت؛ بنابراین، روسیه ضمن خودداری از تأیید علنی آرمان کردها برای رسیدن به خودمدیریتی، به‌طور غیررسمی مشروعیت کردهای سوریه را با ترویج مشارکت آن‌ها در روند صلح سوریه پذیرفت. از سوی دیگر، تلاش مسکو برای مشارکت کردها در مذاکرات سیاسی نیز نشان‌دهنده تلاشی برای جلوگیری از تکه‌تکه شدن سوریه و حفظ وحدت دولت سوریه است.

رئیس‌جمهور پوتین، در هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۵، در آستانه مداخله نظامی روسیه در سوریه، تلویحاً گفت که روسیه حمایت خود از



سه کشور عراق، سوریه و ترکیه به طور کامل از میان برود.

#### ● برآیند

مسئله کردها در کردستان سوریه توجه و دخالت بازیگران مختلف بین‌المللی را به خود جلب کرده است. این منطقه که پس از آغاز بحران داخلی سوریه در ۲۰۱۱ گام به گام به سمت خودمدیریتی رفت، بیشتر توسط حزب دموکرات سوریه که از نظر ایدئولوژیک به پ.ک.ک. نزدیک است اداره می‌شود. اداره خودمدیریتی این گروه که در کنار گروه‌های قومی متنوع فعالیت می‌کرد، با توجه به موج‌های پیاپی حمله دولت ترکیه، به شدت دچار ضعف شده و در حال از دست دادن هم‌پیمانان خود در سطح جهانی، منطقه‌ای و حتی محلی است. کردهای سوریه اکنون هم‌پیمانی در منطقه ندارند. امریکا شریک مطمئنی برای آن‌ها نبود، روسیه توجه کافی به این منطقه نداشت و بارها آن‌ها را درازای امتیازات دیگر در برابر ترکیه تنها گذاشت و حتی قبایل عرب منطقه نیز با توجه به ضعف فزاینده کردها در نتیجه سال‌ها جنگ با ترکیه، به دنبال کسب قدرت از طریق نزدیک شدن به امریکایی‌ها هستند. همه این عوامل نشان می‌دهد کردها در شمال سوریه به طور کلی و حزب دموکراتیک سوریه و گروه‌های شبه‌نظامی نزدیک به آن دچار ضعف جدی شده‌اند و احتمالاً به دشواری بتوانند بقای خود را در برابر موج گسترده حملات مستمر ترکیه حفظ کنند.

#### یادداشت‌ها

۱- دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران.

2- [https://www.aljazeera.com/news/2023/9/1/fighting-between-arab-tribes-and-sdf-spreads-to-north-west-syria?traffic\\_source=KeepReading](https://www.aljazeera.com/news/2023/9/1/fighting-between-arab-tribes-and-sdf-spreads-to-north-west-syria?traffic_source=KeepReading).

کردهای سوریه را تشدید خواهد کرد. وی تصریح کرد: «در نهایت، باید بپذیریم که نیروهای دولتی رئیس‌جمهور اسد و شبه‌نظامیان کرد تنها نیروهایی هستند که واقعاً با داعش و سایر سازمان‌های تروریستی در سوریه می‌جنگند. بله، ما از همه مشکلات و درگیری‌های منطقه آگاه هستیم؛ اما قطعاً باید وضعیت واقعی را در صحنه بررسی کنیم».

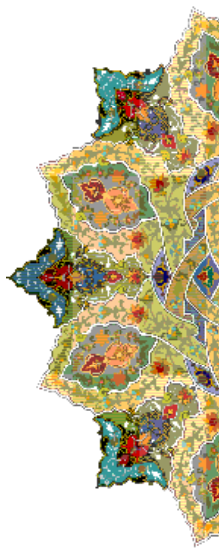
کنشگری کردها برای روسیه نخستین بار پس از سرنگونی جت روس توسط ترکیه مشخص شد. در سال ۲۰۱۵ و متعاقب این رخداد، پوتین در اقدامی تلافی‌جویانه، اجازه داد کردهای

**در عمل، روسیه سیاست واقع‌بینانه‌تری در حفاظت از کردهای سوری دنبال می‌کند و در تلاش است نوعی توازن میان حفظ بقای کردها و حفاظت از روابط روبه‌گسترش خود با ترکیه را اعمال کند.**

سوری نخستین مأموریت خارجی خود را در مسکو آغاز کنند و دفتر نمایندگی روزاوا در مسکو، نه به‌عنوان نماینده یک دولت بلکه به‌عنوان نماینده یک گروه، فعالیت می‌کند.

برای روسیه حفظ روابط تجاری و استراتژیک با ترکیه و نیز با اسد مهم‌تر از کردهاست. هرچند دست کم درباره نیروهای دموکراتیک سوریه می‌توان گفت آن‌ها بیشتر یک اهرم فشار روسیه در برابر ترکیه بوده‌اند؛ اما در عمل، روسیه سیاست واقع‌بینانه‌تری در حفاظت از کردهای سوری دنبال می‌کند و در تلاش است نوعی توازن میان حفظ بقای کردها و حفاظت از روابط روبه‌گسترش خود با ترکیه را اعمال کند. همچنین، برای روسیه مهم است که بتواند از طریق کردها در عراق و سوریه، منافع امریکایی‌ها در مناطقی مانند سوریه و عراق را تضعیف کند.

تصور می‌شود دولت روسیه که اکنون برای جنگ در اوکراین نیاز به حمایت‌های ترکیه دارد، اجازه تضعیف کردهای سوری را بدهد؛ اما بعید خواهد بود اجازه دهد نقش مهم و بلندمدت این گروه‌های کردی برای حفظ ردپای خود میان





# وضعیت حاکمیت هوش مصنوعی در سطح جهانی

■ دکتر محمدجواد بهمن آبادی<sup>(۱)</sup>

## ● درآمد

در این مقاله، نقش حاکمیت در حوزه هوش مصنوعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بر اهمیت حاکمیت مؤثر در برطرف کردن نگرانی‌های اخلاقی مرتبط با هوش مصنوعی پرداخته می‌شود. در این متن، نمونه‌های قابل توجهی از فعالیت‌های حاکمیتی در حوزه هوش مصنوعی (AI) در بخش خصوصی، بخش عمومی، سازمان‌های تحقیقاتی و سازمان‌های چندملیتی مانند سازمان ملل مطرح می‌شوند. به برخی چهارچوب‌ها اشاره می‌شود که ممکن است به‌عنوان راهنمایی برای توسعه مفید فناوری‌های هوش مصنوعی و کاهش مخاطرات مرتبط با آن‌ها مورد استفاده قرار گیرند. این نگرانی‌ها شامل از دست دادن شغل‌ها به دلیل اتوماسیون، استفاده ناخواسته و بدخواسته از هوش مصنوعی به‌عنوان سلاح، عدم مسئولیت‌پذیری در استفاده از سیستم‌های هوش مصنوعی و عدم شفافیت و عواقب ناخواسته فناوری‌های آن است. با توجه به قدرت عظیم AI و توانایی آن در تحول جامعه، نیاز به حکمرانی مؤثر برای حداکثرسازی مزایا و کاهش ریسک‌ها به‌شدت احساس می‌شود. در این راستا، حکمرانی هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از ابزارها، راهکارها و سازوکارهایی تعریف شود که بر توسعه و استفاده از آن تأثیر می‌گذارد. برخی از مثال‌ها شامل ترویج اصول، اخلاق و چهارچوب‌های ارزشی، تحقیق درباره اثرات، پیامدها و راهکارهای ممکن در استفاده از آن، افزایش آگاهی مخاطبان و ساخت راهکارهای فنی برای مقابله با مسائل خاصی است که توسط فناوری هوش مصنوعی مطرح شده است و درباره اجرای تدابیر قانونی و تشکیل سازمان‌های نظارتی رسمی است که صلاحیت حاکمیت بر فناوری‌ها و زمینه‌های مرتبط با هوش مصنوعی را داشته باشند. حکمرانی مؤثر می‌تواند به حل مشکلات ایجادشده توسط هوش مصنوعی کمک کند. این مقاله در راستای ارائه یک مرور

از وضعیت حکمرانی هوش مصنوعی به‌صورت جهانی، با تمرکز بر آنچه در حال حاضر توسط نهادهای مختلف انجام می‌شود، به بررسی قوانین و مسیرهای پیش رو می‌پردازد.

## ● مروری بر ابتکارات حکمرانی هوش مصنوعی

در حال حاضر، حکمرانی هوش مصنوعی یک حوزه ناپیوسته است و هنوز یک چهارچوب استاندارد برای ارزیابی وضعیت توسعه هوش مصنوعی و کیفیت حکمرانی وجود ندارد. در این حوزه، مخاطبان متفاوت در حوزه‌های مختلف سعی می‌کنند تأثیری بر روی حکمرانی هوش مصنوعی داشته باشند. بین سازمان‌ها منافع رقابتی وجود دارد و ممکن است نهادهای خصوصی تمایل داشته باشند کمتر از این قوانین و محدودیت‌ها استفاده کنند تا رشد فناوری را محدود نکنند؛ در حالی که نهادهای عمومی ممکن است به اطمینان حاصل کردن از حداکثر رفاه شهروندان و اجرای احتیاط‌های لازم قبل از عرضه گسترده تکنولوژی هوش مصنوعی علاقه داشته باشند. در طولانی‌مدت، تضمین حکمرانی هوش مصنوعی مؤثری که بهره‌وری و رفاه را حداکثر کند و در عین حال، مخاطرات اخلاقی را کمینه کند، به نفع همه طرفین است.

مجموعه‌ای از شرکت‌ها که در حوزه توسعه و استقرار فناوری هوش مصنوعی پیشرو هستند، تلاش‌هایی را برای حل مشکلاتی که توسط هوش مصنوعی ایجاد می‌شود، انجام داده‌اند. یک مثال معروف در این زمینه واحد تحقیقات اخلاق و جامعه گوگل دیپ‌مایند است که در سال ۲۰۱۷ راه‌اندازی شد. این واحد با هدف «کمک به تکنولوژیست‌ها در عملی کردن اخلاق و کمک به جامعه در پیش‌بینی و کنترل تأثیر هوش مصنوعی به‌نحوی که برای همه بهره‌مندی داشته باشد» تشکیل شده است. با توجه به اینکه بسیاری از شرکت‌ها به‌صورت جهانی فعالیت می‌کنند، لازم است رویکرد توسعه و کاربردهای هوش مصنوعی استانداردسازی شود؛



مصنوعی شرکت

می‌کنند تا با این اصول اخلاقی

آشنا شده و آن‌ها را اجرا کنند. این سازمان یک کتاب به نام طراحی با رعایت اصول اخلاقی را نیز منتشر کرده که نتیجه مشاوره از رهبرانی با افکار مختلف است. IEEE تلاش می‌کند تا از طریق تأثیرگذاری بر دانشگاه‌ها، کسب و کارها، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، حاکمیت هوش مصنوعی را تحت تأثیر قرار دهد. آن‌ها به عنوان یکی از اولین سازمان‌هایی که در این حوزه فعالیت کردند، برنامه حاکمیت هوش مصنوعی قوی و توسعه یافته‌ای دارند که تأثیر زیادی بر برنامه‌های مشابه دیگری که بعد از آن‌ها ایجاد شده‌اند، داشته است. چندین مؤسسه تحقیقاتی دیگر نیز در حوزه هوش مصنوعی وجود دارند که به بررسی تأثیرات و مسائل مرتبط با آن می‌پردازند. این مؤسسات شامل «مرکز بررسی خطرهای حیاتی»، «مؤسسه آینده بشریت»، «مؤسسه آینده زندگی»، «جامعه آینده» و «مرکز لور هولم برای آینده هوش مصنوعی» هستند. همچنین، مؤسساتی مانند «مؤسسه اینترنت آینده»، «مرکز برای امنیت امریکای جدید»، «آزمایشگاه رسانه MIT» و «مرکز برکمن هاروارد» نیز در زمینه اخلاق و حاکمیت هوش مصنوعی فعالیت می‌کنند. «مؤسسه تحقیقات هوش مصنوعی ماشین» بر ایمنی فنی هوش مصنوعی تمرکز دارد و «همکاری در زمینه هوش مصنوعی» یک سازمان چندجانبه است که شرکت‌های برتر، مؤسسات تحقیقاتی، سازمان‌های غیرانتفاعی و سازمان‌های ملل را گرد هم آورده است. این همکاری به بررسی بهترین روش‌ها در حوزه هوش مصنوعی، افزایش درک عمومی و ایجاد یک سکوی باز برای بحث و مشارکت در مورد تأثیرات هوش مصنوعی می‌پردازد.

#### ● هوش مصنوعی و سازمان ملل

دبیرکل سازمان ملل متحد، آنتونیو گوترش، نیز تأثیر فناوری‌های جدید مانند هوش مصنوعی را در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار مورد توجه قرار داده است. او به خطراتی که این فناوری‌ها ایجاد می‌کنند نیز اشاره کرده و برای همکاری دیجیتالی و حل مشکلات ناخواسته، یک کمیته برتر تشکیل داده است. همچنین، مؤسسه تحقیقات جنایت و عدالت بین‌منطقه‌ای سازمان ملل متحد (UNICRI) نیز برنامه‌ای درباره هوش مصنوعی و رباتیک را آغاز کرده و با افتتاح مرکز هوش مصنوعی و رباتیک در هلند، به درک و مقابله با خطرات و فواید هوش مصنوعی از طریق آگاهی‌بخشی

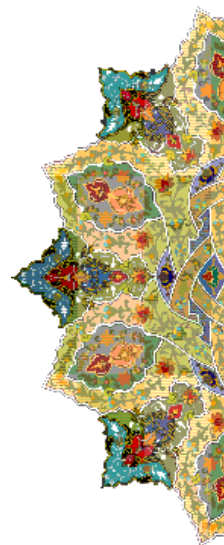
این امر می‌تواند در طولانی مدت، همکاری بین‌المللی در حوزه حاکمیت هوش مصنوعی را پشتیبانی کند. دولت‌های مختلف در سراسر جهان تلاش می‌کنند تا با مسائل اخلاقی هوش مصنوعی مقابله کنند و از طریق استراتژی‌های ملی، این مسائل را حل کنند. کانادا در سال ۲۰۱۷ به عنوان یکی از اولین کشورها، استراتژی ملی هوش مصنوعی خود را منتشر کرد و سایر کشورها نیز در ادامه همین کار را انجام دادند. انگلستان مرکز اخلاق و نوآوری داده را تأسیس کرد و اروپا نیز تلاش‌های خود را بر روی توسعه هوش مصنوعی متمرکز

**توسعه و پیاده‌سازی هوش مصنوعی مسائل اخلاقی متعددی را به همراه دارد و برای حل این مسائل، حاکمیت مؤثر لازم است.**

کرد. هر کشور و نهاد دولتی رویکردهای متفاوتی در این زمینه دارد. به طور کلی، این تلاش‌ها نشان می‌دهد که دولت‌ها و سیاستمداران به مسائل معاصر هوش مصنوعی توجه و تلاش می‌کنند تا از این فناوری بهره‌برداری مناسب را داشته باشند. در سال ۲۰۱۸، کمیسیون اروپا یک بیانیه را منتشر کرد که به رویکرد اروپایی درباره هوش مصنوعی می‌پردازد. این کمیسیون همچنین یک گروه از کارشناسان برجسته در زمینه هوش مصنوعی تشکیل داد و یک طرح اولیه از دستورالعمل اخلاقی هوش مصنوعی را منتشر کرد. این استراتژی‌ها معمولاً در درازمدت اثرات خود را نشان می‌دهند؛ بنابراین، هنوز زمان زیادی برای ارزیابی اقداماتی که در حوزه حاکمیت هوش مصنوعی اتخاذ شده‌اند، مانده است. باید تأکید شود که بسته به کشور یا نهاد دولتی، رویکردهای متفاوتی به کار برده می‌شود. انگلستان سعی می‌کند به عنوان یک رهبر در زمینه اخلاق و قوانین هوش مصنوعی عمل کند و بر اساس آن‌ها تدابیر قانونی یا نظارتی اتخاذ کرده و همچنین، نرم‌افزارها را شکل دهد. آلمان تمرکز خود را بر روی هوش مصنوعی در تولید و بهبود انتقال فناوری به بخش خصوصی متمرکز کرده است.

#### ● هوش مصنوعی در سازمان‌های غیردولتی، پژوهشی و چندجانبه

انجمن مهندسان برق و الکترونیک<sup>(۱)</sup> (IEEE) یک سازمان بزرگ است که در حوزه حاکمیت هوش مصنوعی فعالیت می‌کند. آن‌ها یک «فعالیت جهانی درباره اخلاق خود کار و سیستم‌های هوشمند» با هدف آموزش و آماده‌سازی افرادی راه‌اندازی کرده‌اند که در طراحی و توسعه سیستم‌های هوش





و هماهنگی نهادها می‌پردازد. سازمان ملل متحد و سازمان‌های مرتبط با آن نیز به هوش مصنوعی توجه مضاعفی دارند و اقداماتی برای بررسی و حمایت از این فناوری در حوزه‌های مختلف انجام می‌دهند. به‌عنوان مثال، انجمن بین‌المللی ارتباطات (ITU) نشست‌ها و فعالیت‌هایی برگزار می‌کند که هدف آن‌ها پشتیبانی از توسعه پایدار و استفاده مفید از هوش مصنوعی است. علاوه بر این، سازمان‌های مرتبط مانند سازمان بین‌المللی کار (ILO) و مرکز پژوهش‌های سیاستی دانشگاه ملل متحد نیز به مطالعه تأثیر هوش مصنوعی بر مشاغل، توزیع درآمد و سایر چالش‌های جهانی مرتبط با آن می‌پردازند. در کل، سازمان ملل متحد و سازمان‌های زیرمجموعه آن در حوزه هوش مصنوعی تلاش می‌کنند تا با همکاری دولت‌ها، صنعت، سازمان‌های ملل متحد و جامعه بین‌المللی، اهداف توسعه پایدار را ترویج داده و حاکمیت هوش مصنوعی را توسعه دهند.

### ● مقررات و محدودیت‌های حاکمیت هوش مصنوعی

نیاز به تنظیمات عمومی و تنظیمات قانونی برای حاکمیت هوش مصنوعی (AI) بسیار ضروری است. در این قسمت، اهمیت قوانین برای حاکمیت بر هوش مصنوعی در راستای کاهش خطرات عمومی آن و ایجاد اعتماد عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین، برخی چالش‌های حقوقی و مسائل مربوط به تنظیمات عمومی و خصوصی هوش مصنوعی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برخی از سازمان‌ها و افراد از تنظیمات و محدودیت‌ها برای توسعه هوش مصنوعی نگران هستند چراکه این اقدامات ممکن است نوآوری کشورهاشان را مختل کند و باعث عقب‌ماندگی نسبت به رقبای بین‌المللی شود. همچنین، ویژگی‌های منحصر به فرد هوش مصنوعی برای سامانه‌های حقوقی نیز چالش‌هایی ایجاد می‌کند. تنظیم این قوانین از قبل امری دشوار است؛ زیرا تحقیق و توسعه هوش مصنوعی ممکن است به‌طور مخفیانه انجام شود؛ اما با وجود این چالش‌ها، بسیاری از افراد معتقدند که تنظیمات دولتی برای کاهش خطرات عمومی هوش مصنوعی ضروری است. سوءاستفاده فاجعه‌بار از سامانه‌های هوش مصنوعی که منجر به صدمات و خسارت جدی می‌شود می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی و ممانعی در پیشرفت این فناوری منجر شود. به‌عنوان مثال، یک الگوریتم استفاده‌شده در تشخیص پزشکی که به‌طور نادرست

تشخیص می‌دهد و به مرگ بیمار منجر می‌شود باعث از بین رفتن اعتماد در افکار عمومی نسبت به فناوری هوش مصنوعی می‌شود. به دلیل مقیاس بزرگ و تأثیر تحول‌آفرین هوش مصنوعی در جهان، اقدامات پیشگیرانه بر تدابیر واکنشی ترجیح داده می‌شود. همچنین، باید توجه داشت که تنظیمات قانونی هم‌اکنون پیاده‌سازی شده‌اند، مانند آیین‌نامه حمایت از داده‌های عمومی (GDPR) اتحادیه اروپا؛ در حالی که

**سوءاستفاده فاجعه‌بار از سامانه‌های هوش مصنوعی که منجر به صدمات و خسارت جدی می‌شود می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی و ممانعی در پیشرفت این فناوری منجر شود.**

GDPR به‌طور صریح به هوش مصنوعی اشاره نمی‌کند؛ اما به برخی از عناصر مهم مرتبط با آن، مانند نقش داده‌ها و تصمیم‌گیری خودکار می‌پردازد. بررسی مواد ۲۲ آیین‌نامه حمایت از داده‌های عمومی نشان می‌دهد که شخص مورد نظر حق توضیح درباره کار و یا تحقیق و پژوهش خود را دارد، که شامل توضیح روند الگوریتم‌ها در یک روش شفاف، قابل پیش‌بینی و قابل تحقق است. هرچند که همچنان نگرانی‌هایی وجود دارد؛ اما برخی افراد معتقدند که استانداردها و تنظیمات ممکن است در بلندمدت به صنعت هوش مصنوعی سالم‌تری منجر شود. در حال حاضر، آیین‌نامه حمایت از داده‌های عمومی در حال اجراست و اغلب از طریق به دلیل عدم پیروی از امنیت داده‌ها و رعایت قوانین اجرا می‌شود.

### ● آینده حکمرانی هوش مصنوعی

در حال حاضر، برخی از چالش‌ها و مسائل مربوط به حاکمیت هوش مصنوعی هنوز به‌طور کامل حل نشده‌اند و نیاز به بررسی و گفت‌وگوی بیشتر در این زمینه وجود دارد. در این قسمت، به مواردی مانند ایجاد چهارچوب تنظیمی بین‌المللی برای هوش مصنوعی، تعیین استانداردها و مکانیسم‌های حاکمیت آن در حوزه‌های خاص مانند سلاح‌های خودکار مرگبار، مراقبت‌های بهداشتی، حمل‌ونقل و ایمنی عمومی هوش مصنوعی اشاره می‌شود.

با پیشرفت سامانه‌های AI و افزایش خطرات مرتبط، نیاز به حاکمیت جهانی هوش مصنوعی بیش از پیش احساس می‌شود. ابزارهای تأیید می‌توانند به ایجاد اعتماد لازم در استفاده از این فناوری در داخل و محیط بین‌المللی کمک کنند. این ابزارها شامل روش‌های استفاده‌شده توسط حسابرسان و ناظران برای





است اختلاف نظر

ادامه داشته باشد، احتمالاً

بعضی از توافقات بین المللی برقرار می شود که می تواند از این اختلاف نظرها می کاهد. آن ها همچنین نشان می دهند که مکانیسم های حاکمیتی برای کاهش خطر و تهدیدات مرتبط با سوءاستفاده یا سهل انگاری از فناوری، مانند صنعت هوانوردی که پس از تدوین استانداردهای جهانی رشد تجاری چشمگیری داشته و یکی از ایمن ترین روش های سفر را فراهم می کند، به ایجاد اعتماد عمومی کمک می کنند و ترویج گسترده فناوری را آسان تر می کنند که می تواند در نهایت به سود جامعه منجر شود.

#### • برآیند

توسعه و پیاده سازی هوش مصنوعی مسائل اخلاقی متعددی را به همراه دارد و برای حل این مسائل، حاکمیت مؤثر لازم است. این مسئله توسط مجموعه ای از ذی نفعان در حال بررسی است. در حال حاضر، بسیاری از روش های مؤثر در حاکمیت هوش مصنوعی هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارند ولی با توجه به تأثیرات اقدامات حاکمیتی، ارزیابی آن ها راحت تر خواهد شد. به طور کلی، تلاش های حاکمیت هوش مصنوعی به دلیل تمایل به حداکثرسازی مزایای فناوری هوش مصنوعی و حداقل کردن تهدیدات آن، ازسوی تمامی جوامع مورد استقبال هستند. درست است که تنظیمات و قوانین در حوزه هوش مصنوعی به دلایل مختلفی مورد بحث قرار می گیرند؛ اما این حکمرانی به منظور کاهش خطرات، لازم است. حاکمیت هوش مصنوعی یک حوزه نو و در حال ظهور و به سرعت در حال توسعه است. تأثیر فعالیت های حاکمیتی فعلی بر توسعه هوش مصنوعی آغاز شده است و در آینده به راحتی قابل تشخیص خواهد بود.

#### یادداشت ها

۱- دکتر هوش مصنوعی از دانشگاه صنعتی شریف.

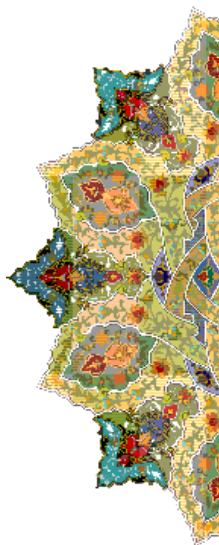
2- Institute of Electrical and Electronics Engineers.

ارزیابی پیاده سازی هوش مصنوعی مانند روش های علوم داده، طراحی الگوریتم و سخت افزار رباتیک هستند. ایجاد این ابزارها چالشی مهم است و بدون آن، حاکمیت مؤثر دچار مشکل خواهد شد. همچنین، حاکمیت بین المللی مؤثر به انگیزه هایی نیز برای ترویج مشارکت گسترده از جانب عوامل مختلف نیاز دارد. انگیزه هایی که به اشتراک گذاری فناوری، داده ها یا دانش فنی کمک می کنند و به ترویج حاکمیت مؤثر و مدیریت نابرابری فناوری در جهان کمک می کنند.

تنظیمات دقیق تر و مکانیسم های بهتر برای حاکمیت AI، مانند روش های تأیید، توجیه و حسابرسی سیستم های خودکار،

تلاش های حاکمیت هوش مصنوعی به دلیل تمایل به حداکثرسازی مزایای فناوری هوش مصنوعی و حداقل کردن تهدیدات آن، ازسوی تمامی جوامع مورد استقبال هستند.

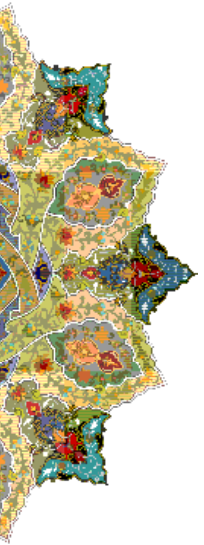
به حل نگرانی های اخلاقی مربوط به هوش مصنوعی کمک خواهند کرد. همچنین، کنوانسیون ها و چهارچوب های حاکمیتی بین المللی مؤثر نیز به انگیزه ها برای مشارکت وسیع ازسوی عوامل مختلف نیاز دارند. در صورتی که بخش قابل توجهی از کشورها در طراحی و توسعه چنین چهارچوب هایی شرکت نکنند، این مکانیسم های حاکمیتی می توانند بی معنی باشند. حاکمیت هوش مصنوعی می تواند از الگوها و استانداردهای مربوط به فناوری های پیچیده و کاربردی دیگر نیز یاد بگیرد. به طور مثال، از قوانین حوزه فضایی، حاکمیت اینترنت، ایمنی هوانوردی و موافقت نامه های مربوط به سلاح های شیمیایی که نشان می دهند استانداردهای مؤثر می توانند رشد نوآوری و صنعت را ترویج دهند، فواید فناوری را به طور گسترده به اشتراک بگذارند، خطرات عمومی را کمینه کنند و فراهم کننده چهارچوب های لازم باشند. به عنوان مثال، حتی در دوران تنش های بالا در حین جنگ سرد، امریکا و شوروی موفق شدند در سال ۱۹۶۷ به توافق برسند و موافقت نامه فضایی بین المللی را امضا کنند. این نمونه یک مکانیسم حاکمیتی معنادار بود که تأثیر طولانی مدت مثبتی در اختراعات فضایی داشت و به تشکیل کمیته سازمان ملل برای امور فضایی به عنوان یک سازمان هماهنگ کننده بین المللی کمک کرد. این موافقت نامه توسط ۶۲ کشور تصویب شده است و در سال ۱۹۹۸ راه اندازی شد. با وجود اینکه هوش مصنوعی ویژگی های متفاوتی نسبت به این مثال ها دارد، آن ها نشان می دهند که حتی در حوزه هایی که ممکن





**نگاه اسلام به زن** نگاه‌ای است  
عزت بخش، کرامت بخش،  
رشد آفرین، استقلال دهنده به  
هویت و شخصیت زن؛ این ادعای  
ماست. ما این ادعا را با محکمترین  
ادله می‌توانیم اثبات کنیم.

سید علی حسینی  
۹۱/۴/۲۱



2 Editorial

4 The Third Model; A Look at Women's Identity in the Thought of the Supreme Leader of the Revolution

The Department of Iranian Studies

11 Sardar Qassem Soleimani's School; A Servant School for People's Contentment

Dr. Ramazan Shabani Sarooyi

15 Identity and Social Functions of "Yalda Night"

Maryam Yari

19 The Identity Requirements of the Election Advertisement of the Islamic Parliament

Dr. Hamid Hooshangi

24 Amir Kabir's Effective Steps in Providing the National Interests of Iran

Dr. Salar Seifodini

28 The Place of Persian Language in the World Web

Dr. Faezeh Ghasemi

33 Social Sacrifice; As the Basics of Producing Emotional Energy, Social Capital and Collective Cohesion

Dr. Davood Mir-Mohammadi

37 The Impact of Regional Developments on Türkiye's Kurdish Policies

Dr. Faezeh Ghasemi

43 The State of Artificial Intelligence Governance in the World

Dr. Mohammad-Javad Bahmanabadi

Vol. 8 / No. 94 / December - January 2023 - 2024

**Founder:** The Institute for National Studies

**Managing Editor:** Dr. Shaghayegh Heidari

**Editor-in-Chief:** Dr. Shaghayegh Heidari

**Advisory & Editorial Board Members:** Dr. Kaveh Amirkhani, Dr. Habiballah Fazeli, Dr. Ali Karimi, Dr. Mojtaba Moghsoodi, Dr. Davood Mirmohammadi

**Colleagues in this Issue:** Dr. Mohammad-Javad Bahmanabadi, Dr. Salar Seifodini, Dr. Ramazan Shabani Sarooyi, Dr. Faezeh Ghasemi, Dr. Davood Mir-Mohammadi, Dr. Hamid Hooshangi, Maryam Yari.

**Executive Director:** Fatemeh Takaloo

**Executive Group:** Fatemeh Takaloo, Mohammad Khanbeiki

**Graphic Designer:** Fariba khanali

**Customer Affairs:** Fatemeh Takaloo

**Editor:** Fariba khanali

**Address:** No. 43, Shohada-e-Jandarmeri St., Daneshgah St., Enqelab Av. Tehran, IRAN

**Web Site:** www.rinsweb.ir

**Email:** Nameh.hoviat@gmail.com

**P.O.Box:** 13145-919

**Tel:** + 9821 - 66415488-66499916

**Price:** 600000 Rials